

مسیح جمیع اصفهانیان

در

دوران آل بویه

نوشته : اوژنیو گالدیری

ترجمه : حسینعلی سلطانزاده پسین

از انتشارات :

سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران

انتشارات سازمان

- ۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران (فارسی) ۱۵۰
- ۲- » » » (انگلیسی) ۱۵۰
- ۳- » » » (فرانسه) ۱۵۰
- ۴- راه و رباط ۱۵۰
- ۵- هنر آبیاری و سد سازی در ایران باستان نایاب
- ۶- میراث‌های تمدن ایرانی در سرزمین‌های آسیائی ۱۲۰
- ۷- راهنمای آثار باستانی جزیره خارك ۱۵۰
- ۸- تأثیر معماری گنبد سلطانیه ایران در ساختمان گنبد
سانتاماریا دلفیوره ایتالیا ۶۰
- ۹- مجله فرهنگ و معماری ایران
- بزبانهای فارسی و فرانسه در شماره ۲۰۰
- » » » چهار شماره در سال ۷۰۰
- ۱۰- مسجد جمعه اصفهان در زمان آل بویه ۱۵۰
- ۱۱- کارنامه دهسال خدمات سازمان
- ۱۲- آگاهی‌نامه سازمان که ۱۲ شماره در سال منتشر میشود و برای
علاقتمندان ارسال میشود

بها ۱۵۰ ريال

زیر چاپ

۱- بررسی مقدماتی در باره مسائل حفاظتی پنج بنای تاریخی ایران
تألیف: م. ا. ی. و یور
ترجمه: آقای کریم الله افسر

۲- راههای باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته بآنها
تألیف: ماکسیم سیرو
ترجمه: آقای مهدی مشایخی

مسیح در جمیع اصفهانیان

در

دوران آل بویه

نوشته : اوژنیو گالدیری

ترجمه : حسینعلی سلطانزاده پسبان

از انتشارات :

سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران

این کتاب در ۲۰۰۰ نسخه
در چاپخانه جلالی چاپ شده است

پیشگفتار

یادگارهایی که از پیشینیان اندیشمند و سخت کوشمان در پهنه ایران عزیز بصورت بناهایی دلنشین و حیرت انگیز برجای مانده اند و یا دست طبیعت و ستیز انسانها بزریشان آورده، گفتنی بسیار در دل دارند. گفتنی از روزگاری که در آن پدید آمده اند، از دستهایی که پدیدشان آورده و از دانش و فنی که در شکل گیریشان بکار رفته است.

باید این دلها را کاوید و زبانشان را گشود و گفتنیها را شنید. گذشته را در پرتو این مشعلهای فروزان باز شناخت و از آن درس گرفت و راه و رسم آموخت. دست آوردهایی از این رهگذر را بکار بست. هم بکار مرمت بناهای سالخورده و آسیب دیده و هم بکار بناهای جدید و آنچه از آن معماری ملی مفهوم میشود و باید معترف بود که بروشنی شناخته نیست. سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران با درك این نکته ظریف و مهم میکوشد همگام با فعالیتهای روز افزون خود در زمینه مرمت و نگاهداری بناهای با ارزش باستانی و قبل از اقدام به مرمت درباره ارزش اینگونه آثار پژوهش کند هر بنارا نيك بشناسد و مداوا را بروفق حالش سازد و دست آورد پژوهش را به دلسپردگان آثار باستانی نثار کند.

مسجد جامع اصفهان یکی از آثاری است که مرمت

آن با پژوهشی اساسی همراه بوده است.

مرمت این بنای بزرگ که از مهمترین بناهای اسلامی است و یادگارهای بسیار از چندین دوره از تاریخ کهنسال ایران را در آغوش دارد بیاری مؤسسه ایتالیائی شرق نزدیک و دور (ایزمئو) آغاز گشته است. از ایزمئو خواسته شد پیش از هر کار در باره این مسجد عظیم به کندوکاو و پژوهشی اساسی بپردازد گوشه‌ها و قسمت‌های گوناگون و فراوان آن را بشناسد و زبان هر گوشه را بکشد.

حاصل این کاوش علمی کتابی است که جلد دوم آن راجع است به آثار دوره آل بویه در مسجد جامع اصفهان که توسط آقای حسینعلی سلطانزاده پسیان از انگلیسی به فارسی برگردانده شده و بامید آنکه برای دوستان تاریخ و بناهای تاریخی سودمند افتد انتشار مییابد.

باز بامید آنکه تمامی کتاب بزبان فارسی منتشر شود و سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران بتواند راه دشوار پژوهش آثار باستانی را با گام‌های درست و استوار بپیماید و به سرچشمه‌هایی برسد که تشنگان حقایق از آنها سیراب شوند.

مدیرعامل سازمان ملی حفاظت آثار باستانی

نصرت‌اله مجتبیائی

دوران آل بویه

دوره دوم عملیات حفاری و بررسی که تا کنون توسط میسیون اکتشاف و ترمیم (ISMEO) در مسجد جمعه اصفهان انجام یافته، دارای سه مرحله مشخص می باشد. مرحله اول از ۱۸ اکتبر تا ۸ دسامبر ۱۹۷۱، مرحله دوم از ۲ مه تا ۲۵ ژوئن ۱۹۷۲ و مرحله سوم از ۲ اکتبر تا ۲ دسامبر ۱۹۷۲ طول کشیده است. در دوره دوم نیز، مانند عملیات دوره اول (۱)، حدود آزمایش چه از لحاظ وسعت عمل و چه از نظر عمق آن، محدود بود. بنابراین هنوز خیلی زود است که بتوان باخذ نتایج کلی مبادرت نمود و ناچار زمینه این گزارش دوم فقط شامل تفسیری است مقدماتی از شواهد عینی که در جریان دو دوره کار و بررسی بظهور پیوسته است (۲).

(۱) رجوع کنید به "اصفهان، مسجد جمعه"، اثر ای. گالدی یری. چاپ

ISMEO رم ۱۹۷۲

(۲) در برنامه تحقیقات ما قید شده است که با توجه به آخرین کشفیات، منابع متشکله از کتیبه‌ها و قطعات ادبی را اعم از فارسی و عربی، بار دیگر بخوانیم تا از تکرار اشتباهات و تفسیرهای نادرستی که غالبا در مورد استفاده از نقل قولهای دست دوم روی میدهد، احتراز بعمل آید.

قسمت اعظم کتیبه‌ها را آ. گدار (در آثار ایران، جلد اول، جزوه ۲) و آ. گابریل (در مقاله‌ای تحت عنوان "مسجد جمعه" در نشریه "صنایع اسلامی" جزء ۲ در ۱۹۳۵ چاپ شده) انتشار داده‌اند و مبنای کار آنها قرائتی است از کتیبه که به ترتیب توسط یدآ. گدار و ژان سواژه بعمل آمده است.

ماخود را مرهون مساعدتهایی می‌دانیم که وزارت فرهنگ و هنر ایران و اداره فرهنگ و هنر اصفهان نسبت به ما مبذول داشته‌اند و همچنین به آیه‌الله امام جمعه، پیشوای روحانی معروف اصفهان خالصانه سپاسگزاریم که بارها نسبت به ما و همکاران ما در جریان کاری که در پیش داشتیم، کمال تفاهم را ابراز فرمودند بخصوص که این بنای تاریخی هنوز دایر است و در محله‌ای پر جمعیت و مورد علاقه عموم از شهر اصفهان واقع شده است. بدین جهت عنایات ایشان مشکور است.

۱- مسجدی بسبك معماری عرب (۳)

در طی عملیات دوره دوم کوشش تحقیقاتی ما همچنان متوجه کشف شواهد در نقاط تقاطع شبکه‌ای بود که در دوره اول عملیات کشف شده و ما آنرا «مسجد عربی» نامیده‌ایم. برای رعایت سهولت امر، تکرار می‌کنیم که آن شبکه صورت

(۳) در اینجا راجع با احتمال اینکه قبل از ظهور اسلام در محل فعلی "مسجد عربی"

کسانی سکونت داشته‌اند، اشاره نشده است، زیرا که این کار از وظایف خاص باستان شناسان است. من باب توصیه برای مطالعه درین خصوص - مطالعاتی که باید با رعایت احتیاط انجام گیرد - رجوع کنید به آنچه در باره کشف یک پایه ستون که تزیینات آن کارهای مشابه منسوب بدوره ساسانی را بخاطر می‌آورد، نوشته شده است (گزارش مقدماتی، صفحات ۳۶۹ و ۳۷۹). در یزدگرد نیز در اثنای کاوش‌های میسیون انگلیسی نقش شبیه آن تزیینات پیدا شده است. (رجوع کنید به اثر E. J. Keall قسمت "قلعه یزدگرد" در کتاب "یک کاخ مستحکم ساسانی در کردستان ایران" - جلد ۵ صفحات ۹۹ تا ۱۲۱ - شکل ۵) تازه‌ترین کشفیات در منطقه شمالی ابنیه خشتی مسجد که در بادی نظر در جهت ته‌ستون اول دیده می‌شوند، این مساله مهم یعنی وجود بنایی در دوره قبل از اسلام را تأیید می‌کنند.

راجع به ساختمان نخستین مسجد "عربی"، سالادن (Saladin) در کتاب

"راهنمای صنایع اسلامی" (Manuel d' Art musulman) چاپ پاریس

مربع مشبکی را دارد که طول ضلع آن قریب به $4/35$ متر است و خود باشبکه بنای نخستین مسجد مطابقت می کند. این طرز شبکه بندی بعدها نیز در تغییرات مختلفه مسجد بکار برده شده ولی نه در تمام قسمتهای آن. بدین جهت، امروزه تشخیص قاطع آن، جز در پاره ای قسمتهای معین و معلوم مخصوصاً در منطقه شمالی، چندان آسان نیست، فایده عملی تشخیص دقیق این شبکه هندسی (شکل ۱) در این است که درست در همان نقاطی که بر اساس همین شبکه برای آزمایش محدود انتخاب شده بود، ما مرتباً توانستیم آثار يك ساختمان کهن را پیدا کنیم. برای پیدا کردن بقایای دیوار دور تا دوری از خشت خام که هنوز در صفة منطقه شرقی دیده می شود، مخصوصاً عملیات دقیقی انجام داده شد. این کار نیز قرین توفیق بود و در نتیجه آن، دو قسمت، یکی در سمت جنوب غربی و دیگری در شمال، از زیر خاک در آمد. تا کنون علاوه بر اکتشافات متعددی که در خارج از محیط بنای «عربی» صورت گرفته، تعداد پنجاه نقطه التقای

صفحه ۳۲۱ تاریخ بنای آنرا بین ۱۴۳ و ۱۵۲ هجری (در حدود ۷۷۰ - ۷۶۹) یعنی در دوران خلافت المنصور عباسی (۷۷۵ - ۷۵۴) تعیین می کند تا جایی که در حال حاضر اطلاع داریم، مدرکی برای اثبات این حرف نیست همچنانکه گفته شاردن نیز درین باره چندان اعتباری ندارد. وی در کتاب "مسافرت در ایران و سایر نقاط خاور زمین" منطبعة پاریس بسال ۱۸۳۰ - جلد ۷ صفحه ۹۷، پس از ذکر اینکه مردم اصفهان بنای مسجد را به ملکشاه نسبت می دهند، علاوه می کند که "ملکشاه را نمی توان بانی تعمیر مسجد دانست زیرا که کتیبه گنبد جنوبی آن بنام سلطان یوسف (المنصور) است که پیش از ملکشاه میزیسته است... اما چون اخیراً کتیبه های هر دو گنبد بدرستی خوانده شده و در آنها صریحاً به دو وزیر ملکشاه اشاره شده است، لذا موضوع خود بخود منتفی است و نظر سالادن و شاردن محملی ندارد. بدین قرار مادام که عکس قضیه ثابت نشده است ناچار باید قبول کنیم که نخستین بنای اسلامی مسجد مربوط به اعراب قبیله تیرون است و آنچه مفرخی مورخ درین باره گفته صحیح می باشد گو اینکه مشارالیه تاریخ بنا را نمی دهد.

شبكات نیز تحت رسیدگی در آمده است بدین شرح: ۱۰ فقره در اثنای عملیات دوره اول، ۳۵ فقره در طی دوره دوم و ۵ فقره در دوره سوم. در هر يك از این نقاط، بقایای يك ستون مدور و یا لا اقل بقایای پایه آن كشف گردید. آجرهایی که در بنا بکار رفته، با وجود تنوع ظاهری همه آجر پخته است (رجوع شود باشکال ۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴).

در اینجا باید خاطر نشان کرد که قصد ما دعوی آن نیست که تمام ستونهای که در زیر طبقه موجود كشف کرده ایم مربوط به نخستین ساختمان سبك عربی می شود. کار طبقه بندی که در جریان است همراه با مطالعه و آزمایش قطعات سراميك تحقیقاً نشان خواهد داد که ستونهای اولیه کدام يك بوده و از طرف دیگر کدام ستونها را باید به تغییرات و تبدیلات منتسب دانست. منظور اصلی در اینجا همانا عرضه نمودن و بیان این فرض است که بنای اولیه یعنی طرح و بسیاری از اجزای اصلی معماری آن هرگز از بین نرفت و متروك نشد و بر عكس در حقیقت در طی مدتی قریب به دو زده قرن، خود آن، اساس بسط و توسعه و تغییر شكل همه این مجتمع ساختمانی بود.

اگر نا همواری زیاد كف طبقه فعلی را در نظر بگیریم و توجه داشته باشیم که این وضع در گذشته نیز فیما بین يك قسمت و قسمت دیگری از مسجد می بایست موجود بوده باشد. حد متوسط عمق شالوده ستونهایی که از زیر خاك در آورده ایم، در زیر كف بنادر حدود ۱۲۰ تا ۱۳۰ سانتیمتر می شود. تعداد ستونهایی که در آنها مستقیماً می توان به سطح شالوده رسید، نسبتاً کمتر است. در بسیاری موارد ستونها از بقایای يك یا دو طبقه بعدی احاطه شده و آنچه تازه تر است فقط ۱۵ تا ۱۸ سانتیمتر پائین تر از كف طبقه فعلی قرار دارد. تا کنون اثری از طبقه اصلی یعنی طبقه ای که بسط یا سطوح پایه های منفرد متصل بوده، بدست نی آمده است. مع هذا هیچ بعید نیست که كف این طبقه فقط يك لایه خاك کوبیده و سفت شده ای بوده باشد (۴).

(۴) در این باره مطلب جالبی که خوبست خاطر نشان شود، این است که در

ایوان بسیاری از مساجد کهن كف سازی واقعی نداشتند بلکه كف آنها عبارت از خاك

ارتفاعی که در آن شکستگی ستونها روی داده و همچنین فقدان کامل بقایای زیرخاکی، دو عامل قابل ملاحظه است که همراه با عوامل دیگر که بعداً درباره آنها سخن خواهد رفت، همه حاکی از نکته مهمی است، یعنی نشان می‌دهد که بنایان دوره سلجوقی که کار تغییرات مهمتر و جالبترینای سابق را برعهده داشتند، کار خود را از يك ویرانه بیسروصورتی آغاز نکردند (۵) و یا آنکه در وضعی بدتر از آن، یعنی در «يك فضای وسیع خالی از هر گونه آثار کهن»، بکار نپرداختند. (۶) برعکس،

کوبیده سفت است که روی آنرا با فرش یا بویا می‌پوشاندند. پرفسور پوپ راجع به مسجد تاری خانه دامغان چنین می‌نویسد. "ظاهراً مسجد فاقد کف سازی بوده است و پله‌یی دیده نمی‌شود که زمین زیر رواق‌ها را از زمین حیاط متمایز کند. " (رجوع شود بکتاب پوپ جلد دوم صفحه ۹۳۴). همچنین در مسجد کوچک فهرج نیز اثری از کف بنا ندیدیم و فقط در قسمت جلو محراب بقایایی از گچ کوبیده شده سفت به چشم می‌خورد.

(۵) ما به چندین دلیل موضوع وجود یک مسجد خرابه را رد می‌کنیم. در درجه اول در حفاریات آزمایشی که تاکنون انجام یافته مقادیر زیادی مواد سرامیکی کشف شده لیکن قطعات ساختمانی و بقایای کوچک بنا خیلی کم بوده تا بتواند حاکی از خرابیهایی عظیم باشد همچنین بطوری که میدانیم بنا بریک سنت قدیمی و مقدس اسلامی که مسلمانان از سنی و شیعه در هر دوره‌یی رعایت آنرا می‌کردند و هنوز هم تا حدودی مراعات می‌شود، موادی را که هنگام تخریب یا نوسازی یک مسجد در داخل آن جمع می‌گردد، به زباله دانی عمومی نمی‌برند و با زباله و آشغال دیگر مخلوط نمی‌کنند، بلکه از آن بار دیگر برای تسطیح و پر کردن چاله‌ها و شالوده گذاری استفاده می‌نمایند و یا آنرا بمجاری آب می‌ریزند. ضمناً باید بخاطر داشت که امروزه زاینده رود در نزدیکترین نقاط، بیش از سه کیلومتر از مسجد فاصله دارد.

(۶) جمله‌یی که بین القوسین نقل شده از گدار (Godard) است (رجوع

آنان بنای عظیمی را دیدند که با وجود وقفه‌ها و نابسامانی‌ها، هنوز زنده و پابرجا بود، منتهی این بنا دیگر با سلیقه متغیر زمان و شاید بامقتضیات جاری عبادت متناسب نبود. نیز باید بخاطر داشت که بسیاری از تغییرات عمده‌ای که در مسجد حاصل شد، مقارن با حوادث مهمی در تاریخ شهر بود که غالباً ناگهانی و چشمگیر بودند. (۷)

حفریات آزمایشی در نقاط التماس و نتیجه حاصله که عبارت از کشف قسمتهای

شود به کتاب گدار چاپ ۱۹۳۶ جلد اول صفحه ۲۰۵). گدار، بهر صورت، فرضیه مربوط به همبستگی معماری فیما بین ساختمان سبک عربی و مسجد سلجوقی را رد می‌کند و فقط با بیمیلی و اکراه قبول دارد که احتمال دارد محل مسجد فعلی از نظر شناسایی محل اماکن قدیمی همان زمین زیر بنای مسجد اصلی بوده باشد (رجوع شود بهمان کتاب صفحه ۲۱۵) و گرنه بنظر وی گفتن اینکه مسجد جمعه اصلاً از دوران عباسی است، چیزی جز خیالبافی نیست و "از لحاظ ساختمانی در مسجد و مدرسه قدیمی ستوندار یا حیاطی چهار ایوانی که گرداگرد آن حجراتی قرار دارد، هیچگونه اثری از گذشته دیده نمی‌شود." بعقیده گدار کسانی که اصل مسجد فعلی را به بنای سبک عربی قدیمی مربوط می‌سازند دوچار اشتباهند و گویی "از عمارتی حرف می‌زنند که اصلاً مسجد جمعه ما نیست. اینان مسجدی با سبب ایرانی را شرح می‌دهند که تماماً از آجر پخته ساخته شده (رجوع شود به اثر P. Coste صفحه ۲۱) و با بنای سابق هیچ ارتباطی ندارد بجز اینکه بر روی همان قطعه زمین ساخته شده و گاه بگاه نیز بنام جامع العتیق نامیده شده است."

گدار چنین نتیجه می‌گیرد که مسجد فعلی مطلقاً یک بنای ایرانی است و اصل آن عبارت از بنای گنبد داری است که بنام ملک‌شاه معروف است - مفاد این مطلب فرض محال چنین خواهد بود که این قسمت از بنا قدیمی‌ترین قسمت مسجد است و تمام عوامل ساختمانی بالای آن مربوط ببعد از سال ۱۰۷۲ می‌باشد که تاریخ آغاز سلطنت ملک‌شاه است.

(۷) بسیار بمرور است که در اینجا فقط به سه واقعه تاریخی مسلم اشاره کنیم .

بنیانی ساختمان است فرضیه مارا مبنی بر اینکه طاق مرکزی عمود بردیوار محراب از قسمتهای دیگر پهن تر بوده است، تأیید می کند و این طرحی است که در مساجد «سبک عربی» غالباً دیده می شود و خود شکل دیگری است از اسلوب «کوفه» که از نظایر آن در ایران، مسجد تاری خانه دامغان و مسجد جمعه نائین و مسجد فهرج در نزدیکی یزد رامی توان نام برد (شکل ۲، a, b, c).

بدیهی است که در حال حاضر دیگر نمی توان گفت که زیادی عرض طاق سرپوشیده مرکزی از لحاظ ارتفاع نیز، آنچنانکه معقول بنظر میرسد بهمان نسبت بوده است یانه. باهمه این احوال، باز هم می توان گفت که نقشه مسجد قدیم دارای مشخصات زیرین بوده:

۱) طاق مرکزی با مقایسه نسبت به دومحور طاق معمولی بنا (و همچنین نسبت به محور طاق طولی دارای محورین متقاطع می بوده بطول تقریبی ۵۰/۵ متر، در صورتی که محور طاق معمولی همانطور که قبلاً اشاره کردیم تقریباً ۴/۳۵ متر بوده است و این تفاوت ۱/۱۵ متر معادل افزایش برابر با ۴/۲۶٪ است (دامغان ۳۲٪ نائین ۲۴/۵٪ و فهرج ۲۲/۵٪)

۲) طاق مرکزی بزرگتر، هم شامل خود حرم بود و هم در قسمت مقابل یعنی در قسمت روبشمال قرار داشت. از اینجا بخوبی می توان استنتاج کرد که دسترسی بآنجا در امتداد يك محور شمالی - جنوبی، یعنی درست در جهت محراب مقدور بوده است. اگر چه در ایران دوران اسلام چنین چیزی زیاد متداول نبوده، مع هذا می توان از آن در توضیح بنای گنبد دار کوچکی که بعداً در دوره سلجوقی در سمت شمال ساخته شده و بنام گنبد کاخی معروف بوده استفاده نمود، بنائی که تقریباً مانند يك Pranoas می باشد. از این مطلب، همچنین در توضیح روشن کاملاً متفاوتی که

الف محاصره اصفهان بوسیله طغرل بیک و فتح آن در سال ۴۴۲ (۱۰۵۰) ب) سوختن مسجد بدست باطنیان در سال ۵۱۵ (۱۱۲۱) که شرح آن در سردر شمالی شرقی ضبط شده و ج) فتح اصفهان بدست تیمور لنگ در سال ۷۹۷ (۱۳۹۴)

سلجوقیان در مورد ایوان شمالی بهنگام تبدیل مسجد بیک بنای چهار ایوانی بکار برده‌اند، می‌توان فایده برد .

در حقیقت ایوان شمالی بهیچوجه یک ایوان واقعی نیست و حالت معبری بسوی صحن و از آنجا بطرف حرم را دارد که شاید در همان زمان آبادی مسجد سبک عربی نیز وجود داشته است .

(۳) حرم فقط به عمق شش طاق بوده در حالی که در قسمت شمالی تنها چهار طاق وجود داشته است و دو قسمت جنبی (یعنی دو طرفی که در امتداد حیاط یکی بسمت مشرق و دیگری رو بمغرب می‌رود) فقط دو طاق داشته و مثلاً نظیر مسجد جمعه نائین بوده است. بعبارت دیگر در ابتدا نسبت بامروز قسمت کوچکتری سرپوشیده بوده و بدینجهت حیاط بزرگتر بوده است (۸) .

(۸) در خصوص اضافاتی که در عهد عباسی در صحن حاصل شده، گذار در کتاب خود بنام "تاریخچه مسجد جامع اصفهان" (چاپ ۱۹۳۶ جلد اول بخش دوم صفحه ۲۷۷ شکل ۱۸۱) نقشه کوچکی از مسجد را چاپ کرده که شامل طرحی از حیاط می‌باشد. تعدادی نقطه در این طرح محل ستونها را نشان میدهد و چند قطعه از محل دیوار معرف چهار قسمتی است که مفرخی بدان اشاره کرده است. در این طرح حرم متشکل از چهار طاق است، دوتا در قسمت شمالی و دوتا در طرفین. ظاهراً این تقسیم فرعی از نظر نویسنده کتاب مهم نبوده است چرا که نه تنها در متن کتاب بدان اشاره‌ای نشده است بلکه در توضیحی که به همراه شکل داده شده است، چنین می‌گوید.

" ۱ - از این شکل و شکلهای بعدی (شکل ۱۸۱ تا ۱۸۴) منظوری جز این نیست که بوجهی کلی مراحل توسعه مسجد را تعریف کنم نه اینکه به تعیین موازین و شرح جزئیات ساختمانی بپردازیم . . . " از این حرف چنین بنظر می‌آید که فقط ترسیم یک نقشه گرافیک مطرح بوده بی آنکه قصد رجوع به واقعیات در میان بوده باشد و این مطلب بیشتر از این جهت روشن می‌شود که قسمت شمالی طوری ترسیم شده که بالفعل دارای همان عمق (یعنی

مابراساس این فرضیات که متکی به مطالب و شواهدی است که تاکنون جمع

دو طاق) است که قسمتهای جنبی (قسمتهای طولیتر)، در صورتیکه بنا بر فرض ما می بایست لااقل چهار یا پنج طاق داشته باشد، گذار یک بار دیگر در سال ۱۹۳۸ بدین موضوع می پردازد (همان کتاب، چاپ ۱۹۳۸ جلد ۳ قسمت ۲ صفحات ۳۱۵ تا ۳۲۲).

وی در اثنای تعمیر کاشی های سردر ورودی تالار اولجاپتو (تاریخ سردر ۱۴۴۷ می باشد) ستون مستطیلی کشف کرد که منتهی به نیمه ستونهایی میشد و در کتف جنوبی سردر پنهان بود (گذار بعدا این ستون را جزو دیوارهای تازه مستور ساخت). گذار پس از مطالعه مشخصات مشهود آن ستون چنین استنتاج کرد که می بایست آنرا متعلق بدوران سلجوقی دانست و از اینجا چنین فرض کرد که تعدادی نظایر همین ستون در سرتاسر جبهه حیاط وجود داشته، ولی هیچ تامل بخرج نداده که آیا این ستونها از قبیل اضافات ساختمانی بوده و یا آنکه جانشین چیز دیگری شده اند. سپس چنین اندیشیده که این ستونهای قبلی بعدا "جزو ستونهای درازتر مغولی درآمده اند تا باریک طبقه بالاتری را قرینه هر یک از رواقهای احدائی در نیمه اول قرن چهاردهم ساخته شده تحمل کنند. ظاهرا" گذار در این تحقیق گامی فراتر ننهاد و همچنین هیچگونه اشارهی هم نسبت بموضوع متنازع فیه تعداد طاقهایی که قبلا" موجود بوده نکرده است.

حقیقت امر این است که مادام که تحقیقات بعدی نظر ما را نادرست تشخیص نداده، این مرحله یک حادثه ضمنی منفردی تلقی می شود. ستونی که گذار دیده با ستون مجاور قرینه آن محتملا" مدخل خاصی را نشان میدهد که شاید بتالاری که اکنون از بین رفته است، راه میداده و جانشین ستونهای قبلی دیگری بوده است (به بند ۴ نیز مراجعه شود). از سوی دیگر گابریل که همواره طرفدار فرضیه ادامهء ساختمانی در این بنا بوده، در نتیجه محدودیت وقت شاید متوجه سرستونهایی که نسبت بساختمان سبک عربی حالت "خارجی" داشته، نشده است.

آوری شده، مبادرت به ترسیم نقشه‌یی از مسجد عباسی (و یا در واقع از قسمتهای عمده آن)، بدان وضعی که می‌بایست حداقل در اواخر قرن ۹ داشته باشد، نموده‌ایم. چنین بنظر میرسد که این ساختمان شامل ۲۶۲ طاق (و یا قسمت سرپوشیده و دارای طرح چهارگوش) و سقف آن بر ۳۵۵ پایه آجری مدور استوار بوده است. دورتادور مسجد دیواری بزرگ از حشت خام کشیده بوده‌اند (۹) (رجوع کنید به شکل‌های ۳ و ۴).

(۹) برای روشن شدن مطلب، ما نقشه ترمیمی مسجد عباسی و نقشه ترمیمی مسجد متعلق بقرن دهم را که قبلاً ذکر آن رفته است، از نظر گرافیک بر روی هم قرار داده‌ایم. همچنانکه در جزء اول گزارش عمل کرده‌ایم، بار دیگر مبنای کار را بر اساس مطالعه و نقشه برداری معروف شرویدر در سال ۱۹۳۱، که نتیجه آن در سالهای ۵۸ - ۱۹۳۸ در کتاب پوپ منتشر شده و ما از جلد دوم آن منتشره در ۱۹۳۹ (صفحه ۳۲۸) استفاده کرده‌ایم، استوار ساختیم. متأسفانه تا امروز امیدواری ما از لحاظ امکان مراجعه به نقشه برداری دقیق میرون بمنت اسمیث که بین سالهای ۱۹۳۳ و ۱۹۳۷ انجام یافته، بجایی نرسیده است، مشارالیه در همان موقع تعداد زیادی عکس نیز برداشت و امیدوار بود که بمحض تکمیل نتایج کلی مطالعات خود، مدارک کامل مزبور را منتشر کند و این کاری بود که در مطالعات مربوط به مسجد اهمیت عظیمی را متضمن میشد. عکسهایی که جزو این اسناد است اندکی قبل از آنکه گدار تعمیرات مسجد را انجام دهد برداشته شده و از این رو جزئیات بناهای مکشوفه را که در حال حاضر دیگر دیدن آنها میسر نیست، نشان میدهد. لکن متأسفانه م. ب. اسمیث قبل از آنکه از تحقیقات گرانبهای خود شمره‌ای بردارد، زندگی را بدرود گفت. وی در سال ۱۹۳۹ با همکاری همسرش کاترین دنیس اسمیث، مقاله‌ای در این باب نوشت که در شماره ۳۹ مجله "اسیا" مجلد آمریکایی مربوط به خاورزمین، مطبوعه نیویورک - در ۱۹۳۹ در تحت عنوان "ابنیه اسلامی ایران" بچاپ رسید. در این مقاله وی از توفیق خود در انجام دادن چنین کار مشکلی ابراز خرسندی نموده و اظهار امیدواری کرده که بزودی نتیجه آنرا در دسترس علاقمندان دیگر

بدین قرار، در اضلاع درازتر حیاط ۱۸ و در اضلاع کوتاهتر ۱۵ طاق وجود داشته است به نسبت ۶ به ۵

۴) دیوار خشتی محوطه مسلماً بزمان ساختمان اصلی تعلق ندارد بلکه به مرحله پخته تر و پیشرفته تری متعلق است و شاید از اضافات سال ۸۴۱ میلادی باشد که در عهد خلافت المعتصم انجام یافته است. در آغاز حفاریات آزمایشی، از این دیوار هنوز آثاری در ناحیه جنوب شرقی و در چند نقطه در قسمت بالای بخش شرقی - شمال شرقی دیده میشد، خوشبختانه سلسله آزمایشهای مابآنجار رسید که در ارتفاع ۴/۵۰ متر (رجوع شود به شکل ۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰) قسمت عمده یی از ساختمان دیوار و مشخصات معماری آن معلوم گردد و بدین ترتیب، لااقل تا آنجا که مربوط به سمت شرقی بوده، توانستیم تصویر روشن از وضع خارجی مسجد داشته باشیم. دیوار محوطه در یک قسمت آن از پایه بیلا تغییر ضخامت دارد بدین معنی که ضخامت آن در پایه ۱/۹۰ متر است و در بالا به ۱/۷۵ متر میرسد. حداعلا ی بلندی آن که بتحقیق معلوم شده ۶/۲۰ متر بوده است. دیوار از خشتهای گلی ناپخته به ابعاد ۸ × ۳۶ × ۳۶ سانتیمتر ساخته شده که بوسیله ملاط گل بهم وصل شده اند و ضخامت تقریبی ملاط ۱۵ میلیمتر است. طول طرف شرقی دیوار تقریباً ۱۰۵ متر بوده که باطاقنماهایی رو به سمت خارج تزئین شده است. هر طاقنما فرو رفتگی نسبتاً کم عمقی داشته (شکل ۵) و تمام دیوار از یک

بگذارد، همچنانکه در جلد اول نیز اشاره کرده ایم، آنچه در باره نتایج منتشر نشده کار او میدانیم این است که هرچه هست به موسسه اسمیثونین واشنگتن تجویل داده شده است. چون این وسیله گرانبها هنوز در دست نیست (و انشاءاله روزی منتشر خواهد شد) عجالتاً برای رفع نقائص موجود عکسهای سندی مفصلی در جلد اول چاپ کردیم که وضع مسجد را در ۱۹۷۰ نشان میدهد و ضمناً از یک موسسه ایرانی تقاضا نموده ایم که از تمام ساختمان بوسیله عکس نقشه برداری کند. این کار تقریباً تمام شده و نتایج آن قبل از پایان ۱۷۹۳ منتشر می شود.

لایه خاک سرخ ممزوج با کاه پوشانیده شده است.

از دو طاق دیگر که بالاتر قرار دارند، یکی تا حدودی جزو ترکیب داخلی ایوان شرقی درآمده که تقریباً $4/50$ متر بالاتر از کف بناست. (شکل ۳۱) این هر دو مطابق سنن معماری عهد ساسانی ساخته شده و خشتهای گلی آنها بر روی لبه و بطرز شعاعی چیده شده است. راه حلی که برای تکیه گاه طاق نسبت بستونها بکار رفته و بعدها در عهد سلجوقیان نیز از آن استفاده کرده اند، مخصوصاً جالب توجه است. بقایای بناهایی از گل فشرده که در اثنای حفاریات در قسمتهای غربی و شمالی محوطه (شکلهای ۳۲ و ۳۳) کشف شد، پیش بینی مربوط به نقشه برداری دیوار را تأیید می نماید ولی اثری از وجود احتمالی طاقنماهایی در این دو بخش بدست نمی دهد.

۲- بنای مسجد رامی توان بقرن دهم میلادی (قرن چهارم هجری) نسبت داد. تحقیقاتی که برای اثبات وجود ساختمانی بسبک عربی انجام یافته، طبعاً و بطور کلی در پیرامون ایوانها متمرکز بوده است این چهار قسمت از جمله چند نقطه معدود بوده که در آنها امکان مطالعه و نقشه برداری فراهم بوده و بالاتر از همه، این قسمتها نقاطی بودند که در آنها تعمیراتی در یک دوره معین و معلوم، یعنی در عهد سلجوقی و بلافاصله پس از بنای ساختمان گنبد دار معروف به ملکشاهی بعمل آمده بوده است. در حفاریات ایوان شرقی تعداد نه ستون کشف شد (شکل ۷) که همه آنها در شبکه عربی و محور $4/35$ متری درونی آن بخوبی جا می افتاد. اگرچه شش ستون استوانه ای در دو ردیف داخلی از آن نوع ستونهای استوانه ای بودند که قبلاً مذکور افتاده (رجوع کنید بکتاب Galdieri صفحات ۳۶۸-۳۶۶ و ۳۷۸-۳۷۶) و قطر آنها ۹۲ سانتیمتر بوده لیکن ردیف بیرونی، یعنی ردیفی که به حیاط مشرف است، مرکب از سه ستون از نوعی کاملاً تازه بوده، بدین معنی که ستون ۳ برگی بر پایه مربعی قرار داشت که ضلع آن ۱۰۵ سانتیمتر بوده. در اینجا حتی سبک بنا نیز تفاوت داشت و مرکب بود از آجرهایی تقریباً به ابعاد $3 \times 15 \times 10$ که طوری قرار داده شده بودند که بشکل صلیب کناره بلندی در آمدند (شکل ۳۴ و ۳۵ و ۳۶).

دامنه تحقیقات مابعداً با یوانهای دیگر کشیده شد و در تمام موارد نتایج خوبی

حاصل گردید :

(الف) درایوان غربی سه ستون سه برگی پیداشد که در شمالی ترین آنها تقریباً جز پایه چیزی برجای نمانده بود (شکل ۳۷) .

(ب) درایوان شمالی يك ستون چهار برگی کشف شد که جوابده طاق اصلی دارای همان مشخصات تزئینی بوده. ظاهراً درست مشرق نیز ستون دیگری نظیر وقرینه همان ستون بوده است (شکلهای ۳۸ و ۳۹) .

(ج) درایوان جنوبی دو پایه چهار گوش متقابل باردیف اول طاق مرکزی کشف شد. متأسفانه وضع آنها طوری نیست که بتوان نوع ستونهای آنها را تشخیص داد (شکلهای ۴۰ و ۴۱). در ردیف دوم باز هم در وضعی متقارن با طاق مرکزی ، دو پایه مربع کشف گردید. در اینجا تمام آثار ستونهایی که بر آنها استوار بوده اند از بین رفته بود. (شکل ۴۲) در ردیف سوم وجود يك ستون مدور مسلم گردید و ظاهر آ چنین می نمود که اندکی بسمت مغرب ستون دیگری قرینه آن وجود داشته است. تزئینات اینجا مر کب بود از نقش چلیپائی متداول و ستاره های شش پر. لیکن این ستون بخصوص بر روی پایه يك ستون قبلی دیگر بنا شده بود که قطر هر دو یکسان بوده است در ستون قبلی وجود آجرهای پخته برنگ سرخ روشن و دارای ضخامت قابسل توجه (۸/۵۰/۷ سانتیمتر) از جمله خصوصیات است (شکل ۴۳ و ۴۴) .

تردیدی نیست که ستونهای ردیف بیرونی از نظر زمان جدیدتر از ردیفهای ستونهای استوانه ایی شکل است. در طرحی که در شکل (۱) دیده می شود اگر ستونی را که بعلا مت 16 c. مشخص شده ، مورد توجه قرار دهیم دلیل غیر مستقیمی در توجیه این نظر بدست خواهد آمد. همچنانکه در شکل ۴۵ می توان دید ، بنای آن با مهارت تمام بر روی چاهی صورت گرفته که علی الظاهر قبلاً در حیات بوده و موقعیت آن کم و بیش با محور ستون جدید الاحداث منطبق میشده است. حال مسأله این است که این تغییر مهم در نقشه اصلی چه وقت روی داده است؟ در حالی که ساختمان ردیف متحد المرکز داخلی بطور وضوح تاریخ مسجد عربی میباشد ، مع هذا این نیز مسلم است که بنای مزبور مقدم بر ساختمان ایوانهاست در حقیقت ، بنایان عهد سلجوقی برای

آنکه ساختمان اخیر یعنی ایوان را بوجود آورند، ناچار بوده‌اند تمام بناهای مزبور را بصورت جزئی از دیوارهای بنایی که در دست ساختمان بوده مورد استفاده قرار دهند بدین قرار، مدت زمانی که برای این عملیات صرف گردید ظاهراً فیما بین پایان قرن هشتم و نیمه اول قرن یازدهم قرار می‌گیرد. معیناً نظراً بر این است که این دوره را می‌توان فیما بین نیمه دوم و پایان قرن دهم تثبیت کرد و دلایل این نظریه را بعداً ذکر خواهیم کرد.

تزیینات مرکب از آجرهای کوچک که در ستونهای سه‌برگی دیده می‌شود مارا بلافاصله بیاد ترکیبات دیواری سردر مسجد جورجیر (۱۰) انداخت.

این سردر یگانه اثر باقیمانده از مسجدی است که بعداً مسجد حکیم که در دوران سلطنت شاه عباس ثانی ساخته شده، آنرا پوشانده است. در سال ۱۹۵۵ که سردر مزبور در نتیجه مساعی اداره کل باستانشناسی ایران کشف گردید، ظرافت آن بی نهایت جلب نظر کرده (شکلهای ۴۶ و ۴۷) تا این زمان، سردر مزبور یگانه مدرک

(۱۰) رجوع کنید به کتاب ((معماری ایرانی)) چاپ موسسه آسیائی شیراز ۱۹۶۹ صفحه ۴۸ و کتاب ابنیه تاریخی اصفهان اثر هنر فرچاپ تهران ۱۹۶۷ صفحه ۱۱ و گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف هنر فرچاپ تهران ۱۳۴۸.

گدار در موارد متعدد از خلال شرحی که المفرخ می‌نوشته، بمسجد جرجیر اشاره می‌کند، ولی با احتمال زیاد در سال ۱۹۵۵ هنگامی که بقایای آن بوسیله اداره باستان شناسی اصفهان کشف شد، گدار در آن موقع که انتشار جزوات ((آثار ایران)) متوقف شده و خود وی بفرانسه برگشتنی بوده، چندان فرصتی بدست نمی‌آورد که بقایای مکشوفه مزبور را خوب ببیند. معیناً وی در چهارمین کنگره هنر و باستان شناسی ایران (۱۹۶۴) گزارشی در این باره داد که بعداً "آنرا در دفتر ۱۳ از "بررسی هنر ایرانی" (صفحه ۹۲) بچاپ رسانید. عکسی بسیار عالی نیز از این مسجد در کتاب ((معماری اسلامی و تزیینات آن)) تألیف "د. هیل" و "او. گرابار"، منطبعه لندن، (چاپ اول ۱۹۶۴ و چاپ دوم ۱۹۶۷) چاپ شده است.

مهمی بود که از دوره آل بویه در اصفهان بدست آمده بود.

المفرخی در رساله محاسن اصفهان مخصوصاً برای آنکه مسجد مزبور را از مسجد جمعه متمایز سازد چندین بار از آن یاد می کند و چون مسجد جورجیر تازه در قرن ۱۰ بنا شده بود، لذا مسجد جمعه را بنام مسجد «کهنه» می نامد مسجد جورجیر بدستور «صاحب کافی الکفاة» یعنی ابوالقاسم اسمعیل بن عباد وزیر دوتن از سلاطین آل بویه، یعنی مؤیدالدوله (۳۳۶ هجری مطابق ۹۴۷ میلادی) و فخرالدوله (۳۷۳ هجری = ۹۸۳ میلادی)، ساخته شد. صاحب بن عباد از هردو سلطان که خدمتشان را برعهده داشت دیرتر مرد (ولادت او در ۳۲۶ ه. = ۹۳۸ م. و مرگش در ۳۸۵ ه. = ۹۹۵ م. در اصفهان روی داد) و ظاهراً این مسجد را بعنوان شاهکار خود بنانهاد. مناره آن که ظاهراً از خشت خام بود یکصد ذراع ارتفاع داشته (بروایت همان مؤلف بلندی مناره مسجد جمعه فقط هفتاد ذراع بوده است) و مسجد دارای حجرات و مدرسه و کتابخانه و غیره بوده است.

با صطلاح ولادیمیر مینورسکی (۱۱) که مطالعات تاریخی درستی راجع به

(۱۱) ولادیمیر مینورسکی یکی از آن دسته از اهل تحقیق است که توجه زیادی به تاریخ دوران دیلمیان نشان داده اند و درین میدان تنها نیست و ما این نکته را در اشارات خودمان (که مسلماً هنوز کامل نیست) یاد کرده ایم متأسفانه اطلاع ناقص ما از کیفیت خصوصیات معماری آن عصر، وسعت و ارزش این مطالعات را به هنرهای کم اهمیت تر مانند پارچه بافی و سفال سازی و سرلوحة نگاری و غیره محدود می کند.

در قسمت تاریخی رجوع کنید به: دایره المعارف اسلامی چاپ دوم بسال ۱۹۶۵ - آل بویه و دیلم - تاریخ ایران چاپ دانشگاه کمبریج جلد پنجم، ۱۹۶۸ - ن. آبتوت سکه های آل بویه نشریه Ajsh جلد ۵۶ (۱۹۳۹) - Amedroz "سه سال فرمانروائی آل بویه" IARS ۱۹۰۱ - سی. ای. بازورث "سلسله های اسلامی بر حسب ترتیب تاریخی و شجره نسب" چاپ ادنبرگ جلد بیستم (۱۹۶۷) - ه. باون "آخرین فرمانروایان آل بویه" - ۱۹۲۹ و کتاب پ. سایکس بنام "تاریخ ایران" چاپ دوم

این دوره دارد، «دوران فاصله پرکن دیلمیان» اثر قابل توجهی در اصفهان از خود گذاشت، گواينکه متاسفانه امروزه چیز زیادی از آن برجای نمانده است.

یکی از کارهای دیلمیان بنای قلعه معروف طبرک است که بدستور فخرالدوله ساخته شده و در پایان قرن ۱۵ میلادی هنگامی که تیمور لنگ در جریان فتح اصفهان بدانجا راه یافت، توجه جهانیان بدان جلب شد. در ۱۹۳۶ بقایای این قلعه هنوز دیده میشد و بعداً بکلی خراب گردیده است. بنا بر روایت حمداله مستوفی قزوینی، دیوارهای شهر اصفهان بفرمان عمادالدوله ساخته شده و محیط آن ۲۱ قدم بوده است پاسکال کوست در نیمه اول قرن نوزدهم موفق بدیدن خرابه‌های این دیوار گردیده

لندن ۱۹۶۹، جلد ۲ صفحات ۲۴/۲۶.

علاوه بر این منابع، مقالات و نوشته‌های زیرین نیز در این زمینه موجود است:

سی. ای. بازورث. مقالهای بعنوان ((دیلمیان در ایران مرکزی. امرای کاکویه جبال و یزد)) که در نشریه ((ایران)) شماره ۸ صفحه ۷۳ تا ۹۵ چاپ شده است. لندن سال ۱۹۷۰.

مقالهای بقلم رابینودی بورگوماله در تحت عنوان ((سلسله‌های محلی گیلان و دیلم)) که در شماره ۲۳۶ صفحات ۳۰۸/۹ ((مجله آسیائی)) چاپ شده است ۱۹۴۹.
مقاله ر. ن. فرای و سالی AMM بعنوان ((ترکها در خاور میانه قبل از دوران سلجوقی)) که در شماره ۶۳ مجله انجمن خاور شناسان امریکا بسال ۱۹۴۳ به طبع رسیده است.

مقاله و. مینورسکی تحت عنوان ((سلطه دیلمیان)) که در نشریه ((انجمن مطالعات ایرانی)) شماره ۳- صفحات ۱/۲۶ در ۱۹۳۲ در پاریس چاپ شده است.

مقاله و. مینورسکی بعنوان ((ایران اسلامی)) منطبعه در جلد اول نشریه

" Le civiltà dell Oriente " صفحات ۴۶۴/۴۷۳ ۱۹۵۵

مقاله گ. ویث بعنوان ((پارچه‌های ابریشمی ایرانی)) که توسط چاپخانه مؤسسه

و در سال ۱۹۳۷، گذار سه صفحه درباره آن نوشته باعکس منتشر کرده است (۱۲) سلسله‌های کوچک امرای محلی که بنام دیلمیان، یا آل بویه و یا (بخصوص در اصفهان) امرای کاکویه خوانده میشوند (۱۳) در مدتی بیش از یکصد سال در ایران از طرف خلفا سلطنت کردند (۴۵۴/۳۲۰ هجری = ۱۰۶۲/۹۳۲ م) و تقریباً در سراسر ایران باعث تغییراتی شدند که از شهر کوچک دیلم در ارتفاعات شمال ایران گرفته تا کرمان و همدان و اصفهان و یزد کشیده شد (۱۴) در حقیقت این سلسله‌ها بدون آنکه فرانسوی باستان شناسی شرقی در ۱۹۴۷ در قاهره بطبع رسیده.

مقاله "ای. کوهنل" بعنوان صنایع ایران در عهد آل بویه - چاپ ویسبادن -

۱۹۵۶

از لحاظ مطالعه کلی درباره اصفهان، اگر منابع تاریخی مختلف غربی و فارسی را خلاصه کنیم، باید به اثر جی. لسترنج یعنی کتاب ((سرزمینهای خلافت شرقی)) اشاره نمائیم که در ۱۹۰۵ بوسیله چاپخانه دانشگاه منچستر بطبع رسیده است (رجوع کنید به صفحات ۲۰۲ - ۲۰۷ - ۲۲۷ - ۲۲۹ - ۲۴۷ - و ۲۹۷)

(۱۲) - رجوع کنید به نشریه آثار ایران شماره ۲ صفحات ۱۶۲/۱۶۰ و شکل ۵۸
(۱۳) - امرای کاکویه که از طرف هم مادری خود (کاکوی) سیده مادر مجد الدوله وزن فخرالدوله با آل بویه خویشی داشتند، تا زمان استیلای سلاجقه اصفهان را در دست میداشتند در ۱۰۵۱ م. که اصفهان در محاصره بوده ابو منصور فرامرز از شاهزادگان کاکویه مدتی شهر را نگهداشت ولی بشهر اصفهان و مسجد صدمات فراوان رسید.
هنگامی که محاصره پایان یافت و طغرل بیگ پیروز گردید، دوران طولانی و پرطنطنه سلاجقه آغاز شد و آخرین امرای دیلمی بسوی یزد شتافتند و در آنجا دوره تاریخی آنان به پایان رسید.

(۱۴) - دلیل این مطلب که پدیده خاص دوران ((فاصله پرکن)) دیلمیان دارای گسترش زیاد بود و در عین حال راجع به معماری آن عصر اطلاعات بسیار کمی در دسترس

آشکارا اظهار نافرمانی کنند، دستگاه خلافت را از قدرتی که داشت محروم ساختند. سیل غلبهٔ دیلمیان که از منابع کاملاً محلی براه افتاده بود، گویی نطفه انقلاب را نیز به همراه خود آورده بود و این امر تأثیر عظیمی در زمینه هنر بوجود آورد. در حقیقت دیلم بصورت یکی از مراکز مهم شیعه گری در آمد که با قواعد عمومی اسلامی سازگار نبود این نیروی محرکه سیاسی - مذهبی با آنکه قدری دیرتکون یافت و فقط در ۱۵۰۲ بوسیله صفویان برسمیت قبول شد، معهذ از قرن هفتم تا کنون در نگهداشتن

است، عبارت از فهرست ناچیز آثاری است که اهل فن باین دوره نسبت داده اند و از آن جمله است: خرابه های یک بنای گنبددار در نزدیک بنه ور در شمال خوزستان، سردر مسجد جرجیر در اصفهان، ((کتابخانه کاخ)) عماد الدوله (در متن عبود الدوله؟) در شیراز که پرفسور پوپ نامی از آن برده بدون آنکه اطلاعاتی بیفزاید تا بدان وسیله تشخیص دقیق موضوع میسر باشد، معدودی از اجزاء (؟) مسجد جمعه در اصفهان، قسمتی از مسجد جمعه نائین و بقعه معروف به دوازده امام در یزد. - علاوه بر اینها قسمتهایی است که جدیداً در حیاط مسجد جمعه کشف شده و همچنین آثار مسجد کوچک مجلسی که جزئی از همان بناست. پس از تحقیق دقیق شاید بتوان قسمتی از مدرسه ای را که شیخ رئیس ابوعلی حسین بن عبدالله بن سبنا هنگام اقامت در اصفهان در آن تدریس می کرده نیز بدین فهرست علاوه کرده. وی از ۹۸۹ تا ۱۰۳۷ زندگی کرد و زمانی وزیر علاء الدوله ابو جعفر محمد بن دشمنز یار بوده که از ۴۲۱ تا ۱۰۳۰ اصفهان را تحت سلطه خود داشت، مدرسه مورد بحث و یا در حقیقت بقایای آن که تغییرات زیادی، مخصوصاً در عهد صفویه در آن حاصل شده آل سینا نامیده می شود و در ناحیه بابل دشت که همان در دشت امروزی است بنا شده بوده است. در باره آثار دیلمیان که فهرست وار ذکر شد رجوع کنید به آ. ا. پوپ. بررسی هنر ایرانی چای اول ۱۹۳۹، جلد ۲ صفحات ۹۳۵/۶

آ. ا. پوپ. ((تذکری در باره کیفیت بدیعی گنبد شمالی مسجد جامع اصفهان))

ایران بیرون از دسترس از شرایع محافظه کارانه که از خصوصیات اسلام است (۱۵) کمک موثری داشته است.

چنین معقول بنظر میرسد که توسعه چهار قسمت پوشیده را که از صحن جدا شده باید بیک چنین محیط و این دوران بخصوص نسبت داد (یعنی بزمانی پس از توسعه مسجد در عهد خلافت محمدالمعتصم ۲۲۷/۲۱۸ هجری برابر با ۸۴۲/۸۳۳ میلادی که المفرخی بدان اشاره می کند). ستونهای مدور معظم ردیف بیرونی قبلی در نتیجه این تغییرات مبدل به ردیف دوم شده است.

ستونهای جدید و بالنتیجه معماری تمام حیاط از لحاظ تخیل و سرزنده بودن متصدیان امر دارای خصوصیات بارزی گردیده است. در چند مورد نیز متوجه شدیم که بنایان در جریان عمل بعضی از ستونهای قدیمی را هم که خراب شده بود مرمت

که در تجلیل پروفیسور ک. ا. سی. کرسول و بافتخار او در نشریه ((مطالعات در هنر و معماری اسلامی)) بوسیله دانشگاه امریکائی قاهره در چاپخانه آن دانشگاه بسال ۱۹۶۵، در صفحات ۱۷۹/۱۹۳ چاپ شده است.

۱۰۶. پوپ. معماری ایرانی چاپ مؤسسه آسیائی شیراز - سال ۱۹۶۹

(۱۵) در زمینه هنرهای تصویری، ضمن سایر چیزها، باید بطرز برخورد ایرانیان نسبت به محدودیتی که قرآن کریم در مورد نمایش تصاویر انسانی و استعمال صفحات طلا و نقره مقرر داشته (محدودیتی که مورد سوء تفسیر قرار گرفته است) اشاره بعمل آید. این صرفاً "برحسب تصادف نیست که قدیمی ترین شیئی طلایی که از دوران بعد از اسلام برای ما معلوم است عبارت از کوزه ای است (که احتمالاً هنوز هم بشیوه دوران ساسانی ساخته شده) که نام امیر ابومنصور بختیار ابن معزالدوله و تاریخ ۹۷۸ بر آن منقور است و اکنون در گالری هنری فریر در واشنگتن نگهداری می شود. (رجوع کنید به نوشته ر. اتینگهاوزن در باره زربنه آلات اسلامی در دائرة المعارف جهانی هنر به همکاری موسسات فرهنگی ونیس و رم بسال ۱۹۶۳ در رم بچاپ رسیده است)

کرده‌اند. شکل‌های ۸ و ۳ نقشه مسجد را بعد از اضافاتی که در زمان آل بویه بعمل آمده نشان می‌دهد. مرمت صحن و آنچه احتمالاً در جهت توسعه آن در زمان معاصر صورت گرفته ممکن است با پاره‌ای بقایا که تصادفاً بوسیله سازمان اوقاف در طی عملیات مربوط به «مسجد مجلسی» دوره قاجار کشف شده و همچنین در ضمن کارهایی که در قبرستان نو واقع در شمال غربی بنای اصلی مسجد مزبور صورت گرفته، ارتباط داشته باشد. از بقایای مزبور آنچه برجای مانده عبارت است از يك ستون منقسم چند برگی که قسمتی از طاق بر آن استوار است و خوشبختانه این ستون که ارتفاع آن به چهار متر می‌رسد (اشکال ۴۸ و ۴۹) محفوظ مانده در حالی که در همان موقع بقایای سایر ستون‌ها را متأسفانه از بین برده‌اند بطوری که فعلاً جز این يك ستون چیزی باقی نیست. در مقابل دیوارهای جدید، ستون مزبور شاهد برجسته‌ای است که در تاریخچه مسجد حکایت از دوران پربرکتی از ظرافت و غنای معماری می‌کند همچنانکه قبلاً گفته شد، دوران مزبور را می‌توان در نیمه دوم قرن دهم تثبیت کرد و بدین ترتیب بیش از نیم قرن نسبت بکارهای مفصلی که نظام‌الملک در این بنا انجام داده است، تقدم دارد.

همچنین شایان توجه است که مطالعه در شناسائی انواع ستون‌های چندبرگی مکشوفه در ردیف خارجی صحن و ستون‌های دو مسجد مجلسی و جورجیر، خصوصیات فراوان مهمی را ظاهر می‌سازد که بوسیله آن می‌توان کیفیت پیدایش فرم‌هایی را که بنایان عصر سلجوقی بکار برده‌اند، تشخیص داد.

تاکنون درباره نیروی تخیل و غنای معماری مسجد سخن گفته و ستون‌های سه برگی و چهاربرگی مسجد بعلاوه يك ستون مرکب چندبرگی را که در مسجد مجلسی است، توصیف کرده‌ایم. معه‌ذا جنبه ابتکاری و باروح بودن معماری دوران آل بویه بیش از همه در تدبیری که برای گوشه حیاط مسجد اندیشیده‌اند بعد اعلی می‌رسد ما این خوشبختی را داشتیم که ستونی را که قرینه گوشه جنوب شرقی حیاط و شاید یگانه باقیمانده چهار ستون اصلی است، تشخیص دادیم و آنرا در آورديم. با آنکه این ستون جزو دیوارهایی درآمده بود که لااقل دو مرحله متوالی معماری را پس از دوران

آل بویه در پشت سر گذاشته‌اند، معه‌ذا در عرض ده قرن گذشته خوشبختانه آسیبی بآن نرسیده‌است. جزئیات مختلف این ستون را بهتر از هر توصیف دیگر در اشکال ۵۰ تا ۵۴ می‌توان دید. این ستون را در عمق ۵۱/۰ متر از کف فعلی بنا پیدا کرده و با ارتفاع ۵/۶۷ متر بدنه آنرا در آورديم. تصور می‌کنیم بلندی ستون رویهم‌رفته همین قدر بوده و با وضع بالای سرستون که دوطاق قائم‌الزاویه گوشه‌یی از آن منشعب میشده، مطابقت داشته‌است. اگر در میان راه حل ساده‌ای که در سبک عربی در گوشه‌ها بکار رفته (استفاده از ستونی مانند سایر ستونها و انشعاب طاقها از آن) و طریقی که در دوران آل بویه مورد استفاده بوده و در حفريات آزمایشی اخیر کشف شده و همچنین راه‌حلی که در زمان نظام‌الملک در ستونهای گوشه‌یی در جنوب حرم بکار رفته، مقایسه‌یی بعمل آوریم، محال است متوجه این نکته نشویم که هر سه طریق بوجهی منطقی دارای پیوستگی در مداومت ساختمانی بوده‌اند. همچنین هم‌درحرم و هم در سایر قسمت‌های مسجد نیز باید مقایسه‌یی فیما بین طرق حل دوران آل بویه که در نتیجه حفريات کشف شده و ستون‌هایی که قرینه آن می‌باشد و در عهد سلجوقی ساخته شده، بعمل آورد (شکل ۹) این کشفیات ممکن است فرضیه مبتنی بر این نظر را که قسمت پائین‌تر حرم جنوبی قبل از آمدن سلاجقه ساخته شده، مورد تردید قرار دهد و باعث آن شود که برای انتساب آن بخود دیلمیان کوششی دیگر بعمل آید (۱۶).

چنین احساس می‌کنیم که دلایل خود را در رد این که حرم در دو مرحله مشخص و متمایز بنا شده باشد، کاملاً روشن کرده‌ایم (۱۷) يك دليل ديگر نوع آجرهایی است که در ساختن ستونهای چند برگی که شاید بتوان آنها را بقرن ۱۰ منسوب کرده، بکار رفته‌است این آجرها تماماً تا حدودی نازک (حداکثر ضخامت آنها ۳ سانتیمتر است) و بشکل مستطیل (۱۵ × ۱۰ یا ۱۶ × ۱۲ سانتیمتر) می‌باشند. در پایه‌ها و فواصل بین

(۱۶) از تحقیقات منظم درین زمینه و در نواحی دیگر شهر مسلمان نتایج خوب

دیگری بدست خواهد آمد، زیرا که در حال حاضر اطلاعات ما راجع بدوران مورد بحث بسیار کم است.

(۱۷) رجوع شود بکتاب ای. "گالدیری صفحات ۶۴-۳۶۳ و ۷۴-۳۷۳"

پایه و گلوئی شالده آجرهای مربع بکار رفته ولی اینها نیز کاملاً نازک است (۲/۸ - ۲/۲ سانتیمتر). چنانکه دیده شد تمام حرم جنوبی یعنی قسمت پائینی (ستونها و دیوارها) و قسمت بالایی (در ناحیه وسط درطاقهای کوچک بین دیوارها که قسمت مربع و تکیه گاه مدور و غیره را بهم می پیوند). هر دواز آجرهایی با بعد $۲۲ \times ۲۲ \times ۴/۷$ سانتیمتر ساخته شده است. در مرحله فعلی تحقیقات خود نمی توانیم درباره تغییرات احتمالی دوران آل بویه شیعی مذهب، اگر چنین تغییراتی حتی از نظر شعار مذهبی در مسجد صورت گرفته باشد، اظهار نظر کنیم.

۳- مسجد در دوران سلاجقه

در حال حاضر فقط مختصری درباره این دوره می توان گفت زیرا که هنوز از عملیات مامطالب کافی جمع آوری نشده تا بتوان مراحل مختلف ساختمانی را ارزش یابی کرده تناوب آنها را تعیین نمود. مع هذا از عملیات مزبور تا کنون اینقدر اطلاع بدست آمده است که از این نظر سه مرحله عمده وجود داشته است بدین قرار:

مرحله (الف) - نظام الملك مسجد سبك عربی را تغییر شكل داد. این مسجد قبلاً در قرن ۱۰ تغییراتی بخود دیده بود ولی نقشه آن تغییر اساسی پیدا نکرده بود. نظام الملك آنرا بصورت مسجدی کوشك مانند در آورد که گذار از آن سخن گفته است. وی با استفاده از وضع نابسامان مسجد و ساختمان نادرست بعضی از قسمتهای آن و صدمات ناشیه از جنگ و احتمالاً از زلزله، قسمت مرکزی حرم را مبدل به بنایی ساخت که محراب نیز در آن قرار داشت. این بنای گنبددار منظم مستقلاً بعرضه ظهور آمد و چهار طرف آن آزاد ماند در عین حالی که وی از سنت ساختمانی قدیمی ایران یعنی بنای چهارطاقی استفاده کرده و از لحاظ حجم و تناسب آنرا بکار برده، مع هذا از نظر سبك در بسیاری از قسمتها در همان مسجد آثار تغییرات جدید معماری دوران دیلمیان دیده میشود. (۱۸)

(۱۸) مثلاً "ستونهایی که دارای برگهای متعدد می باشند، علی الظاهر مستقیماً"

از نمونه هایی سرچشمه گرفته اند که از دوره دیلمیان ادامه یافته و در همان مسجد موجود است، مخصوصاً "از ستونهای چهار برگی مکشوفه در ایوان شمالی و از راه حل خاصی که

برای آنکه فضای لازم جهت بنای حرم فراهم آید، نظام‌الملک بیست و چهار ستون (شکل ۱۰) متقارن باهشت طاق سرپوشیده عمود بدیوار قبله، منجمله قسمت سرپوشیده بزرگ مرکزی رادر هم کوید (۱۹)

در ساختمان زوایای حیاط بکار رفته است. در مورد پایه‌های سه پره که بین شالوده و گنبد مدور ساخته شده و غالباً بنام پایهء سلجوقی خوانده می‌شود، باید توجه داشت که در حیاط مقبرهء دوازده امام که قبل از ذکر آن رفت، یک نمونه قدیمی‌تر و پخته‌تری وجود دارد که از نظر معماری دارای وضعی روشن است و تاریخ آن سال ۱۰۳۶ می‌باشد که ادامه تأثیر دوران سلسله کاکویه را می‌رساند. چنانکه پرفسور پوپ گفته است (رجوع شود بکتاب معروف وی - جلد ۲، صفحات ۱۰۰۳ - ۱۰۰۱) ((از نظر مورخین، این بنا یکی از انبیه بسیار مهم ایران است که بیش از دوازده سال قبل از غلبه سلجوقیان بر پا بوده است... پایهء سه پره آن مسلمان قدیمی‌ترین نمونه این نوع پایه‌هاست... مزار (۱۲ امام) هنگامی بنا شد که یزد که طبیعتاً به استان فارس تعلق می‌دارد بجای آنکه در دست یکی از فرمانروایان فارس باشد، در تحت سلطهء آل کاکویه، یعنی فرمانروایان ایالت جبال بود.

(۱۹) در باره تغییراتی که در قسمت جنوبی در دوران سلجوقی حاصل شده، بر اساس حفریاتی که تاکنون انجام یافته است دو فرضیه می‌توان عرضه داشت. (الف) یکی اینکه قسمت مرکزی حرم را عمقاً تا حد دیوار قبله و در عرض به پهنای سی متر یعنی معادل هفت طاق خراب کرده‌اند و در نتیجه این عمل تمام حرم در امتداد محور شمالی - جنوبی پدیدار بوده است - (ب) دیگر اینکه فقط ستونهای استوانه‌یی شکل را که مستقیماً در حوزهء حرم بوده به‌نگام ساختمان آن از بین برده‌اند و آنچه در آن حوزه و در حیاط شمالی باقی مانده بعلاوه دو قسمت سرپوشیده جنبی بصورت راهروی درآمده است. عملیات اکتشافی اخیر (ژوئن ۱۹۷۲) ظاهراً فرضیه دوم را تأیید می‌کند و نموداری از آن در صفحه ۵۳ داده شده است.

آخرین ستونهای دو قسمت متقارن که بالفعل حرم را تشکیل میدهد، در نتیجه تخریب قسمتهای مزبور فوق قرینه متقابل خود را از دست دادند. برای جبران این نقیصه که من غیر عمد صورت گرفته و ظاهراً بلافاصله سبب صدمات عمده شده بود، تمام ستونهای نهایی را در کمال مهارت با آجر محکم کردند (اشکال ۱۱ و ۱۰ و ۶۱ و ۶۰). در نتیجه این کار دو منظور حاصل شد: یکی افزایش وسعت نقطه تماس آنها از ۹۲/۰ به ۱/۲۵ متر (۲۰) و دیگری آماده کردن تدریجی معبری از میان انبوه ستونهای ۹۲ سانتیمتر به سمت ستونهای عظیم حرم.

بنظر ما در این مرحله هیچ کار مهم دیگری انجام نگرفت و حیاط بهمان شکلی که در قرن ۱۰ داشت باقی ماند.

مرحله (ب) - در مقابل جبهه شمالی حرم، ایوانی ساخته شد و در مرحله ای که بلافاصله پس از ساختمان ایوان جنوبی پیش آمد تصمیم گرفته شد که بوسیله ایجاد سه ایوان در امتداد محور اصلی، تغییر شکلی در مسجد بوجود آورند. در جاهایی که می بایست مبدل بفضای آزاد شود، تمام ستونهای موجود را درهم کوبیدند. در هر موردی که مقدور بود (یعنی در اکثر موارد) ستونهای دیگر را جزو ساختمان دیوارهای جدید در آوردند. جبهه خارجی ایوانهای تازه نیز با جبهه حیاط از لحاظ شکل آن که از قرن دهم بجا مانده بود در یک صف قرار گرفت. ضمناً در نقاطی که ساختمان نوبا بنای کهن برخورد می یافت، مقداری کارهای تلفیق و ارتباط انجام داده شد.

مرحله (ج) - این مرحله بلافاصله پس از مرحله قبلی می آید و از خصوصیات آن یکی ادامه دادن قسمتی است در جهت جنوبی - شرقی که نتیجه آن تخریب قسمت اعظم دیوار گلی دور تادور محوطه بوده است.

از مشخصات خاص این مرحله ستونهای مستطیل است که مبنای طرح آنها

(۲۰) این وضع مربوط به ستونهایی است که در طی حفريات ۱۹۷۰ کشف و در گزارش

اول بعلا مات $c/1$ و $c/2$ و $c/8$ نشان داده شده و در نقشه شکل (۱) تحت علامات

$1F, 4F, 3F$ درآمده است و همچنین وضع ستون مکشوفه در ۱۹۷۲ که بعلا مات ۲۴

مشخص است.

چهارگوش است و منتهی به دو نیمدایره می‌شوند. این ستونها جای دیوارگلی را گرفتند و از يك نظر، دارای همان ابعاد بودند طرح زاویه‌سازی در این ستونها ظاهراً سمبول محراب است و کیفیت يك جهت بودن مجتمع را بالاتر می‌برند بدین معنی که تمام بنا بسمت شرعی و روی بدیوار قبله دارد. (شکل ۱۲)

ایوان شمالی که قبلاً بدان اشاره کردیم مسلمان در عهد سلجوقی و احتمالاً در مرحله (ج) ساخته شده است. این ایوان تقریباً ادامه مدخل ماندی است که از طریق طاق بزرگتر که قبلاً (شکل ۴) تشخیص داده شده است. در زیر پوشش گچی فعلی که مانند سایر موارد کجکاری، مرکب از چند لایه نازک گچ می‌باشد و در زیر تغییرات و تعمیرات دیگر (منجمله آنچه توسط گدار در سالهای ۱۹۳۸/۵۰ و توسط اداره باستان شناسی در سالهای ۱۹۵۹/۶۰ انجام یافته) ستونهای مستطیل طرفین ایوان نیز از همان نوع طاقچه‌دار از کار درآمد لیکن در اینجا دیگر طاقچه صورت تزئین ندارد بلکه عملاً بشکل مدخلی درمی‌آید (شکلهای C, ۱۲-۶۲-۶۳-۶۴) (۲۱)

(۲۱) این نوع ستون با طاقچه باز کم و بیش نظیر ستونهای مسجد ابن طولون در قاهره می‌باشد (۸۷۹-۸۷۶). این مقایسه ما با مسجد بخصوصی که از لحاظ زمان و مکان اینهمه با مسجد جمعه اصفهان فرق دارد، نباید یک قیاس دلخواه تلقی شود، برعکس چنین مقایسه‌یی به چندین دلیل دیگر، جالب نظر می‌باشد. مسجد ابن طولون بنایی است از آجر که روی آنرا یک لایه کجکاری نازک تزئینی پوشانده است. این تزئینات مخصوصاً در فیمابین طاقها انسان را بیاد نقشهای هندسی طاقها و ستونهای مسجد جمعه نائین می‌اندازد (رجوع کنید به مقاله هـ- ویولت و فلوری در نشریه سوریه، سال ۱۹۲۱ صفحات ۲۲۶/۲۳۴ و ۳۰۵/۳۲۶ تحت عنوان "یک بنای تاریخی متعلق بقرون اولیه هجرت" و مخصوصاً به مقاله س. فلوری، تحت عنوان "مسجد نائین" که در همان نشریه "سوریه" سال ۱۹۳۰ چاپ شده است (صفحات ۴۳/۵۸). در مسجد نائین که تاریخ آنرا دی‌یز (Diez) سال ۱۰۰۰ و فلوری، سال ۹۰۰ و پوپ، سال ۹۶۰ میدانند هنوز چند ستون نیمدایره‌یی و یک قسمت سه گوش پا برجاست (شکل ۶۵) که همه آنها

این وضع خاص، ایوان شمالی را، لااقل در ساختمان اصلی آن، بصورت نوع خاصی از ایوان درمی آورد که از طرفین کاملاً باز است و با وضع امروزی آن دارای تفاوت کلی بنظر میرسد. توازن ستونها با وضع شبکه عربی که در قسمتهای جنبی برجای مانده، تعارض دارد و حتی میتوان از اینجا باین فرضیه نیز رسید که این ستون بندی وسیله آن بوده که صحن رادرمیان انبوهی از ستونهای مسجد عربی، بدون هیچ مانع و رادعی تماشا کنند. اگر آزمایشهای دقیقی در حدارتفاع تلاقی طاقها بعمل آید، بعید نیست که مدار کی در تأیید این فرضیه فراهم گردد.

مساله جداگانه دیگری نیز در مورد ساختمان تاج الملك یا گنبد کاخی (خاکی؟) پیش می آید. این بنایگانه ساختمانی است که تاریخ آن دقیقاً تعیین شده زیرا که روبه صحن است و همه را می توان با ستونها و گچ بریهای سردر مسجد جورجیر و با مسجد جمعه اصفهان در دوران آل بویه ارتباط داد.

بالجمله تزئینات نواری مداوم در جبهه طاقهای مسجد قاهره را در حال حاضر عملاً ترکیبی از سه شیوه تزئینی مخصوص سمره میدانند که آنها را نیز می توان بنسبت خود به گچبریهای حرم نائین و نقوش تزئینی ستونهای چند برگی حرم دوران سلجوقی نظام الملك در مسجد جمعه اصفهان مرتبط ساخت.

نیک می دانیم که نخست هرتسفلد و سپس کرسول (Cresswell) هر یک با استفاده از موازین دیگر، شیوه های سمره را به سه گروه تقسیم کردند (رجوع شود به کتاب "تزئینات سمره و نقش و نگار آنها" اثر هرتسفلد چاپ برلین (۱۹۲۳) و کتاب معماری در اوایل اسلام" اثر ک. ا. سی. کرسول، چاپ اکسفرده (۴۰ - ۱۹۳۲) و بمقاله‌یی بعنوان "سمره و تزئینات مسجد این طولون" اثر س. فلوری که در نشریه آلمانی "اسلام" شماره ۴ در صفحات ۴۲۱/۴۲۳ چاپ شده، و به جلد دوم کتاب پوپ صفحه ۹۵۵ شکل ۳۲۹ که در آن متاسفانه تصویر وارونه‌یی از تزئینات برجسته سرستون حرم مسجد جمعه اصفهان نشان داده شده است، و بمقاله‌یی از ر. اتینگهاوزن، تحت عنوان "شیوه اریبی دوران مابعد سمره" که در نشریه "معماری مشرق زمین" بیادبود ارنست هرتسفلد بسال

تاریخ مزبور در خود بنا در حاشیه تزئینی گنبد گنجانیده شده است (۲۲) معه‌ذا همین ساختمان در چند مورد ایجاد شك و تردید می‌کند که از آن جمله یکی این است که آیا ساختمان مزبور در مجتمع ساختمانی سلجوقی بجه منظوری مورد استفاده بوده است.

۱۹۵۲ در نیویورک چاپ شده و نویسنده در طی آن بررسی عمیقی در باره ادامه طولانی این نوع تزئین بعمل آورده است.

اما با وجود گچ‌بریها که بطور کلی از لحاظ شیوه کار و بخصوص از نظر تکنیک اجرای آن ارزنده می‌باشند نمونه‌هایی که به تزئینات حرم نظام الملک شباهت نزدیکتر و بیشتری دارد همانا جزو چند قاب چوبی و قطعات کوچک چندی دیده می‌شود و این بقایا نیز در سمره بدست آمده و عبارتند از: چند در و پاره‌هایی تزئینات معماری دیگر. بسیاری از اینها در موزه بناکی آتن نگهداری میشود و از آن جمله، قاب کوچکی که شماره ۱۰۵۱ را دارد (شکل ۶۶) بخصوص جالب است.

(۲۲) - گنبد تاج الملک یگانه اثر معماری در مسجد است که دارای تاریخ ۴۸۱ هجری است. بطوریکه میدانیم حرم جنوبی دارای تاریخ نیست و فقط نام سلطان ملک‌شاه و وزیرش نظام الملک در آن دیده میشود. کتیبه‌ها هر دو در ساختمانهای آجری و خود نیز از آجر است و هیچ اثری از تغییر و دست کاری بعدی در آنها دیده نمی‌شود. یک تاریخ مسلم دیگر در بالای محراب گچ‌بری اولجایتو دیده می‌شود (۱۳۱۰). غیر از سه مورد مذکور فوق کلیه نوشته‌های دیگر اعم از کتیبه‌های سنگی یا گچ‌بری شده و یا کاشی کاری، عملاً قابل انتقال بوده است و بهمین جهت بطور جدی نمی‌توانند از لحاظ تعیین تاریخ آثار معماری که در آنها نصب شده‌اند، مورد اطمینان باشند. برای مثال دو تکه از کتیبه‌هایی بر مرمر سفید را ذکر می‌کنیم که در گوشه‌های راهروی از سمت مشرق بطرف حیاط نصب شده است. ما دقیقاً نمی‌دانیم که این قطعات از کجا آمده، گویا اینکه بالفعل بسیاری از مؤننین آنها را متعلق به قدیمی‌ترین قسمت مسجد میدانند و حتی نسبت بآنها مراسم عبادت نیز بجا می‌آوردند. معه‌ذا بنظر میرسد که آنها را باید بدوران شاه

بطوری که قبلاً گفته شد، حرم نظام الملك در اصل كاملاً مجزی یعنی از هر چهار طرف باز و آزاد بوده است.

قبلاً در جلد اول (صفحات ۳۶۵ و ۳۷۵/۵/۸) باین موضوع مهم اشاره کردیم - موضوعی که ظاهراً مورد تأیید و توافق نظر تمام کسانی است که این مسجد را تحت بررسی قرار داده‌اند. مدارك مربوط به قبول این امر بسیار روشن و اشتباه ناپذیر است و این مدارك از ملاحظه و آزمایش طرح قسمت‌های شرقی و غربی و بررسی محلی خصوصیات ساختمانی آنها بدست می‌آید. با آنکه دو ساختمان بزرگ سرپوشیده باین دو قسمت منتهی می‌شود، مع هذا بسیار سهل و ساده می‌توان دید که قسمت‌های شرقی و غربی اصولاً بصورت نما و جبهه بوده‌است. همچنین در مورد قسمت جنوبی نیز جای تردید نیست. در اینجا می‌توان مشاهده کرد که با آنکه این قسمت نسبتاً «متروك» و «پس مانده» و عاری از هر گونه تزئین بوده، مع هذا كاملاً از اطراف آزاد بوده و امروز نیز آزاد است و اینکه جای آثاری از دندانه دیده می‌شود، آن آثار را باید مربوط به بناهای بعدی دانست که امروزه از بین رفته‌اند و آن دیوار سنگی زشتی که دیده می‌شود در اواخر و در نتیجه کوشش نافر جامی پیدا شده و غرض از آن حفظ قسمت پائینی جبهه حرم از نفوذ رطوبت بوده‌است. در پایان سال ۱۹۷۰ برای آنکه وضع اصلی سمت چهارم را بهتر بفهمیم (این سمت از همه مهمتر است زیرا که مشرف بحیاط و در واقع جبهه حقیقی بناست)، در زیر طاقی که دودسته ستونهای شمالی - شمال غربی

طهماسب منسوب دانست همچنین ممکن است که فرمانروایان مختلف، خواه بقصد تلعین و تحقیر دیگران و یا صاف و ساده برای بزرگ نشان دادن خود و خاندانشان در کتیبه‌های اهدایی اصلی دست کاری کرده باشند. چنین وضعی در حاشیه طولانی جبهه ایوان جنوبی بچشم می‌خورد در وسط آن یعنی بالای سقف طاق بزرگ زورقی، قسمتی از آیات قرآن را که یکسره بدور آن نوشته شده، بدستور شاه عباس ثانی قطع کرده‌اند تا کتیبه‌ای بیادبود او و جد بزرگوارش - طهماسب را در آن میان جای دهند (رجوع کنید بهمان

را بهم می‌پیوندند بکاوش پرداختیم و بدین ترتیب توانستیم فیما بین جبهه حرم و نمای بیرونی طاق مقرنس ایوان جنوبی رخنه کنیم. از اینجا مسلم شد که قسمت روبشمال نیز که امروزه بوسیله ایوان از نظرها پنهان است، مانند سه قسمت دیگر بیابان رسیده و در آن کلیه نقش و نگار درونی عینا تکرار شده بوده است (رجوع کنید به کتاب گالدری شکل‌های ۴ و ۵ طرح ۱۸) همین امر دلیل قطعی آن بود که حرم طوری ساخته شده بوده که يك جا و تماما دیده شود. مع هذا يك کار دیگر نیز می‌بایست انجام داده شود یعنی می‌بایست پیدا کنیم که آیا کتیبه‌ای نیز در جبهه اصلی وجود داشته است یا نه. در این باره باید خاطر نشان کرد که روی لوحه سرستون‌های حرم سابقا آیات قرآن منقور بوده که حالا تقریبا همه از بین رفته و چیزی خوانده نمی‌شود اما آیات مزبور فقط در سمت درونی است و در جاهای دیگر یعنی در زیر طاقها و از سمت بیرونی سرستون‌ها همان نقش و نگار هندسی مالوف دیده می‌شود که از سمره الهام یافته است. حسب المعمول کتیبه‌ها و تزیینات از قبیل گچ‌بری و رنگ آن‌ها صورتی است که بر روی زمینه آبی و قسمت‌های گودتر جلوه بیشتری پیدا می‌کند. چون تقریبا محال بود که تاحد لوحه سرستون‌ها قسمت‌هایی را برای آزمایش بتراشیم و بنای ایوانها بسیاری از آنها را پوشانیده بود، لذا ما فقط توانستیم عملیات خود را در گوشه شمال شرقی حرم یعنی در قطعه ۳۸ انجام دهیم. از حفرة آزمایشی به عمق ۲۰/۱ متر که در دیوار ایوان و در جایی که منتهی بسمت شمال شمال شرقی قسمت پنج گوشه‌ای حرم می‌شود، کنده شد، کتیبه‌ای بدست آوردیم. این پاره کتیبه فقط قسمت پایان آن بود، زیرا که کتیبه در سمت چپ جبهه بود (شکل‌های ۱۳ و ۶۷ و ۶۸) چند کلمه که بخط نسخ در آن پاره کتیبه خوانده می‌شود از این قرار است (۲۳).

(۲۳) صحبت از شیوه تحریری "نسخ" در کتیبه‌های پایان قرن ۱۱ ظاهرا "عجیب

و بیمورد بنظر میرسد. مع هذا باید خاطر نشان کرد که نخستین کسانی که در کتیبه‌های ساختمانی به استفاده از خط "پیوسته" پرداختند همانا خود آل بویه بودند که فیما بین پایان قرن دهم و اوایل قرن یازدهم و همچنین بوسیله کارهای ابن البواب، بدین کار

فانهم غیر ملومین

سوره ۲۳ یا سوره مومنین (که بنا بطبقه بندی تاریخی نلد که) از سوره های مکی و در دومین دوره آن نازل گردیده) شامل ۱۱۸ آیه است. شش آیه اول بعد از بسم الله، بموجب ترجمه باثو زانی چنین است :

رستگارند مومنانی که بهنگام نماز خضوع میدارند ، از چیزهای بیهوده دوری می کنند، بدادن صدقه قیام می نمایند. عفت را دوست میدارند و جز با زنان خود معاشرت نمی کنند و آنچه را که بدست راست خود دارند حق خود می شمارند و البته از این بابت بر آنها بحثی نیست .

قسمتی که در بالا نقل شد برای آن نازل شده که عبادت کنندگان را از صفات اصلی مسلمان حقیقی آگاه سازند و شاید بودن آن در جبهه حرم و در داخل مسجد چیز زایدی بنظر برسد . مع الوصف ، وقتی که توجه کنیم که این کتیه در نخستین بنایی است که در دوران سلجوقی در داخل مسجد بزرگ بوجود آمده یعنی نخستین مداخله ای است که فاتحان سنی اصفهان در عمارت قبلی بعمل آورده اند ، موضوع منطقی تر و حتی قابل بحث تر جلوه می کند سلجوقیان تقریباً بیست سال قبل از آن شهر مزبور را از چنگ شاهزاده فرامرز کاکویه بیرون آورده و بدین ترتیب ، لا اقل تا آنجا که مربوط باصفهان میشد، دوران منحصر بفرد حکومت ایرانی و شیعه مذهب سلسه دیلمیان را پایان رسانیده بودند .

روی آوردند .

همچنین باید در این جا اشاره شود که در زمان سامانیان در سکه ها نیز از این شیوه استفاده شده است - رجوع کنید به نوشته "و. آ. کراچکوسکایا" بنام "کتیبه های تزئیناتی بخط نسخ" که در کتاب پوپ صفحه ۱۷۷۰ چاپ شده است و همچنین به گنجاب "خوشنویسان و مینیاتور سازان مسلمان مشرق زمین" اثر ک. هورات چاپ پاریس ۱۹۰۸ ، صفحه ۸۰ بهر صورت نمونه ای که در اینجا بدان اشاره شد ، ظاهراً یکی از نخستین نمونه های پخته و کامل این رسم الخط است .

۵- مسأله حل نشده‌ای دربارهٔ قسمت غربی

حفریاتی که در دورهٔ دوم عملیات از نیمه شمالی ایوان غربی تا طاقی که محراب الجایتو خدا بنده در آن قرار دارد، انجام یافت بشدت حاکی از آن است که این ناحیه بیش از يك باردچار تغییرات وسیعی شده است. می توان گفت که این تغییرات بلافاصله پس از ساختمان ایوان غربی آغاز و تا عهد مظفریان که اطاق مورد بحث بشکل فعلی درآمده (شماره های ۳۲۰-۳۱۱) ادامه داشته است، بعبارت دیگر از پایان قرن یازدهم تا ۱۴۴۷ یعنی تا تاریخی که بر سردر ورودی از حیاط بمحراب ایلخانی دیده می شود. این تاریخ ظاهراً بازمان آغاز پوشاندن دیوارهای خارجی با کاشی نیز منطبق است. بسیاری از این کاشیها هنوز هم دیده می شود گویا اینکه قسمت اعظم آن فیما بین سالهای ۱۹۳۸ و ۱۹۴۹ تعمیر یافته است.

میزان تغییرات را از اینجا می توان خوب دریافت که در ردیف ۱۶ از ایوان غربی (شکلهای ۱ و ۳ و ۸) یعنی در ردیفی که از همه ردیفها بدیواری که در سمت داخلی آن محراب الجایتو قرار دارد، نزدیک تر است، حتی يك ستون هم در زیر کف فعلی بنا باقی نمانده است و آنچه که بجای آنها دیده می شود فقط پایه هایی است که در عمق قابل ملاحظه ای قرار دارند و با خاک و کلوخ بهم خورده ای است که روی آن مقداری خردوریز و قطعاتی از آجر زرد رنگ بنظر میرسد که گویی نتیجه ریزش طاقها و مقرنس کاریهاست. در يك جاتکه ای از گچبری قالبی دیده شد که عملاً آنرا جزو یکی از پایه ستونها قرار داده بودند (پایه ای که بستون ۱۶ می خورد). این قطعه تقریباً بشکل يك سر ستون كوچك است که قسمت اول يك طاق بر آن چسبیده شده است و ممکن است که قطعه مزبور تکه ای از يك محراب بوده و یا قسمت زایدی از محراب الجایتو بوده که بدور انداخته اند. (۱۳۱۰) (شکل ۶۹). علاوه بر آنها باید دانست که ایوان غربی و آن قسمتی که بعدها بصورت تالار الجایتو درآمده، از داخل خود تالار بهم مرتبط بوده اند و این نکته را با آسانی می توان دریافت. در تالار با طاق الجایتو مدرک دیگری نیز درباره تغییراتی که انجام یافته است، می توان بدست آورد. حفریاتی که در نقاط تلاقی شبکه غربی درست در زیر کف فعلی بنا بعمل آمد در موارد متعددی منجر به کشف

ستونهای مدوری بقطر ۹۲/۹۳ سانتی متر (شکلهای ۷۰ و ۷۱) گردید که قبلا پیش بینی آنرا کرده بودیم. اما در موارد دیگری ستونهای چهارگوشی را پیدا کردیم. این ستونها با آجرهای کوچک و باچنان دقتی ساخته شده که گویی در همین اواخر آنها را ساخته اند (شکلهای ۷۲ و ۷۳) و همچنین دوجرز راست گوشه منتهی به دونیمه ستون که یکی از آنها را گدار در سال ۱۹۳۰ (۲۴) پیدا کرد، نیز جزو تغییرات و بهم خوردگی کلی منطقه غربی بنا بشمار می آیند. منطقه‌یی که در آن حتی بنای مشرف به حیاط و متقارن با ایوان غربی نیز در چندین مورد دچار تغییر شده و مثلاً ارتفاع آن بقسمتهای فرعی تقسیم گردیده است و غیر ذلک. این تغییرات بخوبی می توانند مربوط بدوران سلجوقی بوده باشند (مرحله C) که در منطقه مزبور در امتداد ایوان صورت گرفته تا وسیله دسترسی به اطاقهای پشت بنا باشد اطاقهایی که امروز شبستان مسجد را تشکیل میدهد. (شکل ۷۴)، حل این مساله فقط از طریق حفريات منظم و سیستماتیک مقدور تواند بود که ما قصد داریم چنین کاری را در تمام این ناحیه و بالاتر از همه در مورد شالوده ستونهای مجاور انجام دهیم.

۶- وضع مسجد از قرن ۱۴ تا قرن ۱۹

تا کنون رعایت قدمت و نظم تاریخی در رسیدگی مطالب مانحن فیه اجازه آنرا نداده است که دقیقاً راجع به ادوار بعد از نوآوریهای سلجوقی بپردازیم. تا روزی که نتایج حفريات و کشفیات آینده اطلاعات موجود را تغییر نداده فرضیه گدار درباره نظم تاریخی مربوط به این بنای تاریخی را باید ادامه داد و آنرا بعلاوه مداخلات بعدی مغولها و آل مظفر و امرای آق قویونلو و تغییرات حاصله در دوران صفوی و قاجار و اضافات و تعمیرات سلاطین این دوسلسله اخیر همچنان مبنای کار قرارداد. اما قصد ما این است که در عملیات بعدی دوشادوش یک بررسی جدید و کامل نوشته‌ها و کتیبه‌ها، ولی با حفظ استقلال خود از لحاظ تأثیر نتایج یک چنین بررسی، کلیه عوامل ساختمانی و معماری مربوط باین ادوار متوالی را مورد تحقیق و رسیدگی و مقابله قرار دهیم.

(۲۴) در این باره رجوع شود به یادداشت شماره ۸

در این کار، شبستان مسجد (سمت غربی) ماورای آنجایی که باصطلاح محوطه غربی نامیده می‌شود) مورد دقت خاص خواهد بود. تاکنون باین تالار بزرگ هیچ تاریخ قطعی داده نشده است. مثلاً گدار آنرا با سر در مشرف به حیاط (شماره ۴۷۹) مربوط ساخته و بنابراین تاریخ آنرا ۱۴۴۷ تعیین می‌کند و گابریل اصلاً آنرا «مدرن» می‌خواند (۲۵).

در جریان حفاری در امتداد دیوار خشتی در سمت غربی محوطه، کشف جالبی بعمل آمد، بدین معنی که متوجه شدیم که جرزه‌های راست گوشه (واقع در سمت مغرب اطاق‌های ۱۹۸ و ۲۱۰ و ۲۲۲ و ۲۳۴ و ۲۴۶ و ۲۵۸ و ۲۶۶) که امروزه ناحیه غربی مسجد قدیمی را تا حدود تالار بزرگ صفوی در انتها الیه جنوب غربی مجتمع، از اضافات جدیدتر جدا می‌سازد، تماماً مانند جرزه‌هایی که در ایوان شمالی (اشکال ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ط ۱۲) کشف شده «جرزه‌های سردری» می‌باشند و مانند جرزه‌های متقارن سمت جنوب شرقی اینها نیز بر روی بقایای دیوار خشتی که حد مسجد غربی است، بنا شده‌اند.

درباره این جرزه‌های ستونی دو نکته جالب را می‌توان خاطر نشان کرد: نکته نخست مربوط به محکم کاری و شمع زدن نقاط حساس بناست در گذشته که چون در بناهای کم استحکام فشار بار بنا زیادتر از حد تحمل جرزه‌ها میشد، لذا هر جوری در ارتفاعی در حد طاق‌رخنه بر میداشت و بدو قسمت مستقل تقسیم میشد که بسمت مغرب

(۲۵) رجوع کنید به نوشته گدار در "آثار ایران" جلد اول بند ۲ صفحه ۲۸۰ در آنجا که زیر عنوان "تاریخچه مسجد جمعه" می‌گوید. "تاریخ ساختمان شبستان زمستانی بوسیله سلطان محمد پسر بایسنقر ۸۵۱ (۱۴۴۷) است (شکل ۱۸۴)" و مقایسه کنید آنرا با مقاله "مسجد جمعه اصفهان" اثر اک گابریل منطبعه در هنر اسلامی جلد ۲ چاپ ۱۹۳۵ صفحه ۳۲ که در آن می‌گوید "ظاهراً" مسجد جمعه از آثار دوران‌های اخیر مثلاً "قرن ۱۸ و ۱۹ است".

تمایل پیدامی کردند (شکل ۱۴). نکته دیگر مربوط به طرز کار سازندگان این جرزهاست که در سطح پائین قرار دارد و خود جرزها چیزی جز يك تقليد نارسا از دو جرز سلجوقی که در مسجد پیدا شده است، نمی باشند. بنابر سوابق و نظریات سنتی چنین باید گفت که جرزها از عهد صفوی است که در آن دوران مسجد را از سمت مغرب گسترش دادند و مدخل شمال غربی (مورخ ۹۹۹ هجری) گشایش یافت - صحت این نظر کاملاً محتمل است ولی با همه این احوال تاریخ تالار محل مناقشه است و در عملیات آینده مورد تحقیق خواهد بود. تاکنون، باز دیده های نسبتاً معدودی که انجام یافته فقط وجود يك رشته جرزهای مدور را ثابت کرده که لااقل از سه نوع مختلف هستند و در ناحیه شبستانی بزرگ واقع در گوشه جنوب غربی کشف شده اند. از این جا معلوم می شود که اطاقها بطور خلق الساعه به مجتمع اضافه نشده بلکه بصورت تغییر یافته ای از ساختمانهای موجود قدیمی ترند که خود آنها نیز قبلاً دستخوش تغییر شده بوده اند. از آنجایی که تقریباً بفاصله ۱۹ متر از دیوار خشتی آثار دیواری بموازات محور شمالی - جنوبی پیدا شده لذا این مساله پیش می آید که آیا مسجد اولیه اصفهان نیز مانند مساجد عربی سوریه و فلسطین و مصر بداشتن «زیاده» یا فضایی باز در خارج از دیوار محوطه متمایز است یا نه ؟

۷- یادداشتهای مختصری درباره اوضاع متوقف این بنای تاریخی

بر روی هم، اوضاع را کد و متوقف فعلی مسجد نباید مایه نگرانی باشد. با در نظر گرفتن قدمت بسیاری از ساختمانهای آن و تعداد زیاد تغییرات و گسترشها و افزایش ارتفاع بعضی قسمتها و تبدیلات متعددی که در طی ده قرن صورت گرفته و عوامل خارجی مثل زلزله و جنگ و غیره که مایه خرابی بوده، باید گفت که وضع کلی این بنای تاریخی خوب است، بخصوص اگر توجه داشته باشیم که در خود بنا سه عامل منفی وجود دارد که بناچار باید در گذشته تأثیر عظیمی در استحکام آن برجای گذارده باشد و آن سه عامل عبارتند از:

۱) نوع خاک در محل بنا

هنگامی که از نواحی مجاور مسجد می‌گذریم، کاملاً روشن است که آنرا بر روی يك تپه یا بلندی ساخته‌اند و مسجد تقریباً در قله این بلندی قرار دارد. در نتیجه يك چنین وضعی و نوع خاک محل که خیلی گلی است، بسیاری از جرزها در طی قرون و اعصار تکان خورده‌اند. حالا دیگر جرزها عمودی نیستند. زیرا از نقطه اتکاء خود که در پایه‌های آنها قرار داشته خارج شده‌اند و این امر در نتیجه رانش طاقها که فی‌المثل از طریق قسمت فوقانی بر آنها وارد آمده حاصل شده است. اما در مقام عمل آنچه اتفاق افتاده عبارت از این بوده است که قسمت بالای جرزها کم یا بیش يك وضع مانده و قسمتهای پائین در امتداد خطوط لغزش که با سانی قابل تشخیص است، حرکت کرده است. شواهد این لغزش در بسیاری نقاط مشهود می‌باشد و اثر کوششهایی هم که در گذشته دور برای جلوگیری از آن بعمل آمده هنوز بخوبی پدیدار است. مثلاً در مراحل متوالی متعدد آثاری دیده می‌شود از قبیل جرزهایی که بوسیله دیوارهای متقاطع بهم مربوط شده و ستونهای مدور که جزو جرزه‌های بزرگتری در آمده و جرزه‌های دارای پشتیبان که همه بهمین منظور بوجود آمده‌اند. اگر شکلهای $3/a$ و $16/a$ را که در جلد اول آمده مورد بررسی قرار دهیم، بدین وسیله اگر تعریف دقیقی هم بدست نیاید، لااقل خواهیم توانست تمایل زیاد ستونها را حدس بزنیم. همینقدر کافی است که در يك قسمت خیلی مناسب اثر يك ستون مدور را که مثلاً چهار متر بالاتر ساخته شده، مورد مطالعه قرار دهیم. در چنین موردی ظاهراً ستون مزبور در سمت مقابل و هنوز هم در حیطه جرز راست گوشه جدیدتری خواهد بود که مثلاً عمودی است (شکل ۱۵). آثار این عملیات تعمیراتی در عین حال که نشان میدهد چگونه از نظر حفظ زیبایی بنا چندان توجهی در کار نبوده، حاکی از این نیز هست که متصدیان امر میل زیادی نداشته‌اند که قسمتهای آسیب دیده را از نو بسازند. بهر صورت تجدید بنای ساختمان چندان دشوار هم نبوده است زیرا که با احتمال زیاد مسجد در اوایل کار دارای طاق نبوده و بوسیله

سقف چوبی مسطحی پوشانده شده بوده است. ظاهراً بیمیلی نسبت به تجدید بنای آن اقدام بتعمیرات ممکنه را می توان بدلایلی که در تبصره ۵ در صفحه ۵ آمده است توجیه کرد.

(۲) وجود آب و رطوبت در زیر خاک

در این مورد، علاوه بر رطوبت طبیعی خود خاک رس، لوله ها و آب انبارها و آبدانها و مجاری فاضل آب و چاهها (۲۶) را نیز که در طی قرون و اعصار بوسیله انسان و برای افزایش و تأمین خدمات مختلفه احداث شده، در نظر گرفت در طی عملیات سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲، علاوه بر چاهها و مجاری متعدد آب، دونوشته نیز در کتیبه ها کشف شد که یکی بدوران اوزون حسن (۸۵۷-۸۳۳=۱۴۷۸/۱۴۵۳) تعلق دارد و حاکی از پاره ای کارها منجمله لوله کشی مسجد در ایوان جنوبی است (رجوع کنید بکتاب گابریل صفحه ۲۸) و دیگری متعلق بزمان فتحعلی شاه قاجار و بتاریخ ۱۲۱۸ هجری (۱۸۰۳/۴ میلادی) است و حکایت از آن دارد که در ضمن کارهای مختلفه، آب انبار رانیز تعمیر کرده اند (رجوع شود به کتاب گذار صفحه ۲۷۵).

يك بررسی آزمایشی زمین شناسی که درست در سمت بیرونی محوطه غربی در گوشه جنوب شرقی (اطاق ۱۲) انجام یافت، باعث کشف يك مطلب جالب دیگر شد. بدین معنی که حفره ای که می کنندیم بيك منطقه گل سیاه رسوب یافته رسید که

(۲۶) چاههای مساجد، علاوه بر کار اصلی خود، غالباً "وظیفه دیگری نیز دارند که ریشه آن را در یک سنت بسیار قدیمی مذهبی می توان یافت، بدین معنی که تصور می رود چاه مسجد مستقیماً با چشمه بی که در محوطه مقدس کعبه جاری است ارتباط دارد (رجوع کنید به کتاب ه، ویولت صفحه ۲۲۹۰) در طی حفريات آزمایشی ما تعداد زیادی چاه کشف شده که شرح آن در گزارش دیگری بعداً تقدیم میشود.

مقدار زیادی مواد آلی قدیمی و قطعات استخوان و خرد و ریز اشیاء سفالین شکسته داشت (شکلهای ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱) و همه آنها تقریباً بطور قطع بقایای يك کانال بشمار میرفت. کندن گودال را در عمق ۱۰/۶۰ متری از سطح فعلی زمین متوقف ساختیم زیرا که در اینجا دیگر بزمین بیحاصل و عاری از هر گونه آثار انسانی رسیده بودیم و خاك آنجا مرکب از گل رس و ریگ و سنگ ریزه های نهري بوده (شکل ۱۶). این کانال که بر حسب تصادف گودال ما بدان خورد، اعم از اینکه طبیعی یا ساخته دست بشر باشد، حاکی از وجود چشمه های زیرزمینی متعددی است که مسلماً در موضوع لغزش فوق الذکر تاثیر داشته اند.

(۳) روشهای ساختمانی

موادی که بر حسب سنن معماری در اصفهان (حتی در مورد ساختمانهای بزرگ) بکار میرود، از لحاظ کیفیت چندان در سطح بالا نیست. علی رغم این نقیصه و با وجود اینکه در این ساختمانها وسیله بهم پیوستن سنگ و آجر منحصراً ملاط گچ دار بوده، باز باید گفت که ساختمانهای مسجد بروی هم در مقابل صدمات زمان و مداخلات بشری خوب دوام آورده است. اما چون تقریباً هیچ جا خبری از شالوده نیست این امر از لحاظ حفظ تعادل استحکام بنا اثر نامطلوبی داشته در صورتی که اگر پی ریزی خوبی وجود می داشت فشار ساختمان بر زمینه بنا بهتر تقسیم میشد و وضع مسجد ثابت می ماند. بهر صورت، احتمال قوی میرود که از همان اوایل کار این ساختمانها مایه در در سر بوده و نشست های عمده یا جزئی در آنها صورت می گرفته است.

با همه این احوال مسائل عمده مربوط به استواری بنا نخستین بار هنگامی پیش آمد که ساختمان چهار ایوان در دوران سلجوقی صورت پذیرفته و علت عمده گرفتاری هم عبارت از ارتفاع بیشتر بنا بوده. بعدها که مناره های جنب ایوان جنوبی ساخته شد اوضاع بیشتر وخیم گردید. بررسی ایوانها نشان میدهد که در اول کار نظر بر آن بوده که در کنار تمام ایوانها مناره هایی ساخته شود و لیکن اوضاع اولین ایوان یعنی

ایوان جنوبی سبب آن شد که در ایوانهای دیگر از آن فکر صرف نظر کنند. ایوانهای جنوبی و شرقی هر دو تمایل آشکاری بطرف داخل حیاط دارند همچنانکه دو مناره توأمان نیز در این اواخر محتاج رسیدگی خاص بوده‌اند. ماهنوز نمیدانیم که در فاصله فیما بین پایان عهد سلجوقی و تجدید بنای ایوانها در عهد صفوی (شاید در دوران قاجار و حتی قبل از آن در دوران صفوی) چه اتفاقی افتاده است. مع هذا بخوبی می‌توان دید که اخیراً برای جلوگیری از حرکت ایوان شرقی، یعنی در واقع برای استحکام قسمت مقدم آن، چه اقدامی شده است. حرکت ایوان مزبور قبلاً صدمه زیادی مخصوصاً بمقرنس کاری طاقها وارد آورده بود. صدمه جدی ناشیه از جدا شدن آرایش سنتوری را با يك سلسله عملیات خیلی سطحی از قبیل تعمیر قسمتهای خراب شده و مخصوصاً با پر کردن نقاطی که رو به حیاط و رو به داخل ایوان در صد در چاره جویی برآمده‌اند (شکل ۸۳ و ۸۴). هنوز هم آثار صدمه جدی وارده بر ایوان و طاقهای مجاور آن را در طبقه‌های بالا و در جاهایی که کمتر در معرض دید عموم است، می‌توان مشاهده کرد (شکل‌های ۸۵ و ۸۶). حتی در قسمتهایی که اخیراً ترمیم و تجدید بنا یافته‌اند نیز چند شکاف پدیدار است که حاکی از حرکت مداوم دیوارهاست گو اینکه این حرکت خیلی آهسته‌تر است. صرف نظر از خطر ذاتی حرکت دوری جبهه ساختمان، باید خاطر نشان کرد که اگر قسمتهای حامل بار بنا و بیش از همه شالوده‌های آن را تحکیم و تشدید نمایند، قسمتهایی از بنا که امروزه بسته و یا تا حدودی قابل استفاده می‌باشند، برای استفاده کامل آزاد خواهند شد (شکل ۸۷). علاوه بر این، آزاد ساختن طاقهای دیوار کشیده سبب آن خواهد شد که بتوانیم راجع بمداخلات مربوط به معماری که شکل ایوان را بمرو زمان تغییر داده‌اند تحقیق و بررسی کنیم.

۸- نتیجه

مادرطی دو سلسله عملیات خود نسبت بمسائل متعدد مربوط به مسجد اصفهان از طریق چند فقره نقشه برداری مقدماتی محتاطانه تحقیق کرده و تا کنون توانسته ایم سه مطلب زیرین را اظهار کنیم:

نخست اینکه آثار متعددی از آنچه در اصل «مسجد سبک عربی» بود بدست آورده و

تقریباً تمام وضع اصلی آنرا تشخیص داده و از این راه فرضیه‌های کسانی را که قبلاً در این باره کار کرده‌اند، تأیید نموده‌ایم.

دوم تشخیص جبهه خارجی مشرف به ساختمان دوران عباسی است که وضع دیوار محوطه آن که از لحاظ معماری خوب تکمیل یافته، در ایران در دوران اوایل اسلام تاحدودی غیرعادی است.

مطلب سوم عبارت است از تشخیص مرحله‌ای بسیار مهم است که قبلاً بر کسی معلوم نبوده و اهمیت آن مربوط به ملاحظات مبتنی بر سبک ساختمان و اندازه‌گیری پایه و شالوده می‌باشد. تاریخ این مرحله به قرن دهم (مرحله آل بویه) می‌رسد و بهر صورت قبل از آمدن سلجوقیان است.

بر روی هم این سه عامل مؤید فرضیه مبنی بر «مداومت معماری در ایران» می‌باشند و این سه عامل مداومت معماری و ساختمانی را که همواره متصدیان بنار انساب بعد نسل در این مجتمع راهنمایی کرده است، روشن تر می‌سازند.

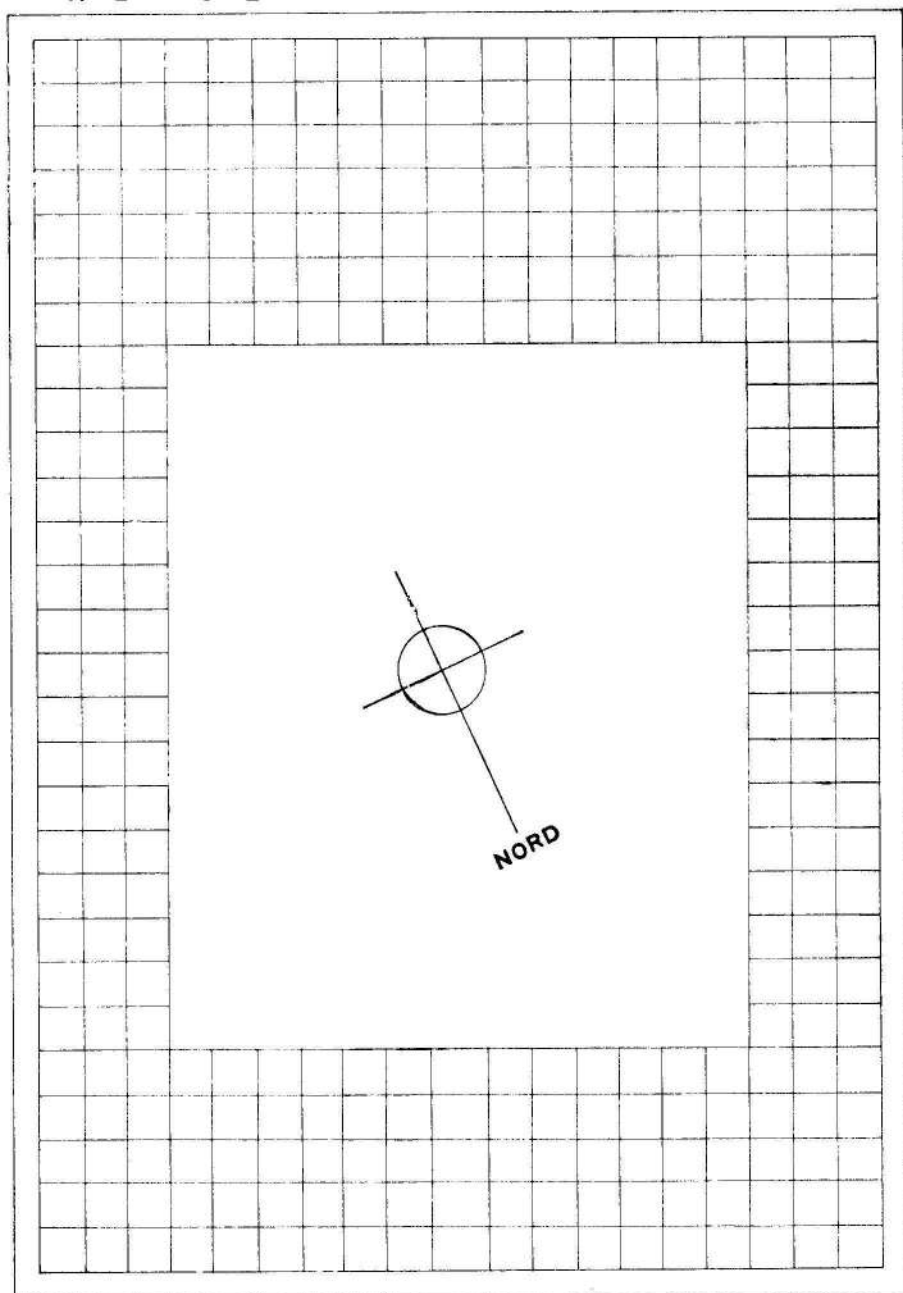
M.S

A B C D E F G H I L M N O P Q R S T

M.E

M.W

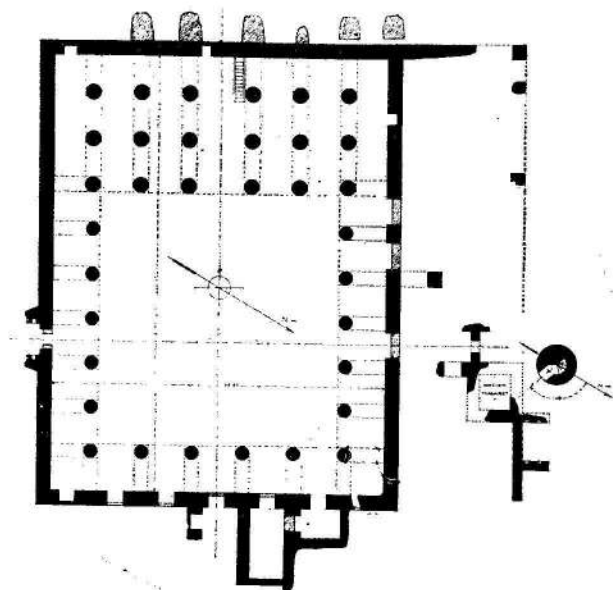
1
2
3
4
5
6
7
8
9
10
11
12
13
14
15
16
17
18
19
20
21
22
23
24
25
26
27



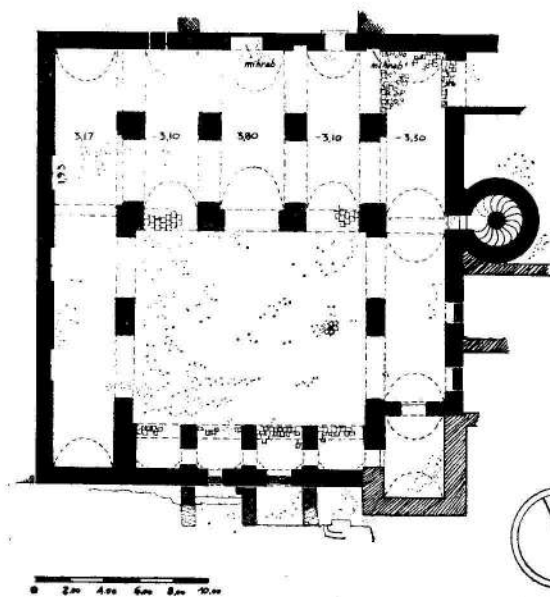
M.N

p.

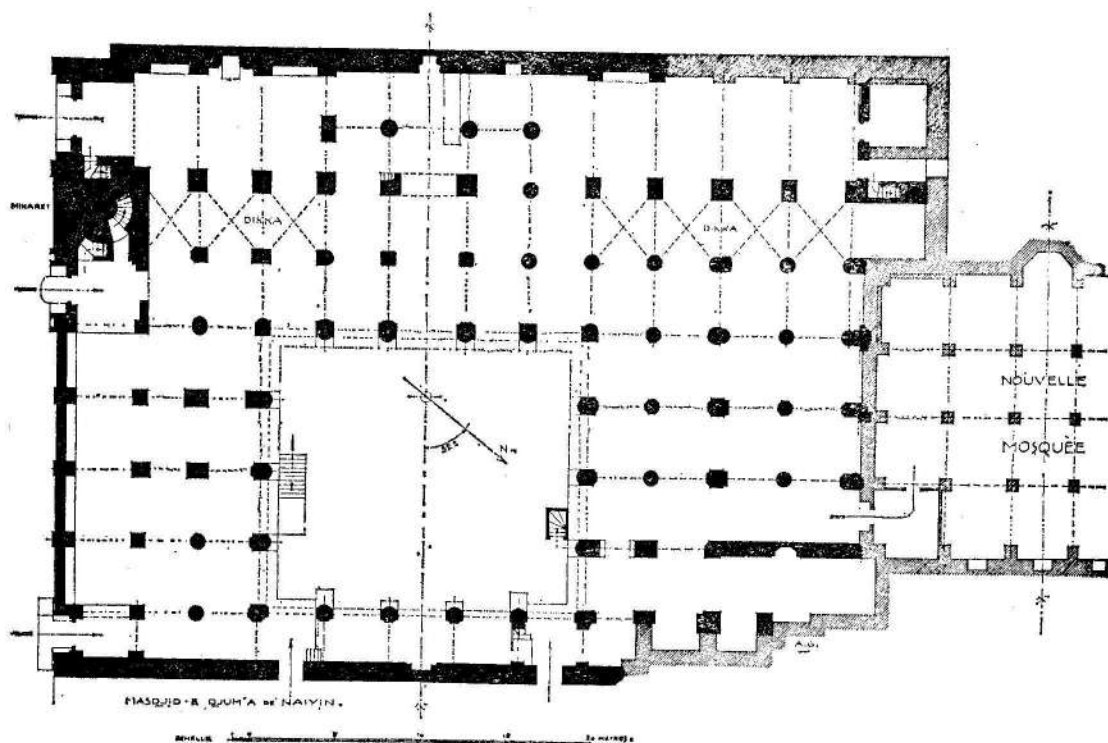
شکل ۱ - طرح گرافیک در مختصات کارتزین معماری دوره عباسی که در متن بعنوان طرح سبك عربی وصف شده است . هر ستون با يك حرف (از A تا T) و با يك شماره (از ۱ تا ۲۷) مشخص می گردد . دیوارهای محیط را نیز میتوان با حرف M که بدنبال آن حرف اول جهت اصلی مواجهه با هر قسمت از دیوار قرار گرفته ، مشخص کرد . برای سهولت کار ستونهای مربوط به اضافات قرن دهم نیز گنجانیده شده است .



a



c



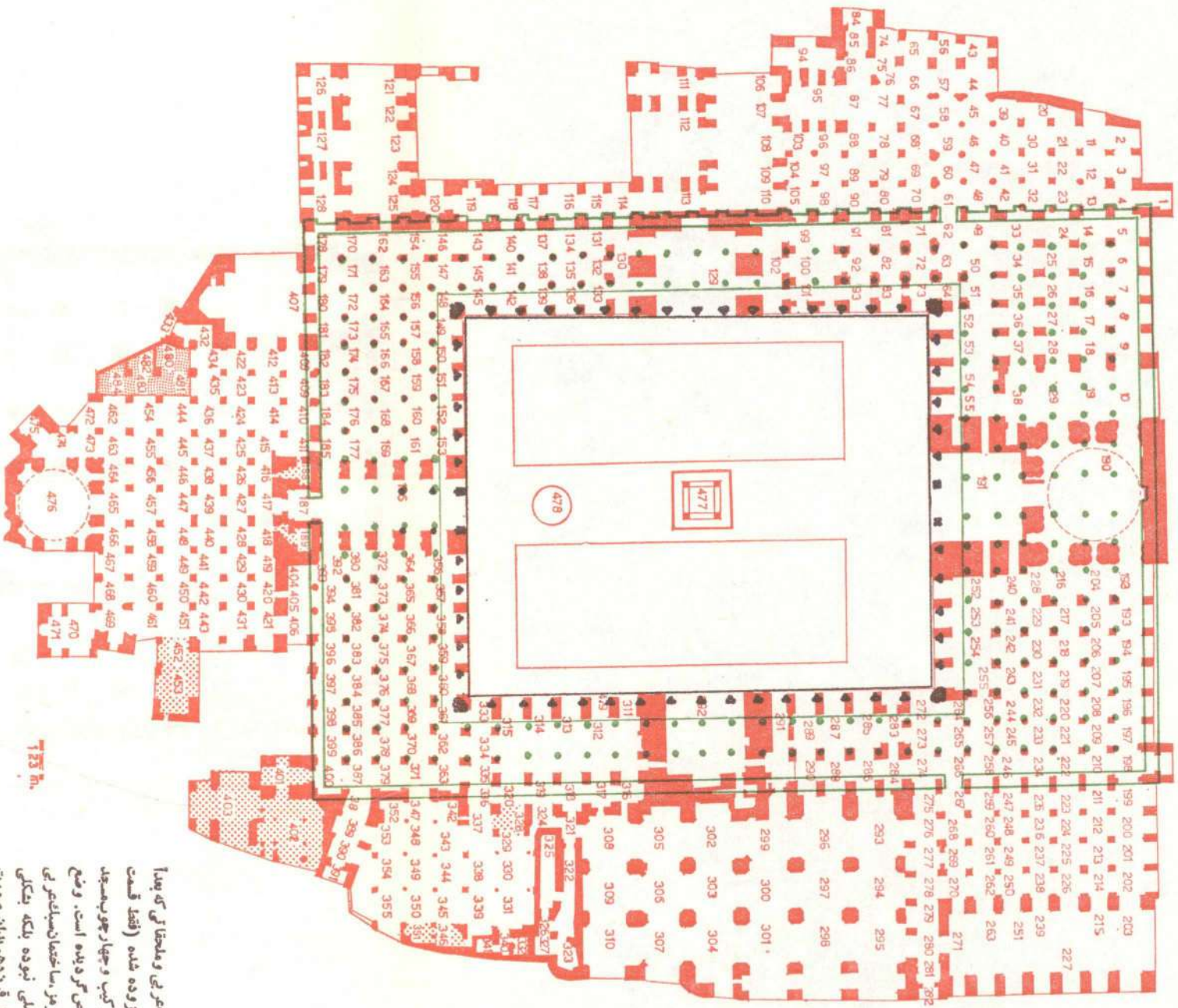
شکلهای a، b، ۲، c مربوط به نقشه‌های اماکن زیرین است :

الف) مسجد تاری خانه واقع در دامغان

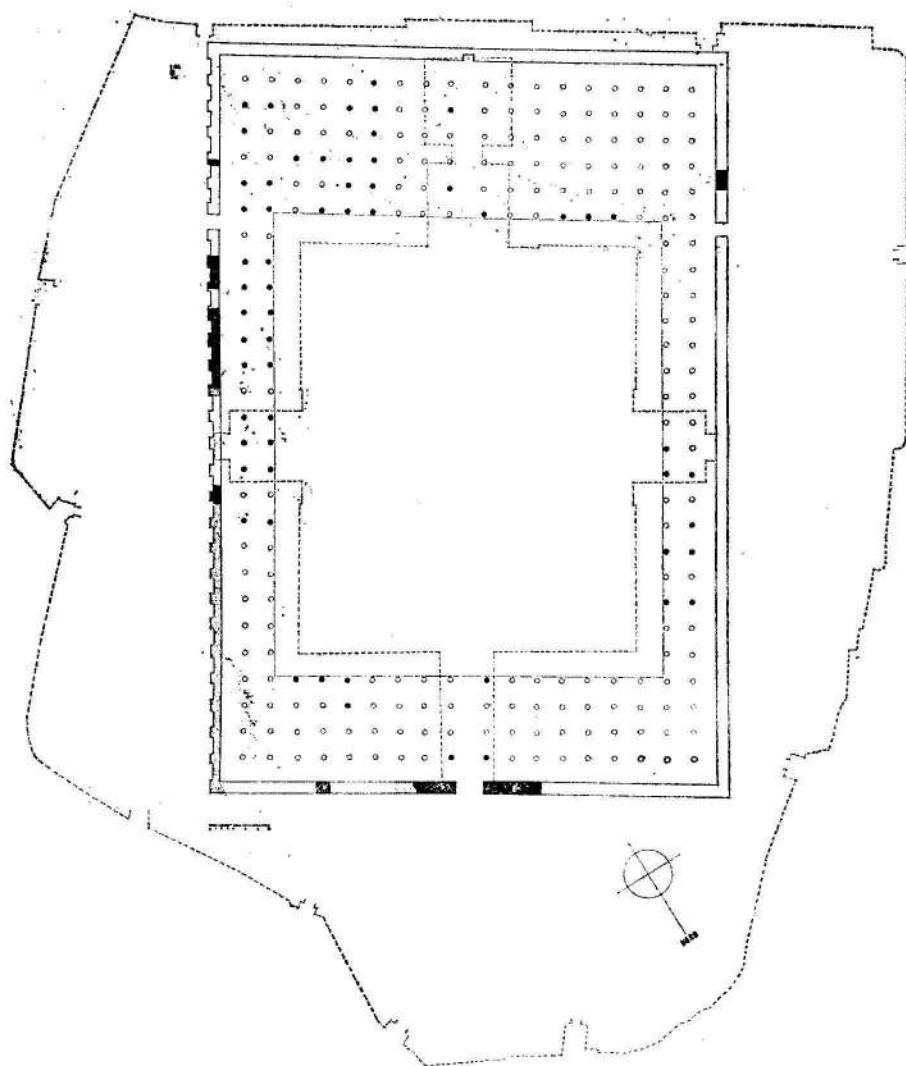
ب) مسجد جمعه نائین

ج) مسجد جمعه فهرج

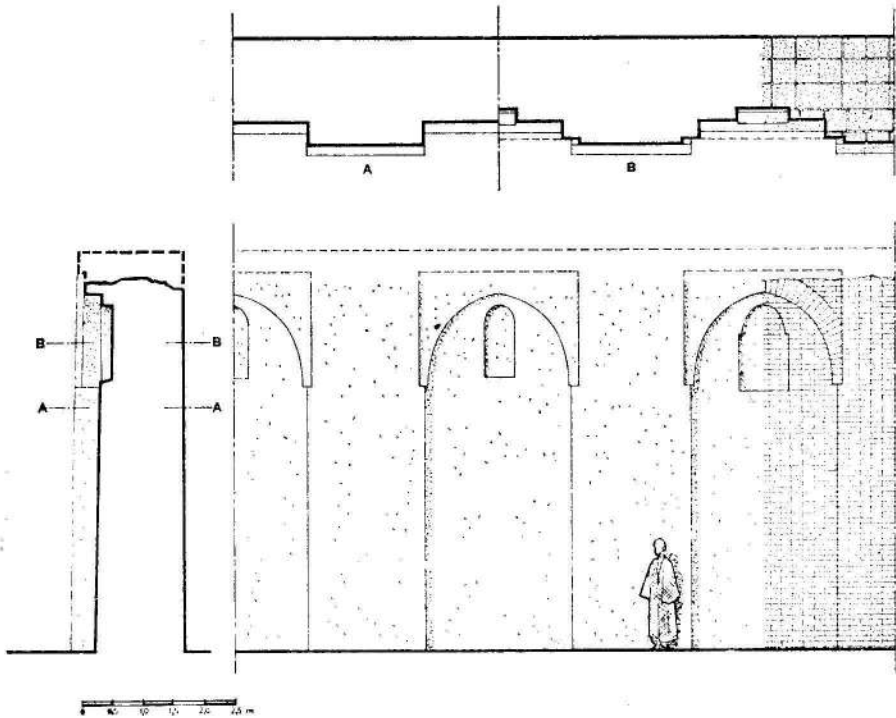
علی‌رغم دارا بودن ابعاد مختلف، این مساجد همه از یک نوع میباشند و این خصوصیت مشترک را دارند که هر یک دارای یک طاق اصلی هستند که محراب در آن قرار دارد و از سایر طاقها عریض‌تر است. تاریخ ساختمان این بناها همه بین قرن هشتم و دهم هجری قمری است.



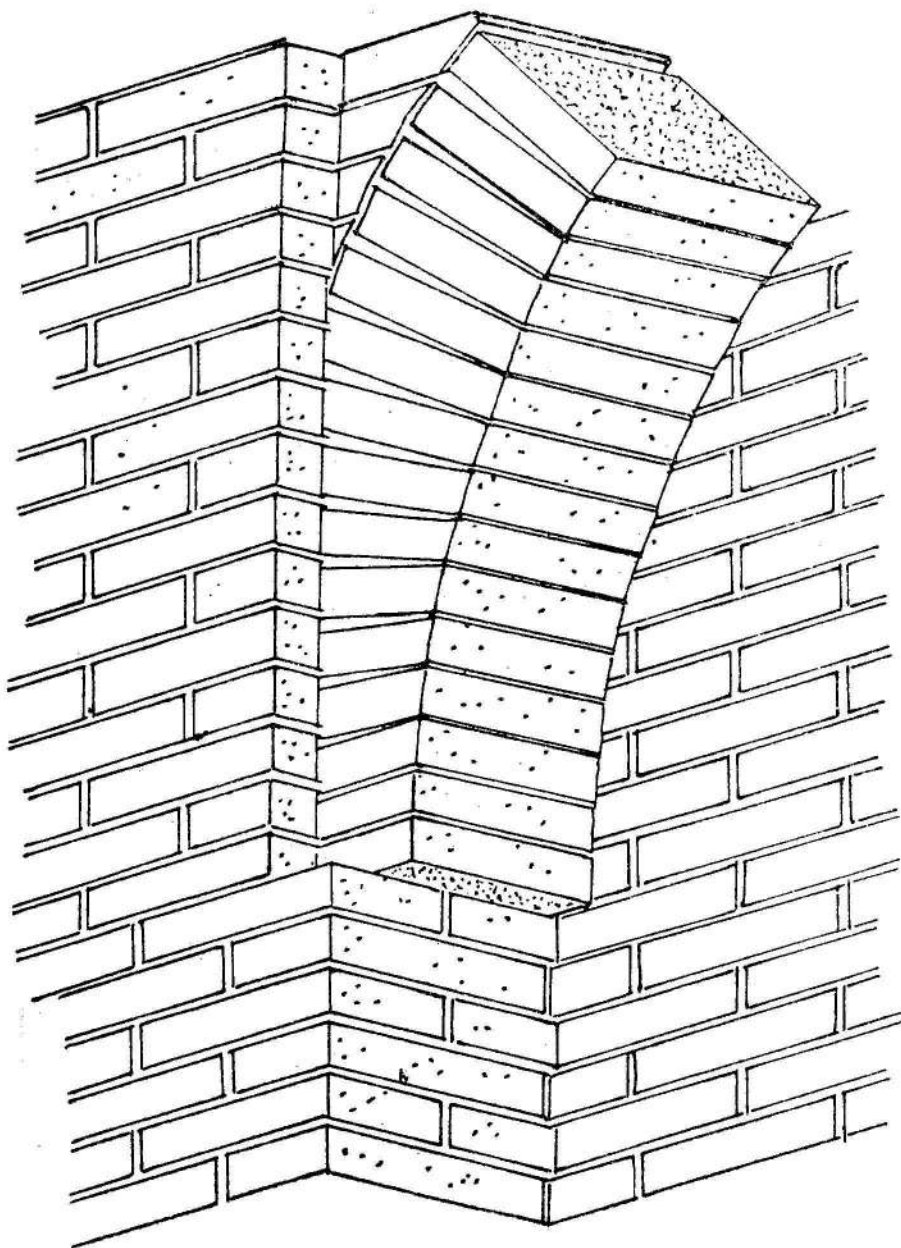
شکل ۴ - مسجد سلیمانی و ملحقاتی که بنیاد
 در قرن دهم بدان افزوده شده (فقط قسمت
 مرکزی تصویر) و در ترکیب و چهارچوب مسجد
 بشكل امروزی آن منضم گردیده است. وضع
 امروزی مسجد بر تکیه قرن، ساختمانهای
 (که البته ساختمان اصلی نبوده بلکه بخشی
 است که می باشد) بر تکیه سبز، و بناهایی که در
 قرن دهم افزوده شده بر تکیه قهوه ای نشان
 داده شده اند.



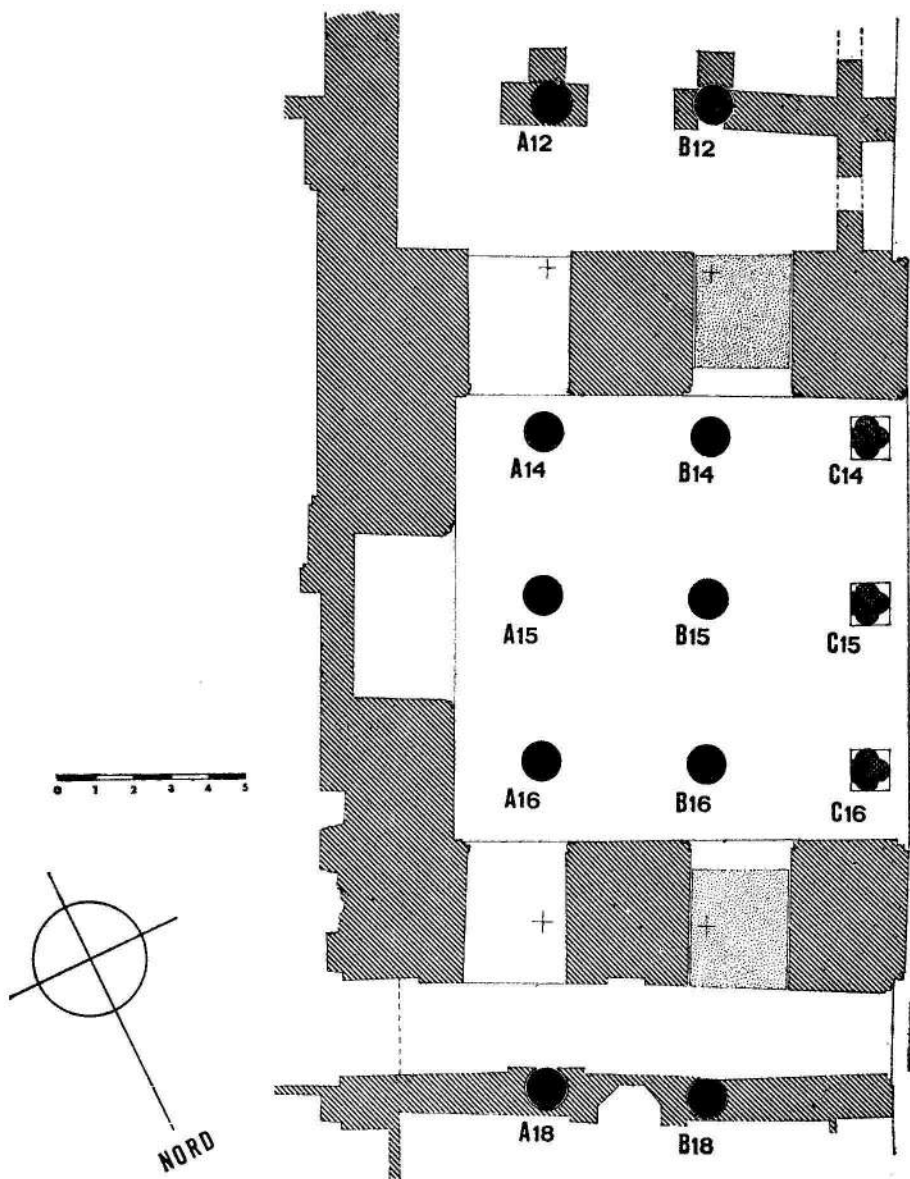
شکل ۴- نمایانگر قسمت مرکزی مسجد سبک عربی است بصورتی که از اولین حفاری بدست آمده است. بطوری که نشان داده شده ، این ساختمان بنای اصلی نیست بلکه از قبیل اضافاتی است که می باید حداقل تا اوایل قرن دهم باقی مانده باشد . قسمت هایی که برنگ سیاه مشخص شده نشان دهنده بنای دیوارها و ستون هایی است که از زیر کف بنا یا روی آن تا دسامبر ۱۹۷۲ کشف شده است . خطوط مورب نمایشگر ستونها و بناهایی است که قبلابالای سطح هم کف دیده میشده و خطوط افقی نشان دهنده دیوارهای خشتی است که فقط قسمت فوقانی آنها یعنی از ۴/۵۰ متر بالا باقی مانده است. نقطه ای که با علامت XVS-PK مشخص شده قسمت هایی را نشان میدهد که در آنجا لوله های مخصوص بررسی های زمین شناسی کار گذاشته شده است .



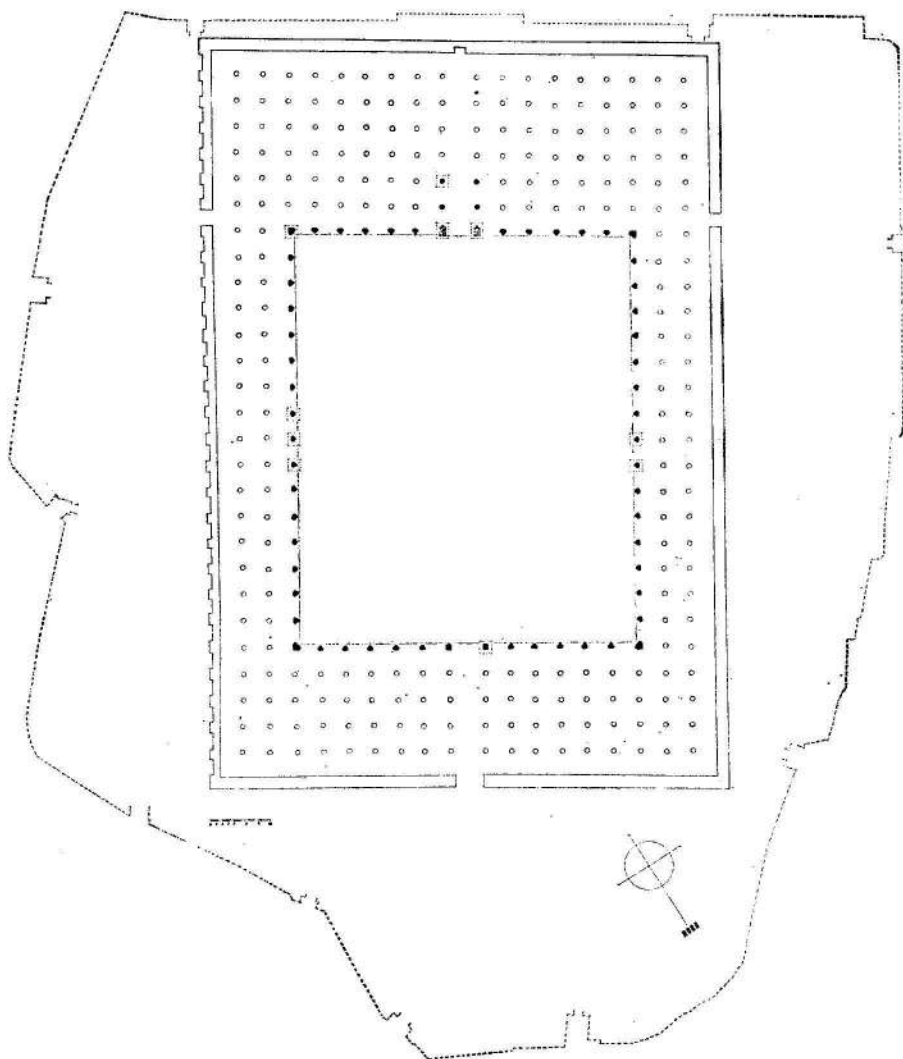
شکل ۵ - قسمت شرقی . نمایش گرافیک دیوارهای خشتی محیط (ME) که براساس نتایج حاصله از کاوشهای اخیر می باشد . قسمتی که تدریجاً باریک شده و نیز طاقچه بسته مخصوصاً قابل توجه است. مصالحی که در تمام ساختمان بکاررفته آجر خام گل رسی است بابعاد $۸ \times ۴۶ \times ۴۶$ سانتی متر ولی کل بنا دراصل بوسیله يك لایه نازك كاهگل پوشانیده شده بوده است .



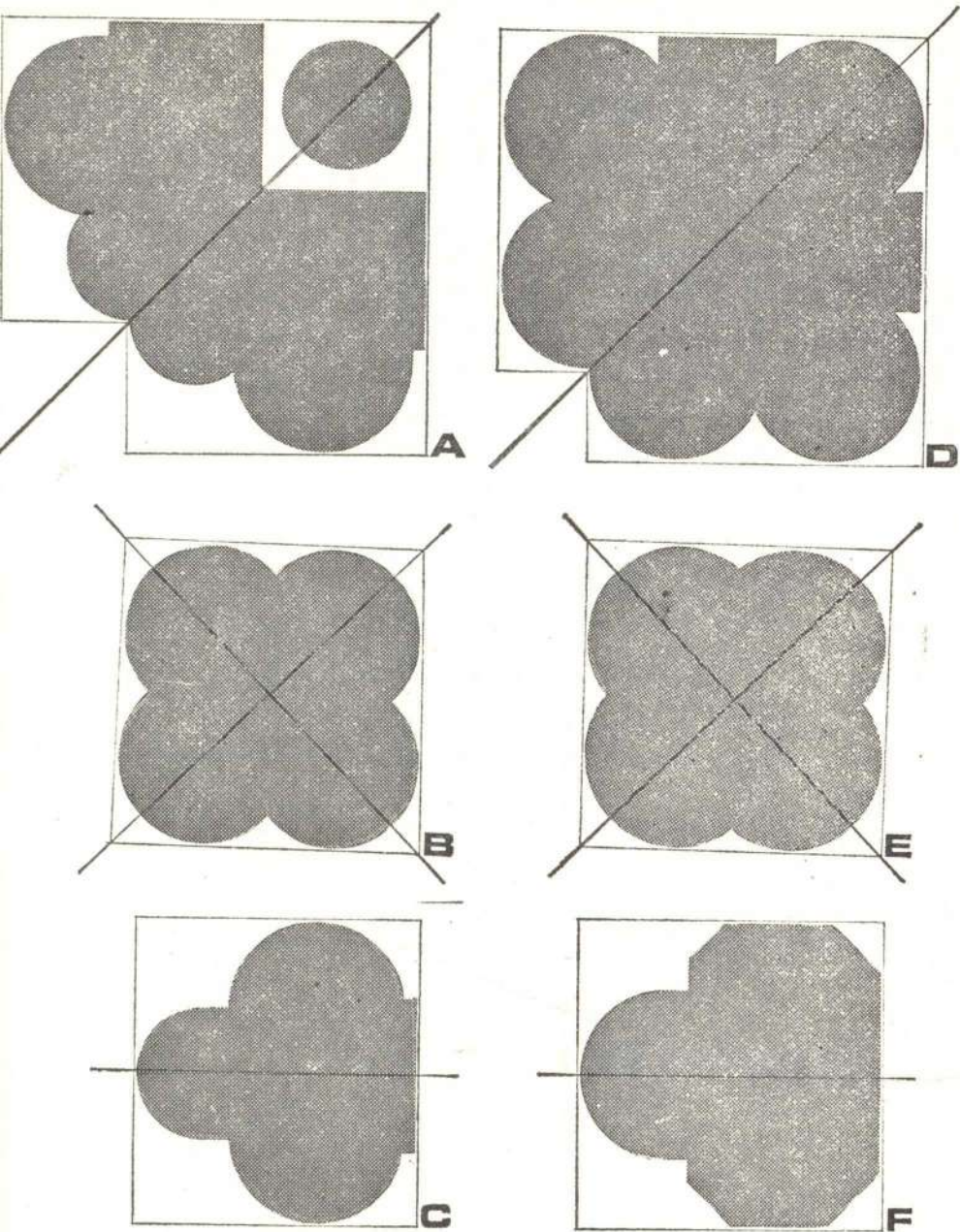
شکل ۶- قسمت شرقی . نمایش گرافیک جزئیات هر طاق (دومی) و قسمت بین پایه و سرستون . شکل کلی بنا هنوز نمایانگر شیوه‌های معماری دوران ساسانی است .



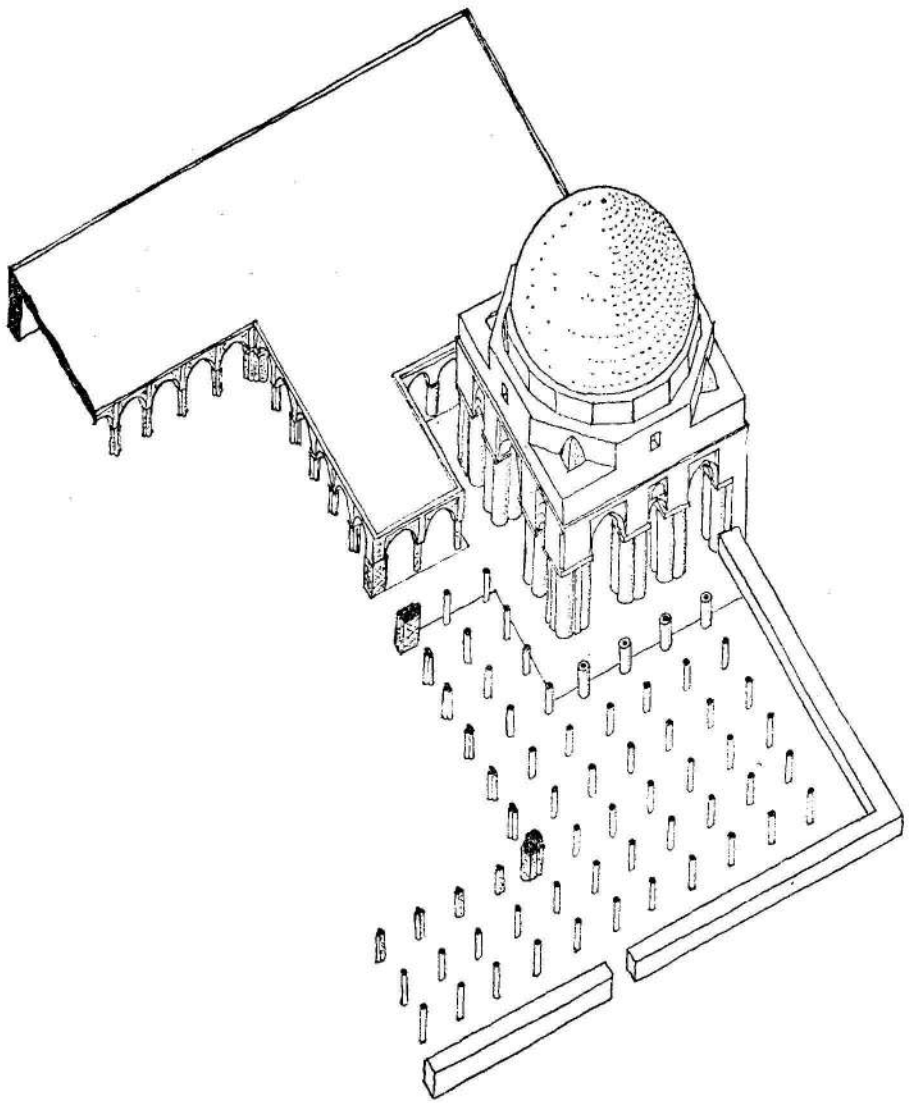
شکل ۷- نقشه ایوان شرقی و قسمت‌هایی که کاملاً مجاور آن قرار گرفته‌اند. ستون‌هایی که به‌علامات A18, B18, A12, B12 مشخص شده‌اند پیش از آغاز کاوش در قسمت بالای سطح زمین نمایان بودند. در داخل تعداد ۹ ستون که در طی کاوش‌های کشف گردیدند، قرار دارند، ستون‌هایی که به‌علامات A14, B14, A15, B15 مشخص شده‌اند، مربوط به مسجدی می‌باشند که قبل از قرن دهم وجود داشته است. ستون‌های سه برگی که به‌علامات C14, C15, C16 مشخص شده‌اند به‌قسمت‌هایی که در قرن دهم افزوده شده‌اند، تعلق دارند. ستون‌مدور تماماً در ستون چهار ضلعی گنجانیده شده و در آن‌ای کاوش‌های علمی مشخص و معلوم شده است.



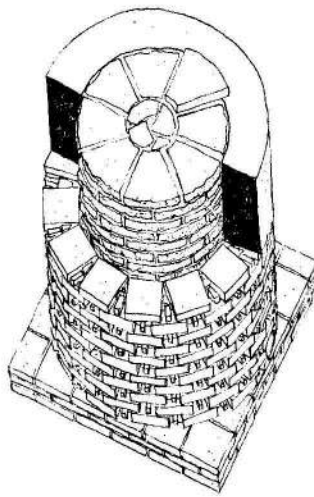
شکل ۸ - قسمت مرکزی مسجد با قدمت‌هایی که در قرن دهم افزوده شده و تا حیاط مسجد پیشروی داشته است . ستون‌هایی که برنگ سیاه مشخص شده‌اند ستون‌هایی هستند که در امتداد جبهه‌های داخلی افزوده شده‌اند . ستون‌های واقعه در انتهای جنوبی طاق مرکزی نیز برنگ سیاه نشان داده شده و همه این ستون‌ها نمایشگر تغییراتی هستند که در دوران آل بویه در ستون‌هایی که قبلاً وجود داشته ، داده شده است . اطراف ستون‌هایی که بالفعل در طی کاوشها کشف گردیده بمنظور نشان دادن منطقه کاوش خط چینی شده است .



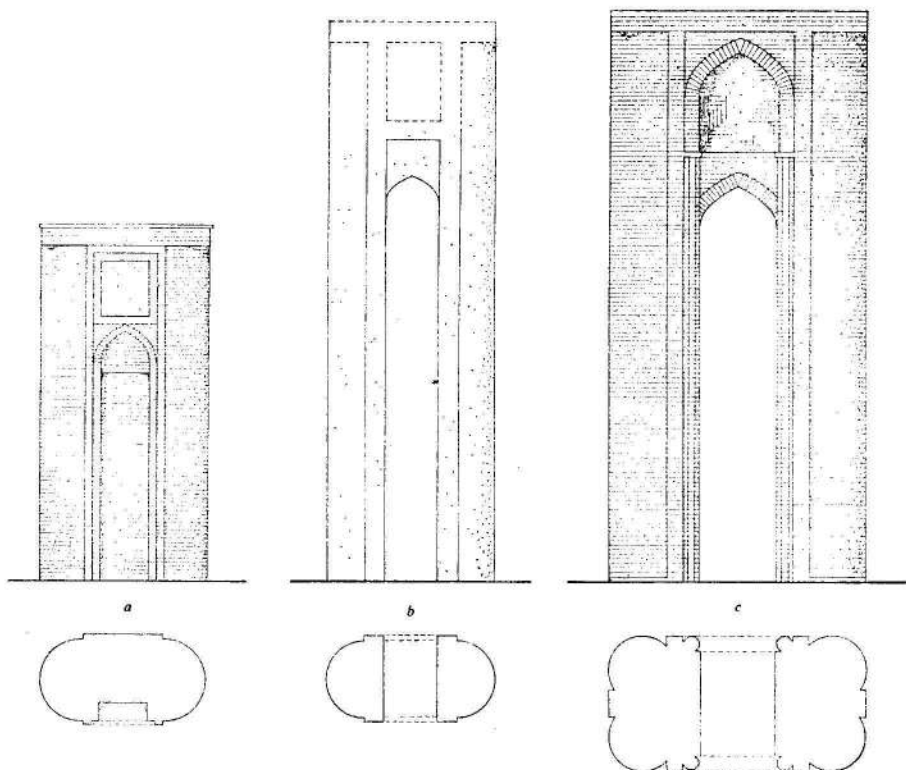
شکل ۹ - مقایسه تحول بین ستونهای متعلق بقرن دهم (ستونهای a, b, c) و چند ستون که بعدها توسط سلجوقیان ساخته شده است (ستونهای d, e, f)، برای اینکه مقایسه با سهولت انجام گیرد، این ۶ ستون با قطرهای متساوی ولی درمقیاسهای متفاوت نشان داده شده‌اند.



شکل ۱۰ - منطقه حرم جنوبی پس از ساختن حرم نظام الملک طبق فرضیه‌ای که در متن آمده است. توجه شود باینکه چگونه تخریب یک ردیف اطاق، سبب شده است که در اطراف قسمت‌های شمالی و شرقی و غربی یک نوع راهرو بوجود آید. روی ۴ ستون واقع در هر قسمت که بدین نحو از داشتن بخش مقاوم و محافظ محروم شده بودند، پوششی افزوده شده تا در هر بخش ۴ ستون با هم قسمتی را تشکیل داده دارای مقاومت باشند (رجوع شود به تصاویر ۱۱-۶۰-۶۱).



شکل ۹۹ - نمایش گرافیک یکی از ستون‌هایی که پوششی بر روی آن ساخته شده است. توجه شود که برای اینکه اتصال گنبد بیرونی براحتی انجام یابد، از قطر ستون مدور قبلی که ۹۲ سانتی متر بوده کاسته و آنرا تقریباً به ۸۰ سانتی متر رسانیده اند. ساختن پوشش با استفاده از آجرهایی بابعاد $40 \times 20 \times 3/8$ سانتی متر انجام گرفته است. قطعات کوچک آجر به شکل متوازی الاضلاع در فضاهای مثلث شکل بین آجرهایی که بر روی سطح بیرونی ستون قرار دارند، گنجانیده شده تا شکل یکسان منظمی را دارا باشند.

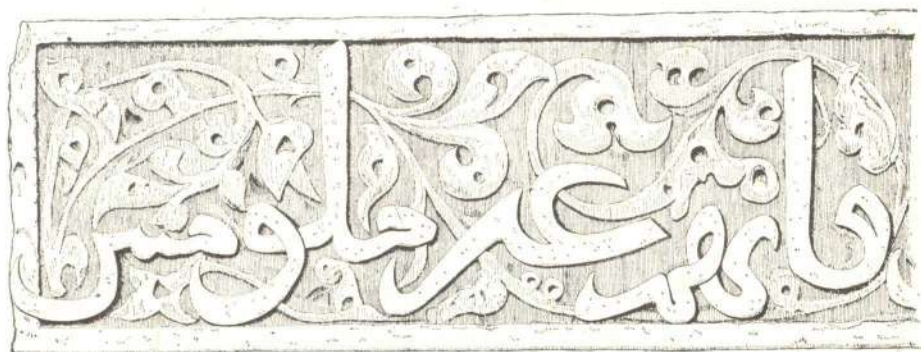


شکل ۱۲ - مقایسه بین سه نوع از ستونهای مستطیل موجود در مسجد بشرح ذیل :

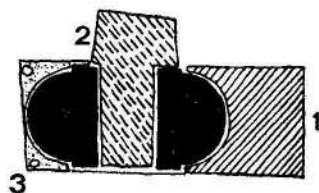
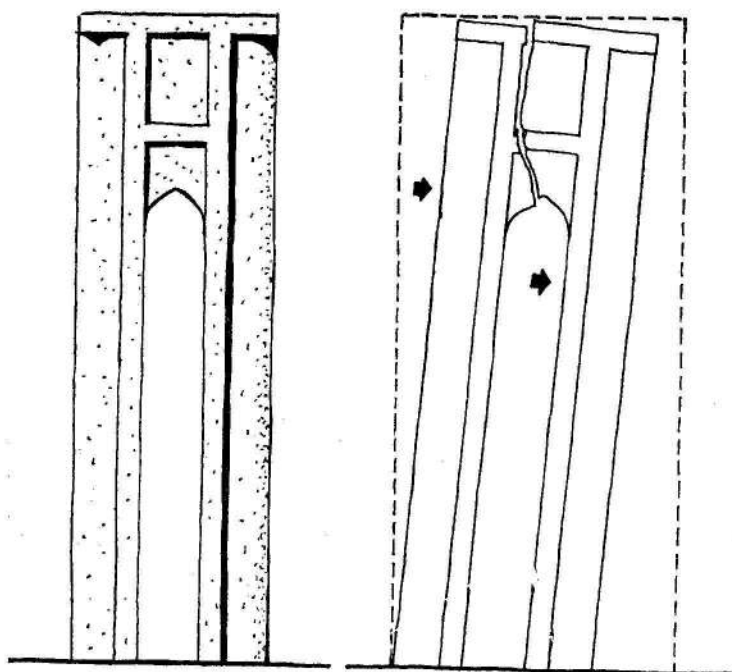
الف) ستونهای واقع در بدنه در طول دیوار ME که توسط سلجوقیان هنگامی که در جهت شرقی - جنوب شرقی گسترش داده میشده ، ساخته شده است .

ب) ستونهای واقع در طول دیوار MW که کاملاً در بدنه کار گذاشته شده و دیوارهایی که بعداً ساخته شده آنها را از نظر مخفی میدارد . مایلین ستونها را ستونهای مدخل نامیده ایم لیکن اندازه آنها و نازکی شبه ستونها وعدم مهارت در ساخت آنها باعث شده که سرعت با دیوارهایی پوشانیده و بعدها در داخل دیوارهای محکمتری گنجانیده شده اند . بنظر میرسد که این ستونها در عصر صفویه ساخته شده باشند (بتصاویر ۱۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ نیز مراجعه شود) .

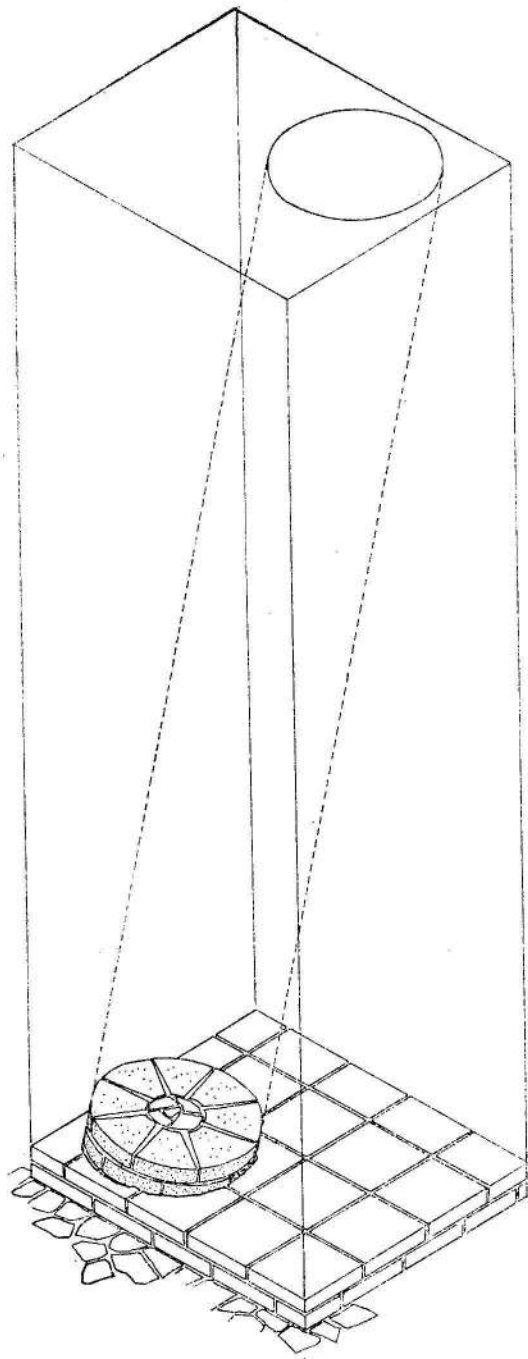
ج) - ستونهای واقع در طول ایوان شمالی . همانطور که نشان داده شده ، استفاده از طاقچه باز مرسوم میشد . این ستونها نیز در متن بنام ستونهای مدخل خوانده شده اند و بنظر میرسد که در عهد سلجوقیان شاید در دوره C ساخته شده باشند . امروزه بین دو شبه ستون دیوار کشیده شده است و بنظر میرسد که این دیوار کمی بعد از ساختن ستونها برای استحکام و ثبات بیشتر انجام گرفته باشد .



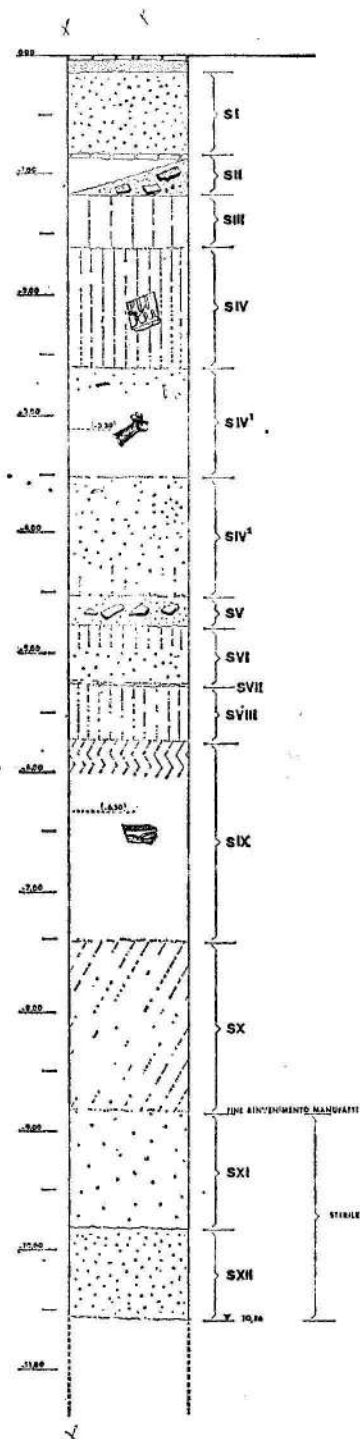
شکل ۱۳ - قسمتی از کتیبه قرآن که روی سرستون حرم جنوبی مواجه با سمت شمال - شمال شرقی (در نقطه‌ای که جبهه قدیمی که در اصل بجای متصل نبوده توسط ایوان جنوبی از نظر نا پدید می‌شود) کشف شده است .



- شکل ۱۴ - یکی از ستونهای مدخل واقع در طول دیوار MW. این شکل نشان میدهد که چگونه ستون آسیب دیده در واقع بدو بخش مستقل تقسیم شده است. این شکل همچنین نمایشگر مراحل مختلف کارهای ساختمانی زیرین است که بعدها جهت استحکام صورت گرفته است :
- ۱ - يك لایه پشته‌بان
 - ۲ - مسدود کردن معبر بوسیله دیوار به شکل T
 - ۳ - جا دادن ستون در داخل يك ستون منفرد بزرگ



شکل ۱۵- یک نمونه دیگر از کارهای ساختمانی
 که در قدیم برای ترمیم بنا صورت گرفته است .
 در اطراف ستون مدور خمیده C4 - مانند
 بسیاری موارد دیگر- یک ستون ثانی با مقطع
 مربع شکل ساخته میشد که ستون اول را تماماً
 در بر میگرفت. وقتی که یک قسمت تعمیر مجدد
 می یافت مانع دیوار از میان برداشته شده و
 امروزه یک مقطع مسطح از آن دیده می شود .
 با بررسی اندازه و موقعیت هر ستون می توان
 تصویری تقریبی از خمیدگی ستون مدور بدست
 آورد .

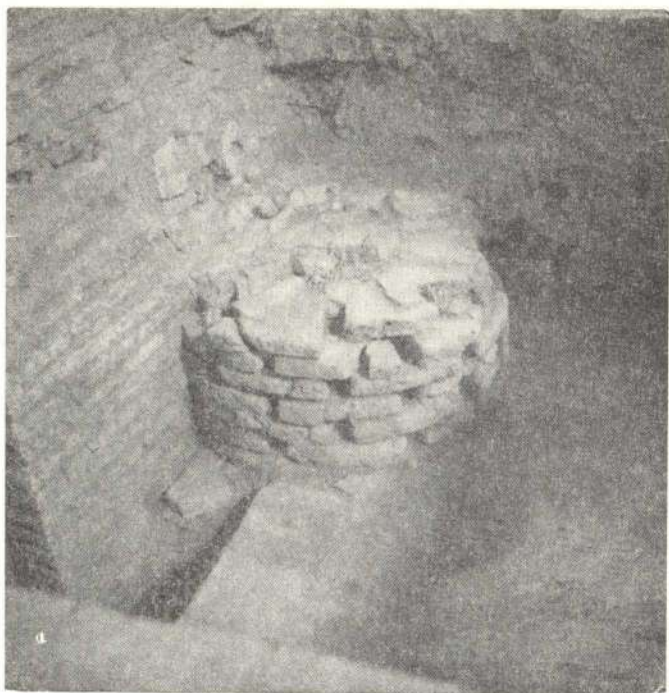


شکل ۱۶ - مقطع لوله‌یی که در نقطه جنوب شرقی کار گذاشتیم (در متن XYI لوله K - رجوع شود به شکل ۱۲ و اشکال ۸۱/۷۸ و ۸۱/۷۹).
 تنها در عمق ۱۰/۵۶ متری برخاسته و به حاصل دسترسی حاصل شد. لیکن جنبه طبقات الارضی حائز اهمیت نیست زیرا لوله آزمایشی در داخل کافالی بکار برده شد و بنا بر این بیشتر موادی که پیدا شد نقل مکان یافته بود.

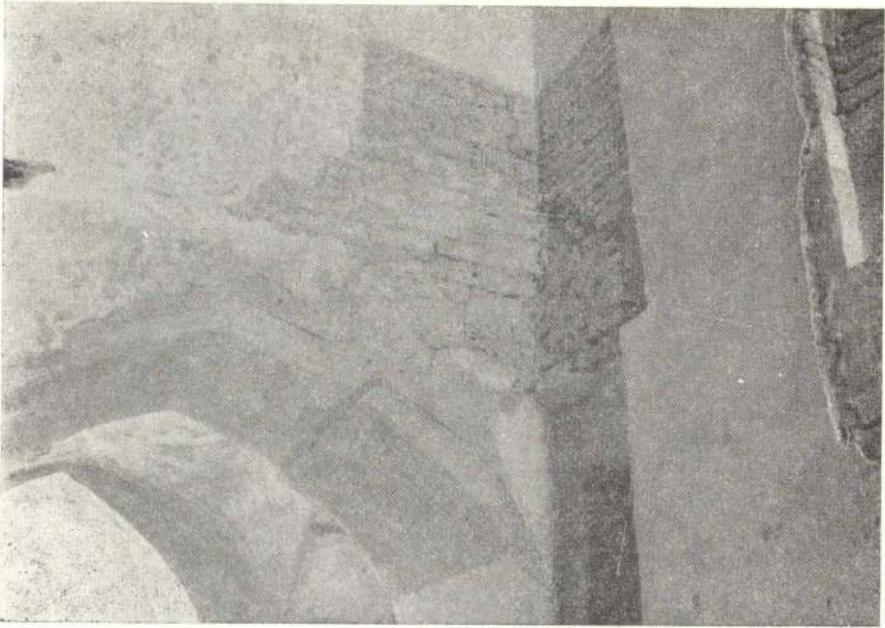


شکل ۲۴/۱۷ - چند تا از ستونهای مدوری که در قسمتهای مختلف مسجد زیر کف فعلی بنا کشف گردید. در چند مورد امکان آن بوده که تا کف شالوده حفاری شود لیکن در بیشتر موارد چند کف مربوط بدورههایی غیر از دوره اول ستونها را در بر میگرفت که در این گونه موارد کار حفاری متوقف میشد. ستونها از گل رس پخته ساخته شده و سعی گردیده که با شکل دایره کامل بدست آید. ستونها بترتیب عبارتند از - A14-A15-B15-B16-E2-D6-Q5-S15

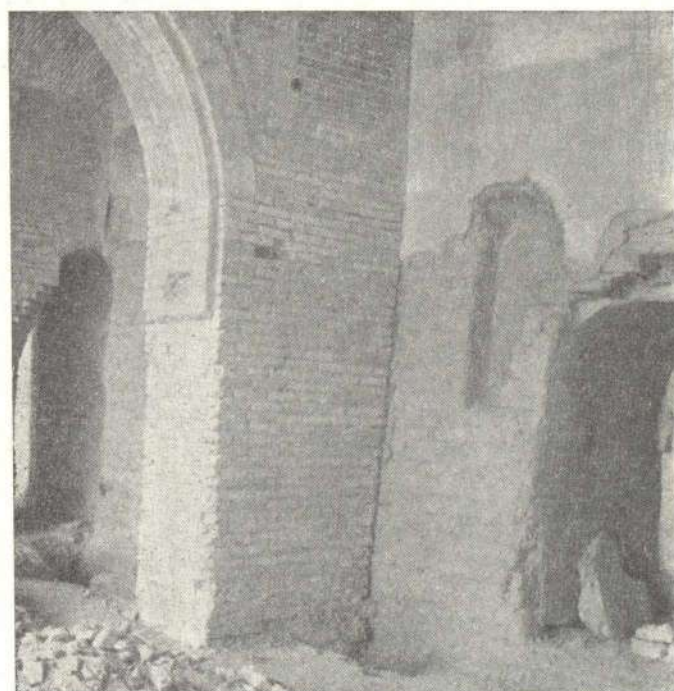


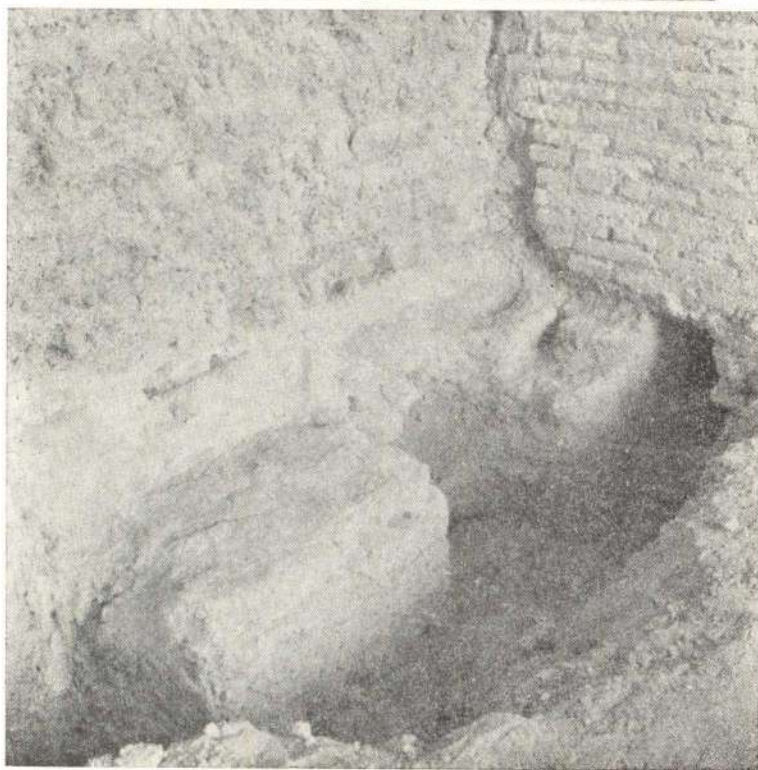
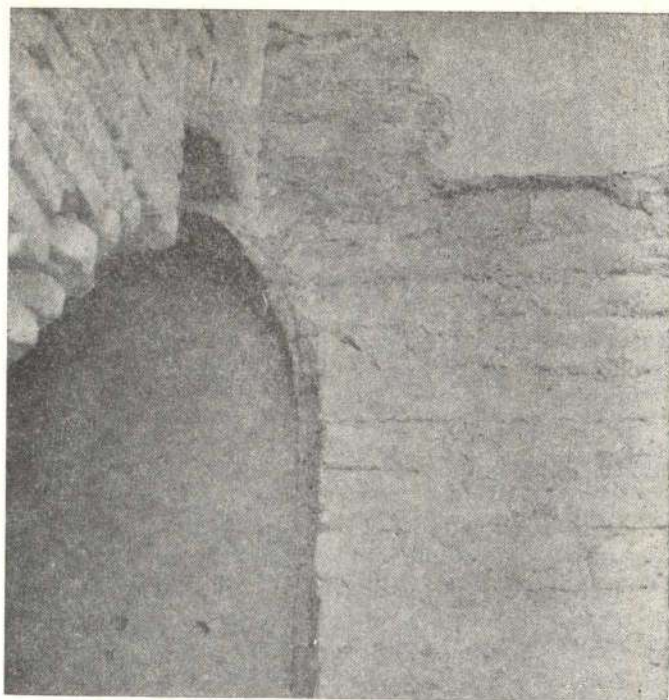






شکلهای ۳۰/۲۵ - قسمت شرقی - چندعکس از کارهای حفاری که در جهت بررسی خصوصیات معماری دیوار خشتی محیط صورت گرفته است. قسمت اعظم حفاری در ارتفاع ۴/۵۰ متری انجام گرفت که این ارتفاع خوشبختانه دیوارهایی که متعلق بادوار بعدی است، نشانه‌هایی چند از وضع سطح و رویه خود دیوار خشتی را حفظ کرده بودند.







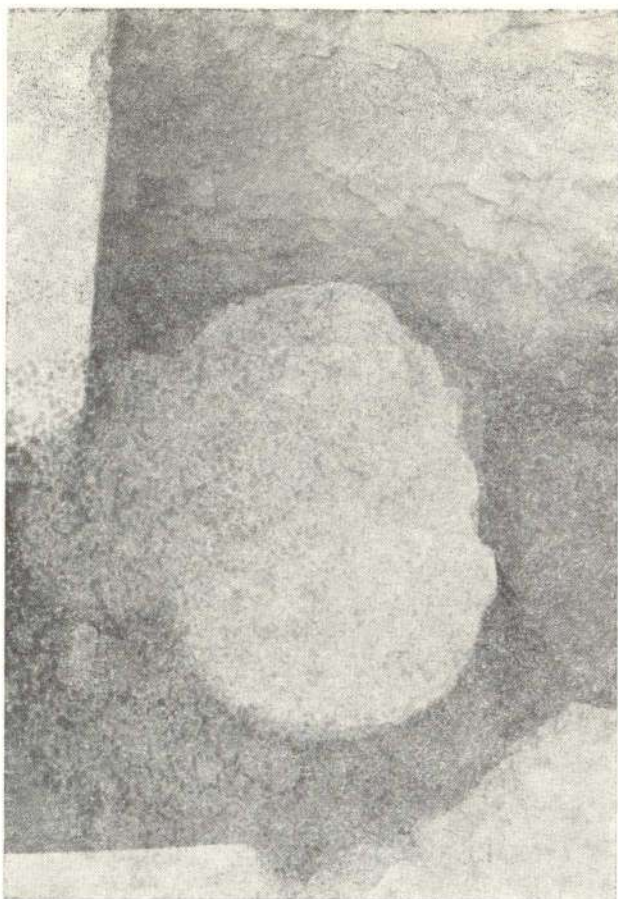
شکل ۳۱ - یکی از دو طاق خشتی که هنوز در قسمت شرقی دیوار محیط باقی است . این طاق که بسبب معماری دوره ساسانی بوده و بطرز (رومی) برپا شده ، امروزه در داخل دیوارهایی از آجر پخته که ایوان شرقی را محدود میسازند، گنجانیده شده است .



شکل ۳۲ - بخشی از شالوده دیوار محیط که در طول دیوار MW در منطقه غربی کشف شده است .

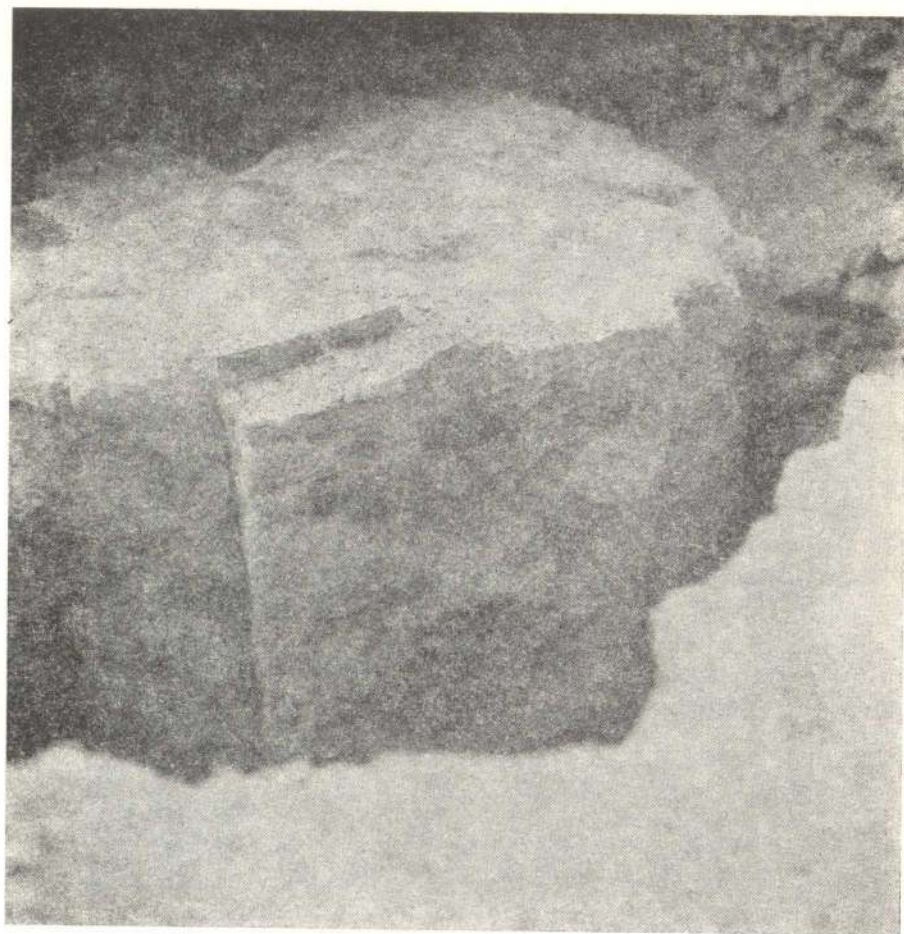


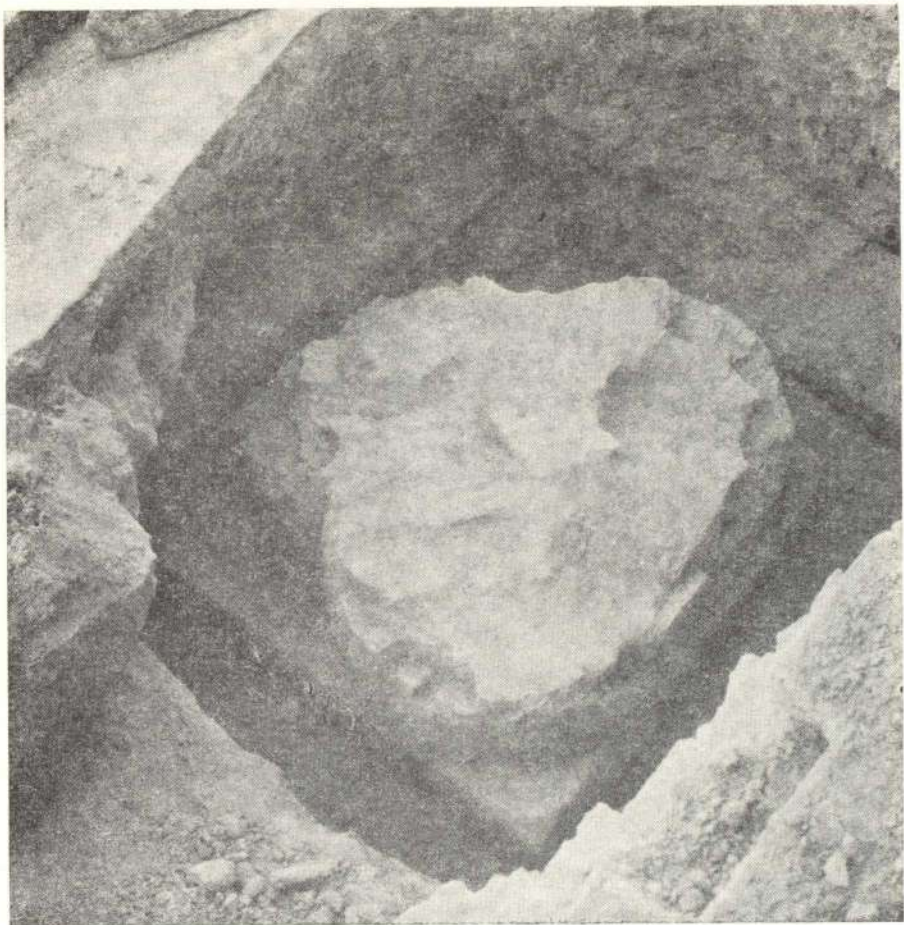
شکل ۳۳ — بخشی از شالوده دیوار محیط که در طول دیوار MW در منطقه شمالی کشف شده است. جالب آنکه همچنان که در عکس قبلی نیز مشاهده می شود، شالوده از خشت خام درست نشده بلکه با گل رس که بشدت فشرده و سفت گردیده، ساخته شده است.



شکلهای ۳۶/۳۴ سه ستون سه برگی که پس از حفاری ایوان شرقی کشف شده اند . این ستونها بترکیب شبیه ستونهای C14 - C15 و C16 که در تصویر نشان داده شده اند ، میباشند .







شکل ۴۷ - یکی از ستونهای سه برگی که از حفاری ایوان غربی بدست آمده : این ستون به علامت R15 مشخص شده است. قسمت خارجی ستون از میان برده شده تا دیوار کمکی که آستانه مرمر ایوان بدان متکی است ، بنا شود .



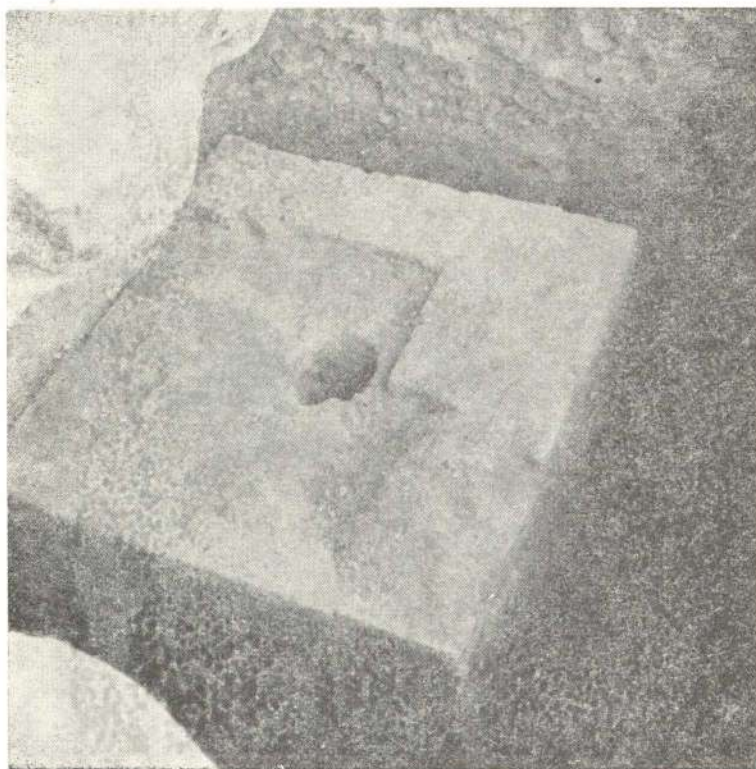
شکلهای ۳۸/۳۹ - دو منظره از ستون چهاربرگی (بعلامت 123) که در ایوان شمالی بدست آمد.





شکلیای ۴۱/۴۰ - پایه‌های ستونهای S7 و L7 واقع در ایوان جنوبی در دو طرف طاق مرکزی . در این مورد نیز قسمتهایی که رو ب محیط قرار داشتند از بین برده شده تا یک دیوار کوچک که در حکم پایه و شالوده است ، ساخته شود .



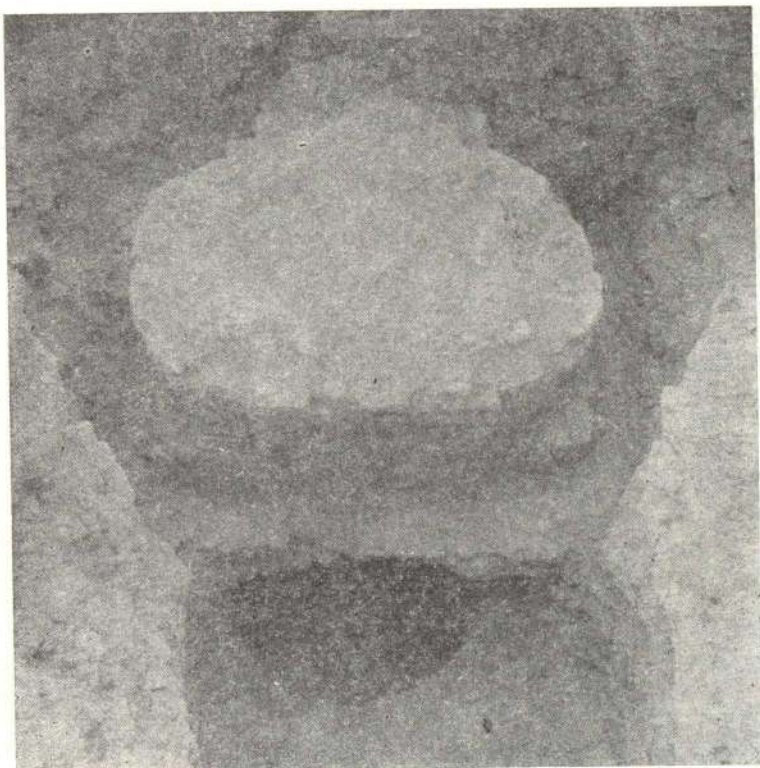


شکل ۴۲ - پایه یکی از ستونهایی که در ردیف دوم در ایوان جنوبی قرار گرفته است (بعلامت L6) در این پایه روزنه‌یی است که در آن بقایای خاکستر شده یک تنه درخت که برای ثابت نگاه داشتن ستون بکار می‌رفته، قرار دارد.

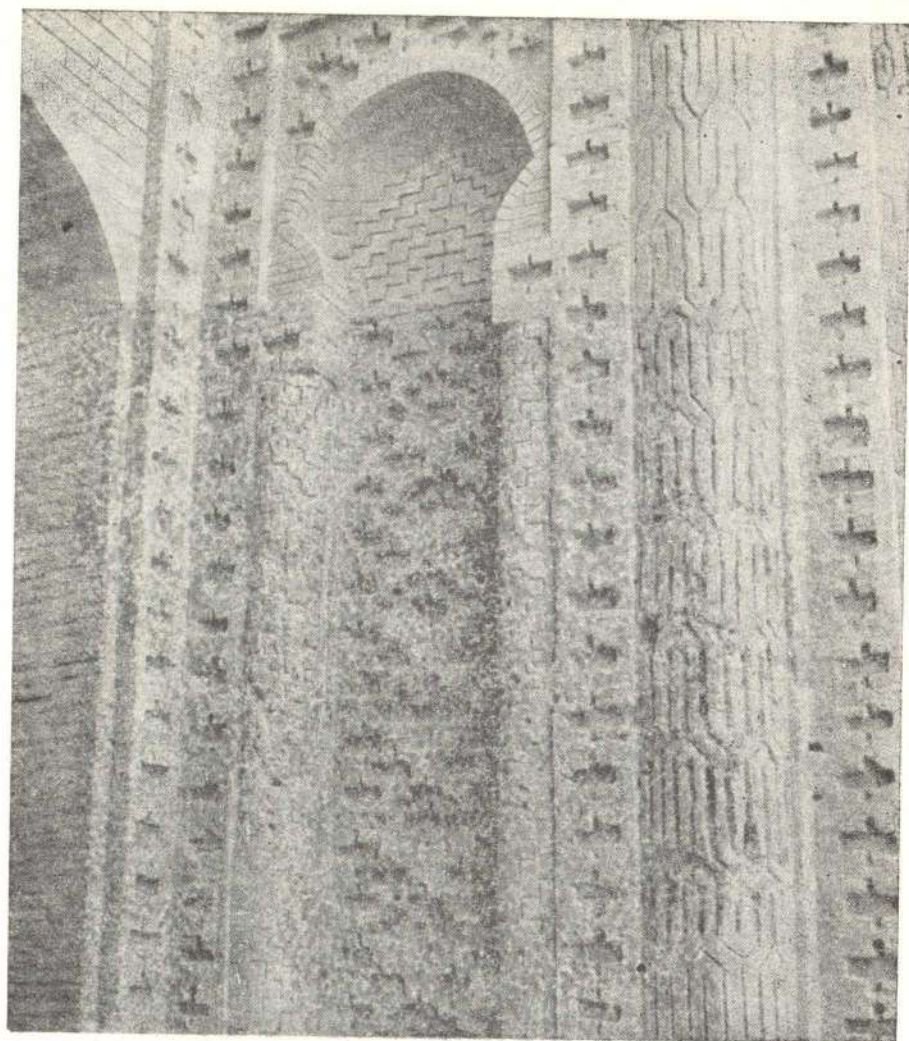


شکلیهای ۴۲ و ۴۳ - دو منظره از ستون مدور S5 که در ایوان جنوبی کشف شده است . علائم مشخصه متداول صلیب و ستاره شش پر که با استفاده از تکنیک و آجرهای مخصوص دوران آل بویه ساخته شده ، بخوبی در شکل دیده میشود همچنین توجه شود به آجرهای ضخیم که فقط در قسمت تحتانی ستون بکاررفته است .

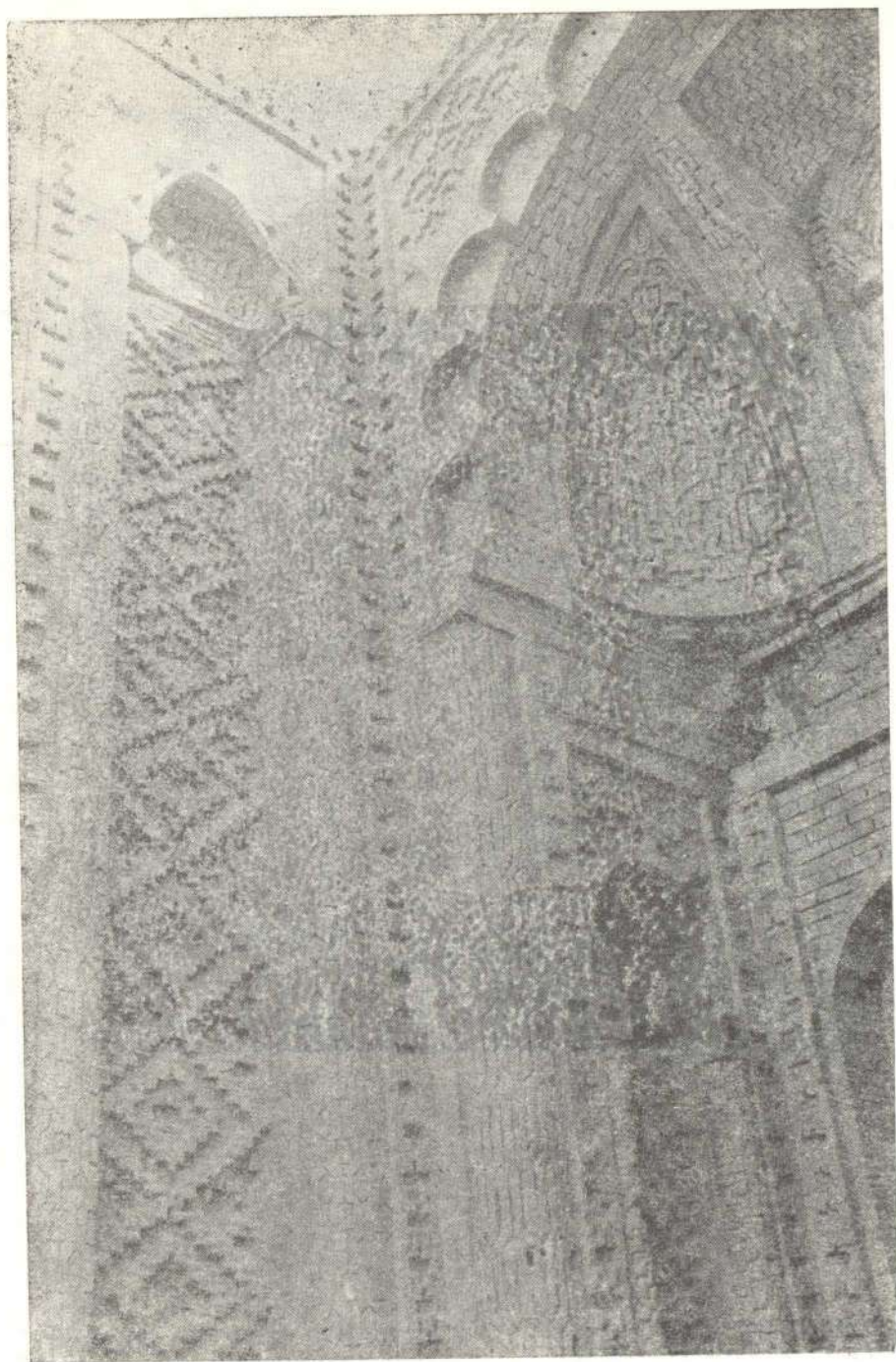


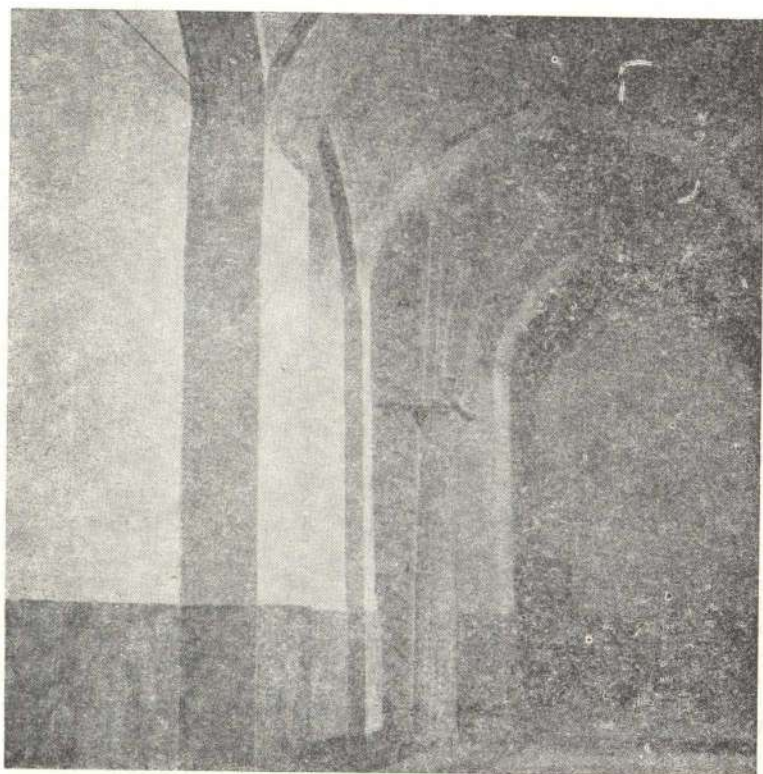


شکل ۴۵ - ایوان شرقی - جزئیات ستون سه برگی C16 . همانطور که در تصویر دیده میشود این ستون با مهارت تمام بر روی یک چاه ساخته شده است . واضح است که چاه قبلا وجود داشته است و اگرچه داخل آن پر شده ، معینا کاملا دارای مقاومت تلقی نمیشده و لذا لازم بوده که بنایی ساخته شود تا بصورت پلی قسمتی راکه دارای مقاومت کمتر بوده تقویت و حفظ نماید .

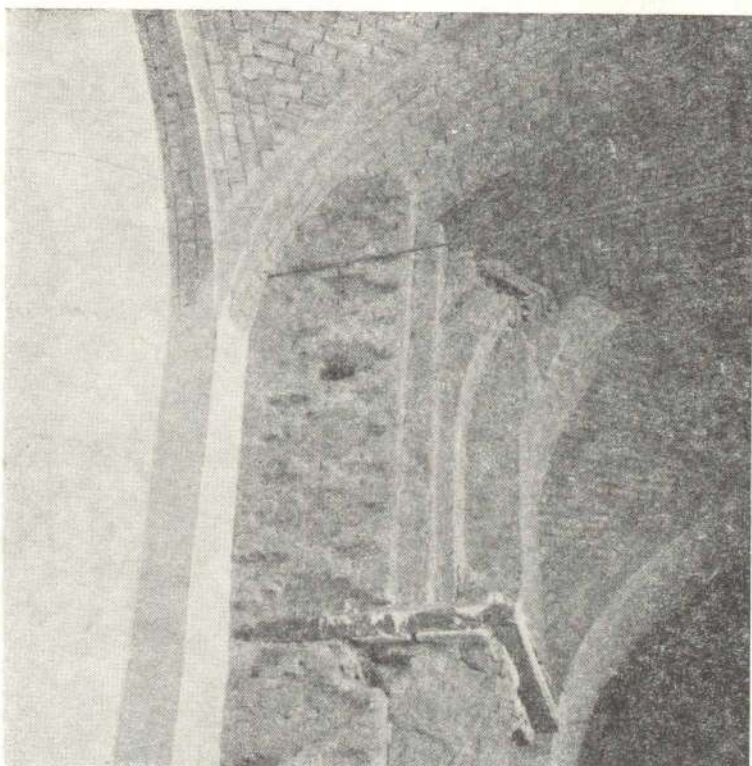


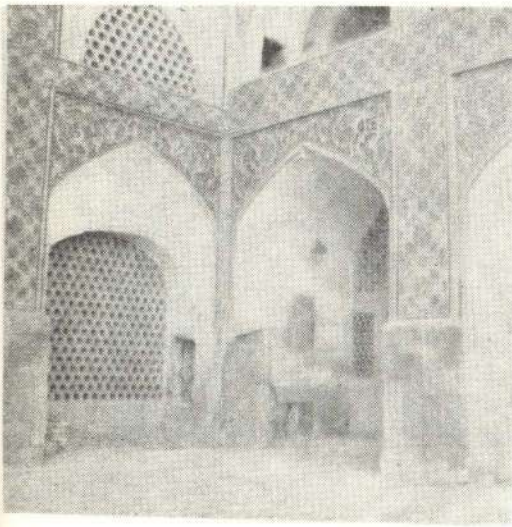
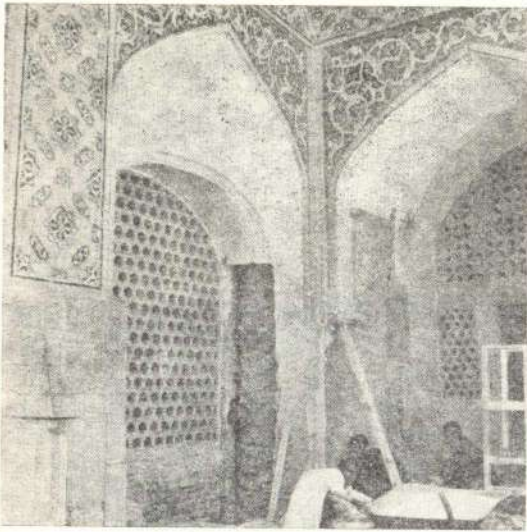
شکلهای ۴۶ و ۴۷ — دو منظره از «مسجد جورجی» اصفهان که آشکارا معرف خصوصیات معماری و سطح بندی و تزئینات مسجد میباشد. این بنا در قرن دهم ساخته شده است. آنچه بخصوص جالب توجه است قرار گرفتن آجرها بصورت شطرنجی است که حالتی تاریک و روشن به بنا میدهد. مقایسه کنید با ستونهای مسجد که در شکلهای ۳۶ و ۳۹ و ۵۱ و غیره نشان داده شده است *



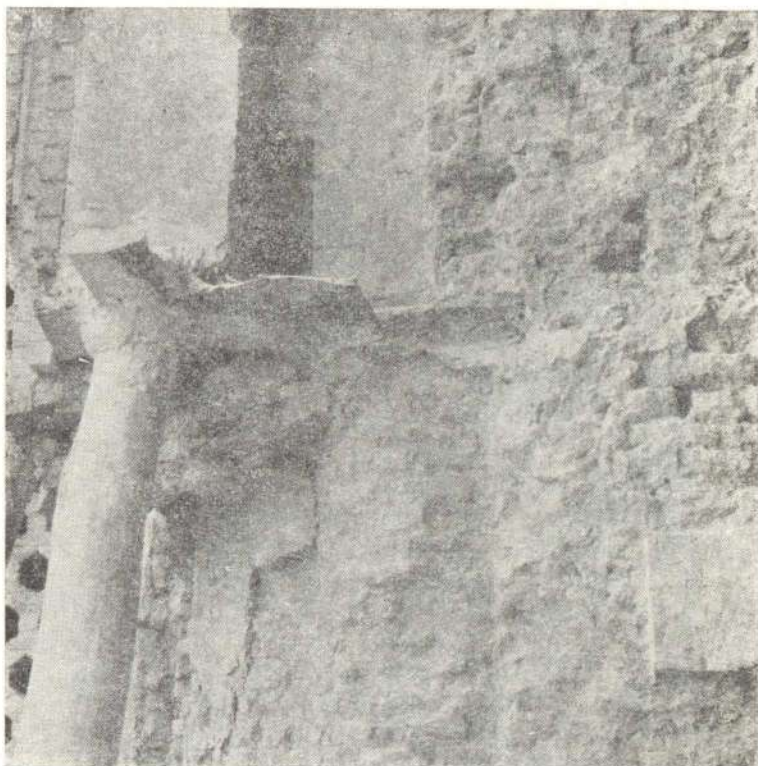


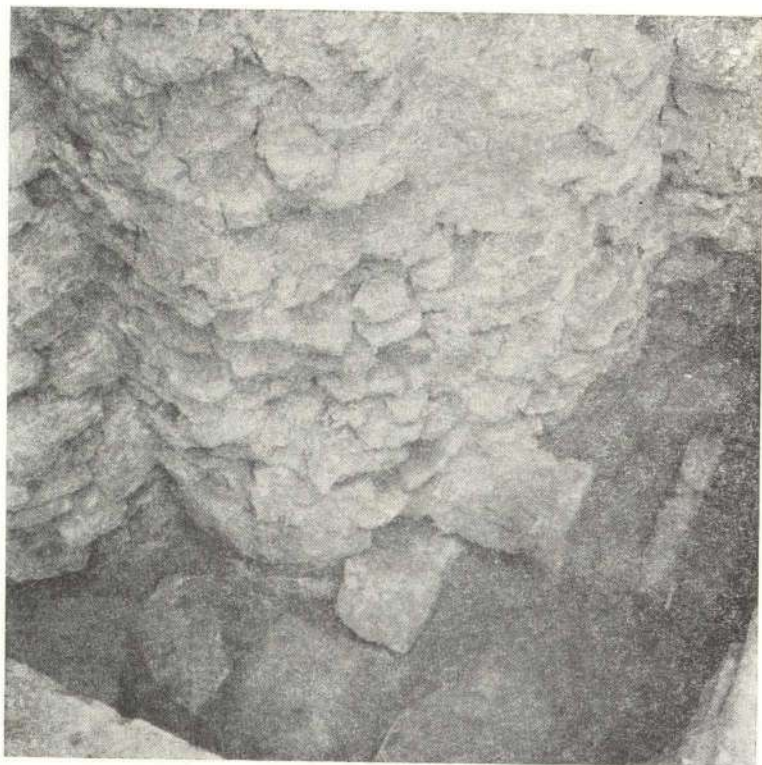
شکلهای ۴۸ و ۴۹ — مسجد مجلسی که در مجاورت مسجد جمعه قرار گرفته است. در دهلیز مخصوص اجتماعات که در کنار قبرستان واقع شده بقایای یک ستون چندبرگی که طاقی بر آن تکیه دارد بخوبی مشهود است. خصوصیات ساختمانی این مسجد شبیه مسجد جورجیر وستونهایی که در مسجد جمعه کشف شده میباشد. توجه کنید به بقایای لایه چبری که حالت تزیینی ساختمان را که قبلاً در بنای آجری بکار رفته، تکمیل نمیکرده است *

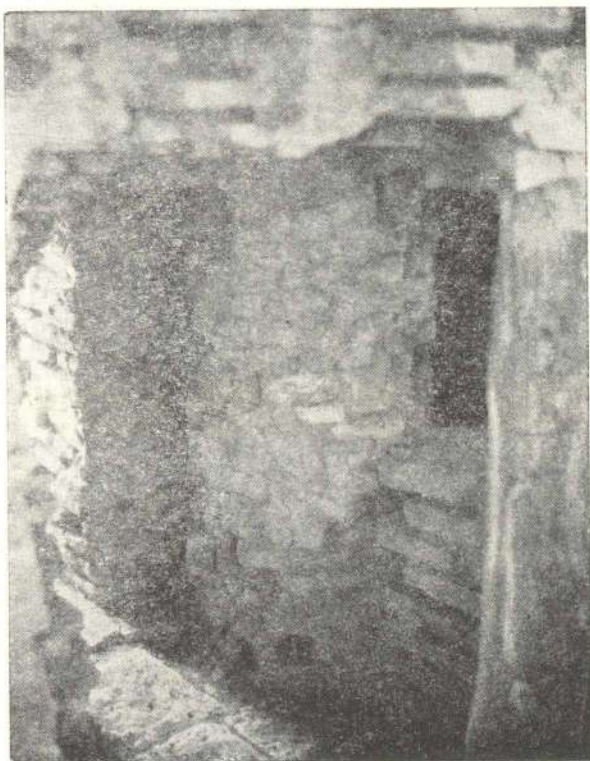


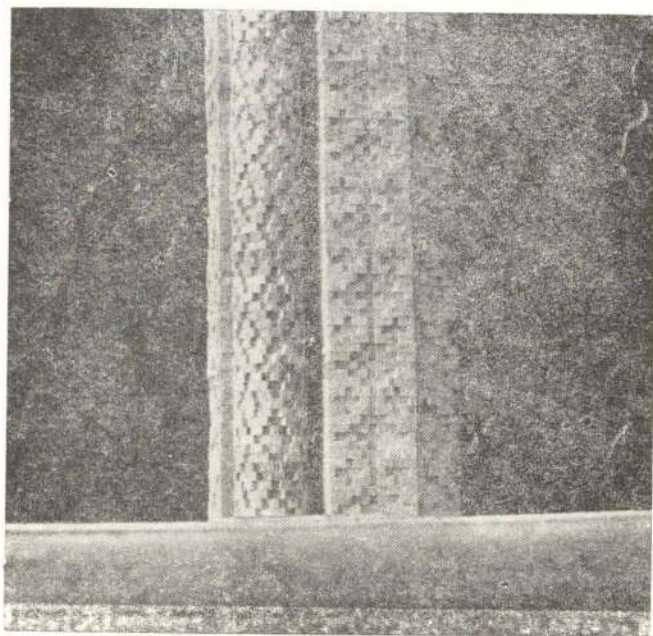
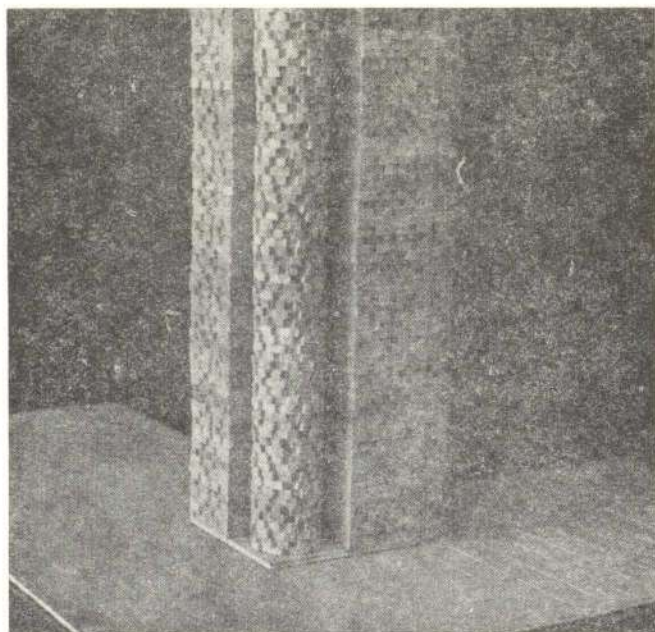


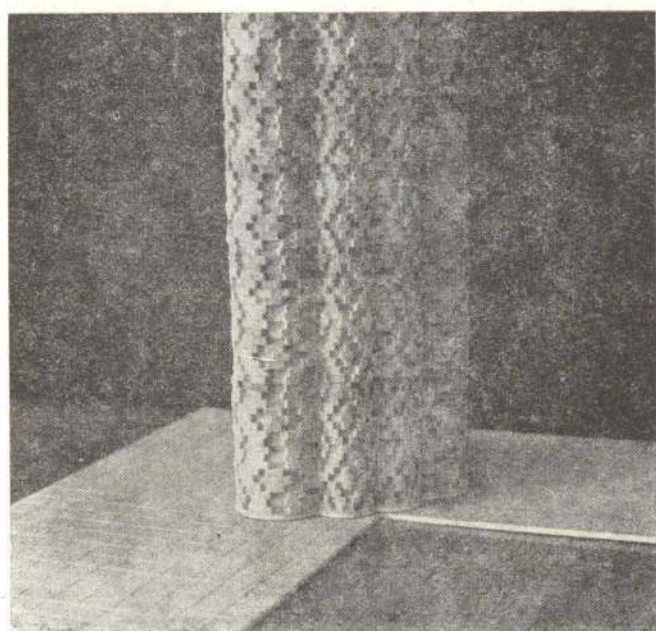
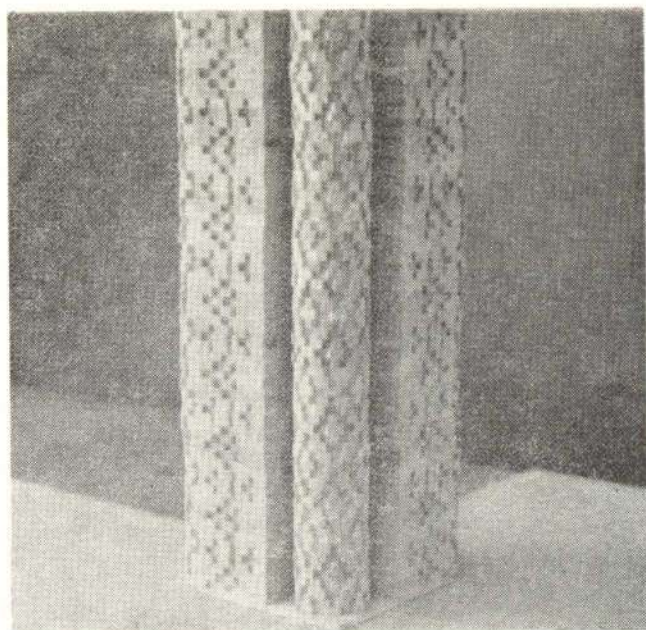
شکلهای ۵۰ و ۵۹ - گوشه جنوب شرقی حیاط مسجد جمعه عکسهای ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ نمایانگر چندین مرحله از کارهای ساختمانی است که بمنظور از میان برداشتن ستون‌چندبرگی صورت گرفته است. عکس ۵۳ نشانه‌یی از کارهای ساختمانی را که روی بنای اصلی ستون واقع در گوشه حیاط انجام گرفته ، بدست می‌دهد عکسهای ۵۴ - ۵۵ بترتیب معرف زاویه روبحیاط این ستون و نیز دو سطح عمود آن با ستون کوچک آزاد می‌باشند . این ستون کوچک دست نخورده را تا ارتفاع سرستون یعنی تا ۵٫۶۷ متر میتوان مشخص کرد . عکسهای ۵۶ تا ۵۹ چهار منظره از نمونه‌یی را نشان می‌دهد که از روی ستون اصلی ساخته شده و شناسائی ترکیب جالب ستون را آسانتر مینماید .

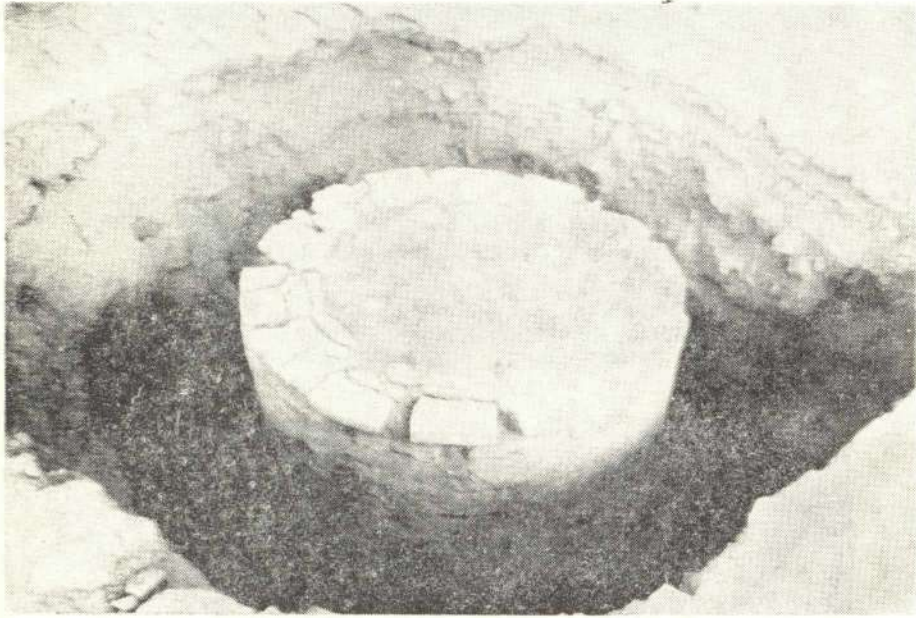






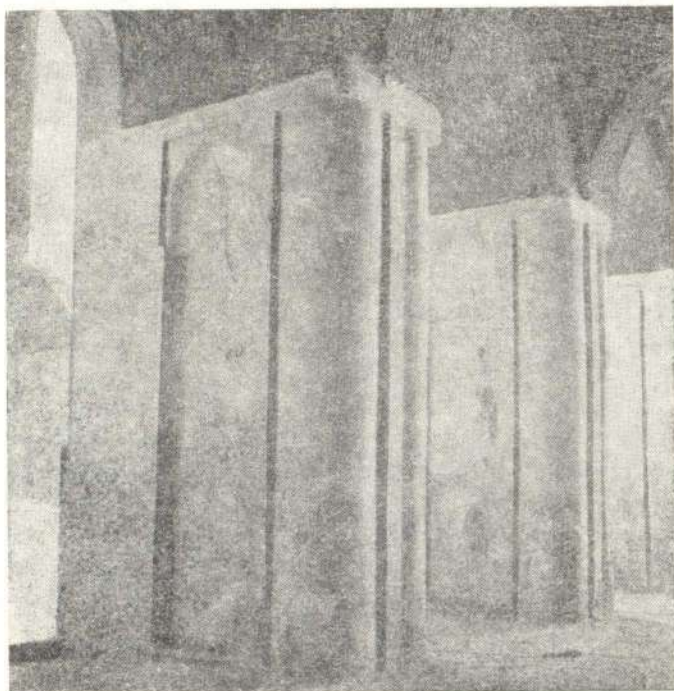




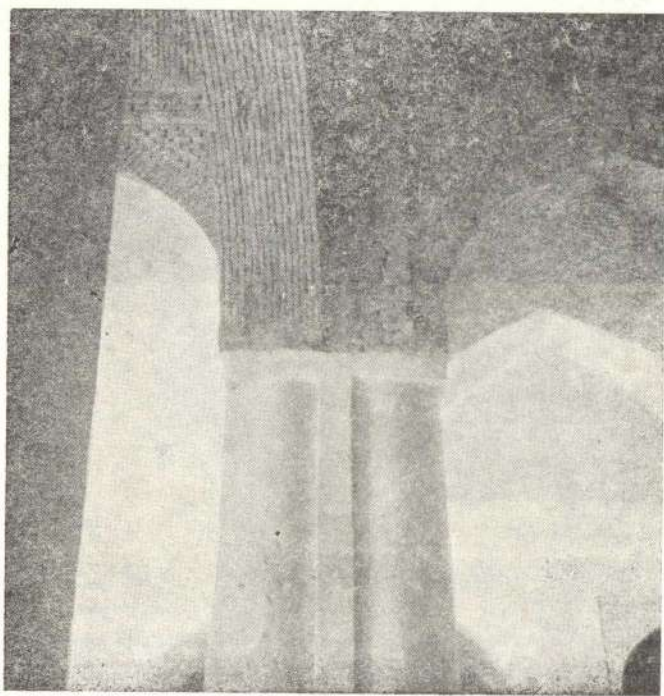
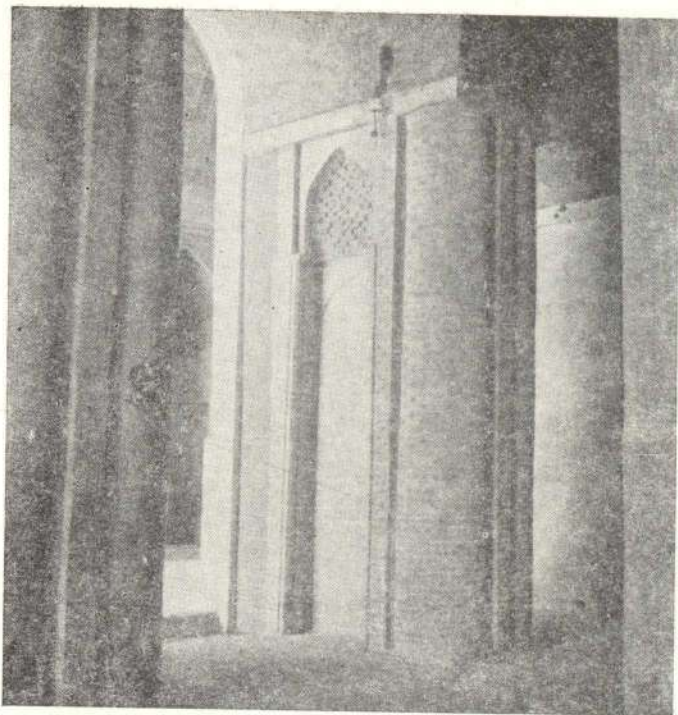


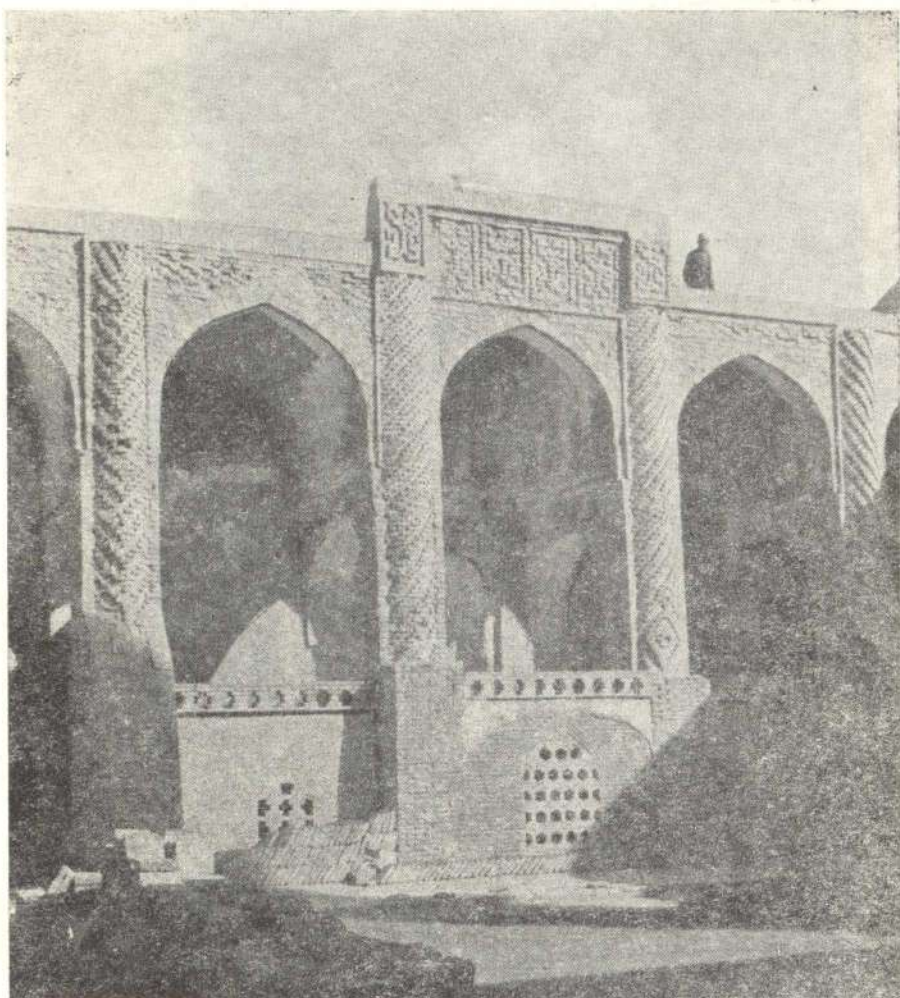
شکلهای ۶۱۶۰ - دو عدد از ستونهای پوشش دار که در طی حفاریها بدست آمده (بترتیب ستونهای F1 ، F2)،
 هماهنگطور که مشاهده میشود این ستونها فقط در فاصله چند سانتیمتری زیر کف فعلی شکسته شده اند ستون F2
 ترتیب قرار گرفتن آجرهای بالای ستون و قطعات کوچک آجری را که نیز جزئی از تزیینات بنا بوده ، بوضوح
 بیشتری نشان میدهد .



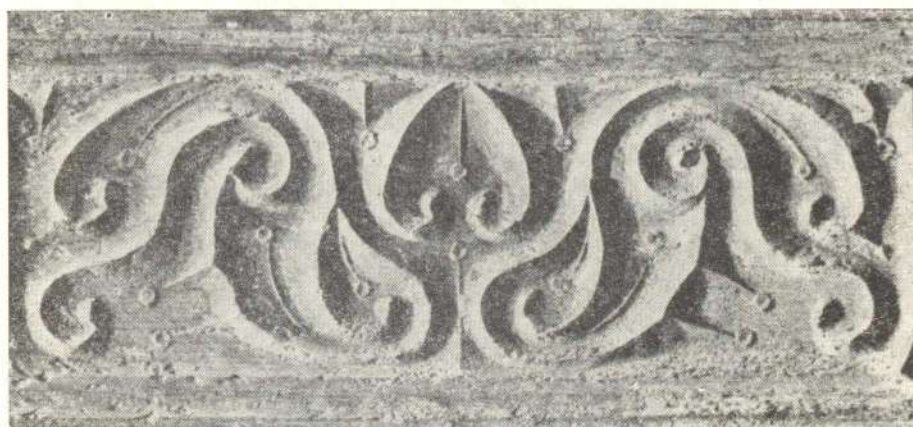


شکلهای ۶۲/۶۴ - ایوان شمالی . ستونهایی که ایوان را در طول قسمت شرقی احاطه کرده اند . لایه های گچی مختلف که آنرا پوشانیده ، حتی لایه های قدیمی تر ، شیوه طاقچه باز را از نظر بنیان میدارد . این موضوع را میتوان در شکل ۶۳ بهتر مشاهده کرد که در آن نتیجه کارهای ساختمانی نسبتاً جدیدی که برای حفاظت بنا صورت گرفته ، دیده میشود که چندان قابل نمایش نیست شکل ۵۴ محل تلاقی طاقهای محیط بنا و ستونهای ایوان را نشان میدهد . واضح است که اتصال در بنا همزمان با ساختن ستونها صورت گرفته است . اگرچنین می بود ، این تصور حاصل میشود که ایوان نیز مانند حرم جنوبی باید یک بنای مستقل و مجزی بوده باشد .

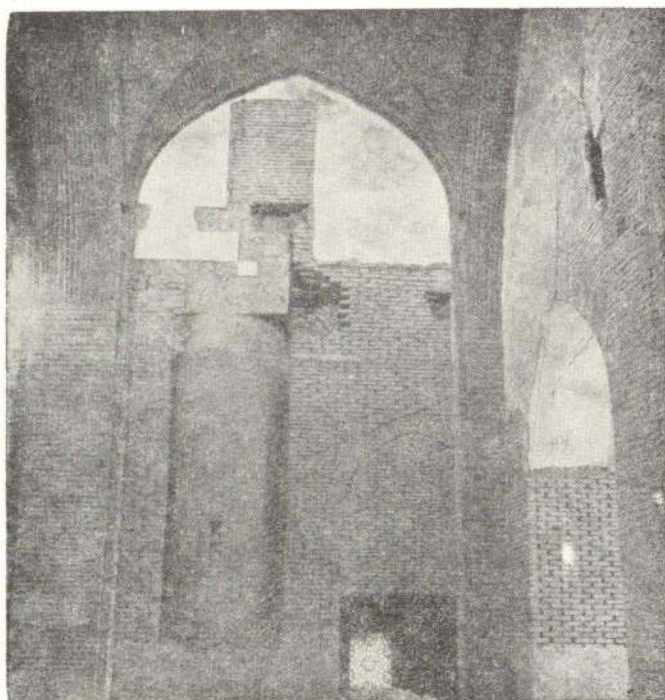




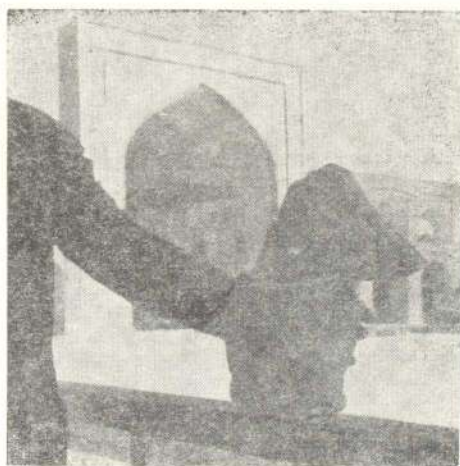
شکل ۶۵ - مسجد جمعه نائین - ستونهای سبک معماری دوران آل بویه که در سردر رو به جنوب حیاط واقع شده‌اند
کیفیت تزئینات آجری را با تزئینات آجری نقطه تلاقی در مسجد جورجیر در شکل ۴۴ مقایسه نماید.



شکلهای ۶۶ a ، b - مقایسه بین تزیینات گچی سر ستون در حرم بزرگ نظام‌الملک واقع در مسجد جمعه و تزیینات روی يك قاب‌چوبی که اصل آن به سمره متعلق است و در موزه بناکی (Benaki) آتن نگهداری می‌شود.



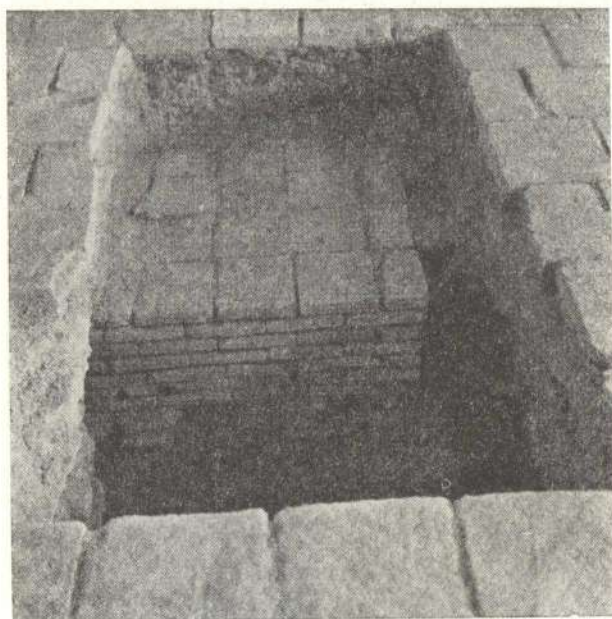
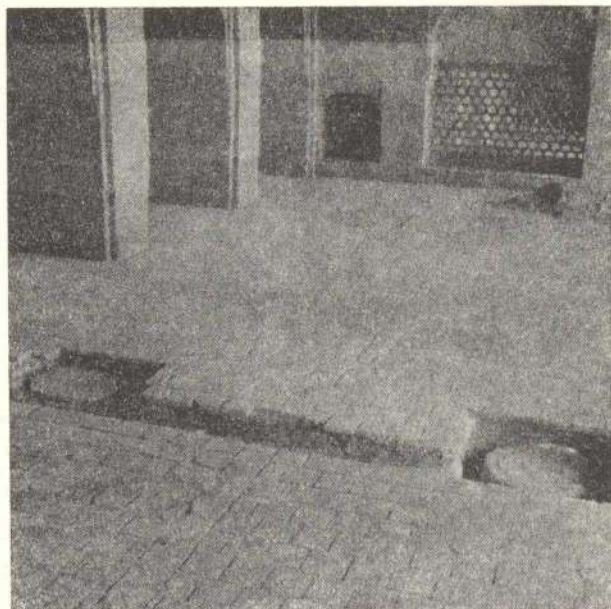
شکلهای ۶۷ و ۶۸ - محل اتصال حرم جنوبی واقع در قسمت شرقی (اطاق شماره ۳۷) که پس از عملیات حفاری بدست آمده. در طی این عملیات قسمتی از کتیبه قرآن واقع در سردر حرم نیز نمایان شد. در شکل ۶۷ قسمتی از طاق کهنی که جزئی از بنای اولین ایوان دوران سلجوقی را تشکیل میدهد، نیز دیده می شود. شکل ۶۸ نمایشگر بخشی از نقش و نگار گوشه جنوب شرقی مقبره در قسمت بالای ستون است.



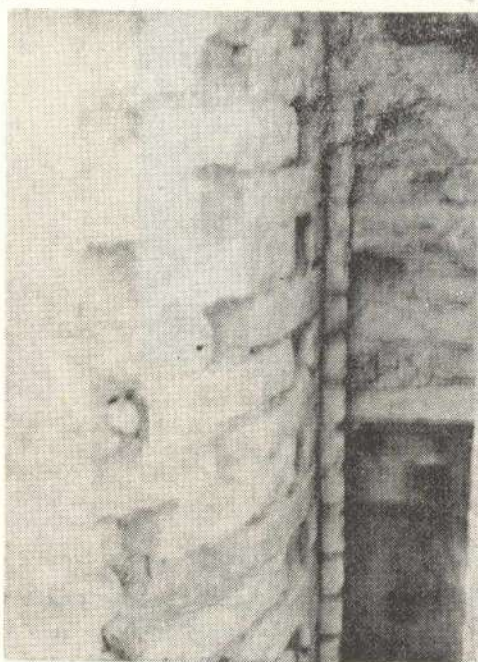
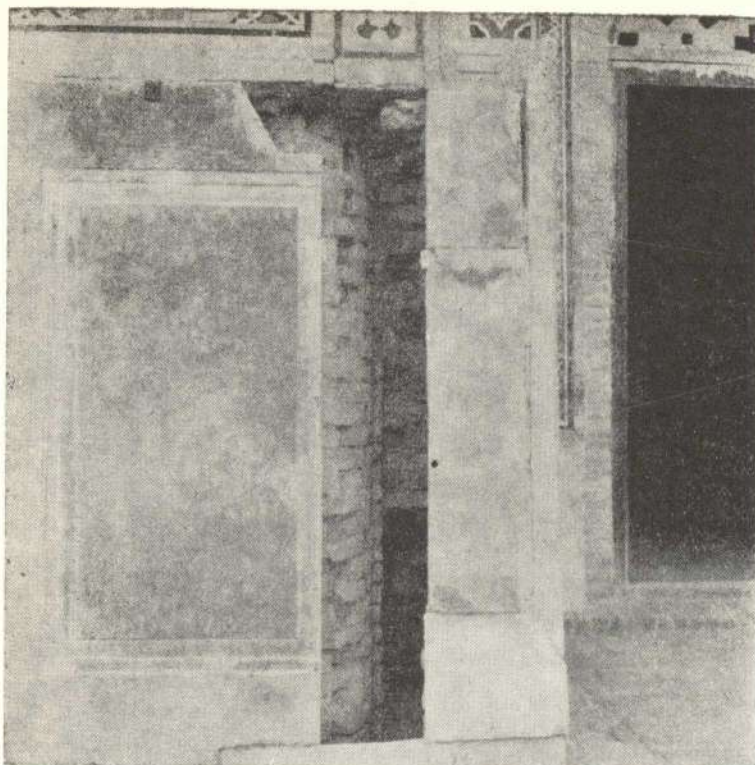
شکل ۶۹ - ایوان غربی . يك قطعه گجبری (شاید متعلق بیک محراب بوده باشد) که در کنار بقایای پایه ستون
T16 پیدا شده .



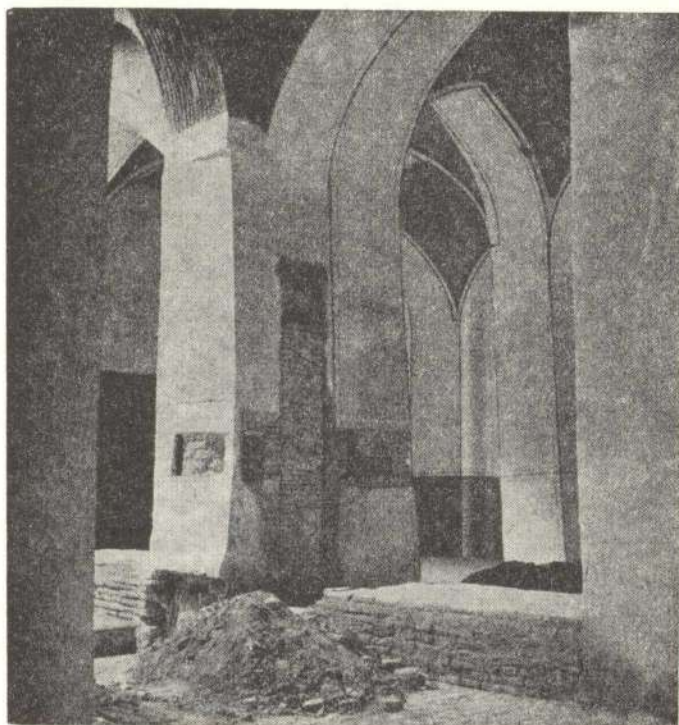
شکلهای ۷۰ تا ۷۳ - اطاق محراب الجایتو دو شکل اول نشان دهنده ستونهای مدوری است که دیوارهای متقاطع بدانها متصل اند (بعلامت S19 و T19) و در اطاق کشف شده اند . دو عکس دیگر نمایشگر ستونهایی است که دارای پایه مربع بوده و در همان اطاق نزدیک انتهای شمالی پیدا شده اند (این ستونها بعلامت S21 و T21 مشخص شده اند) توجه شود که آجرها بجه دقت زیادی چیده شده اند . *



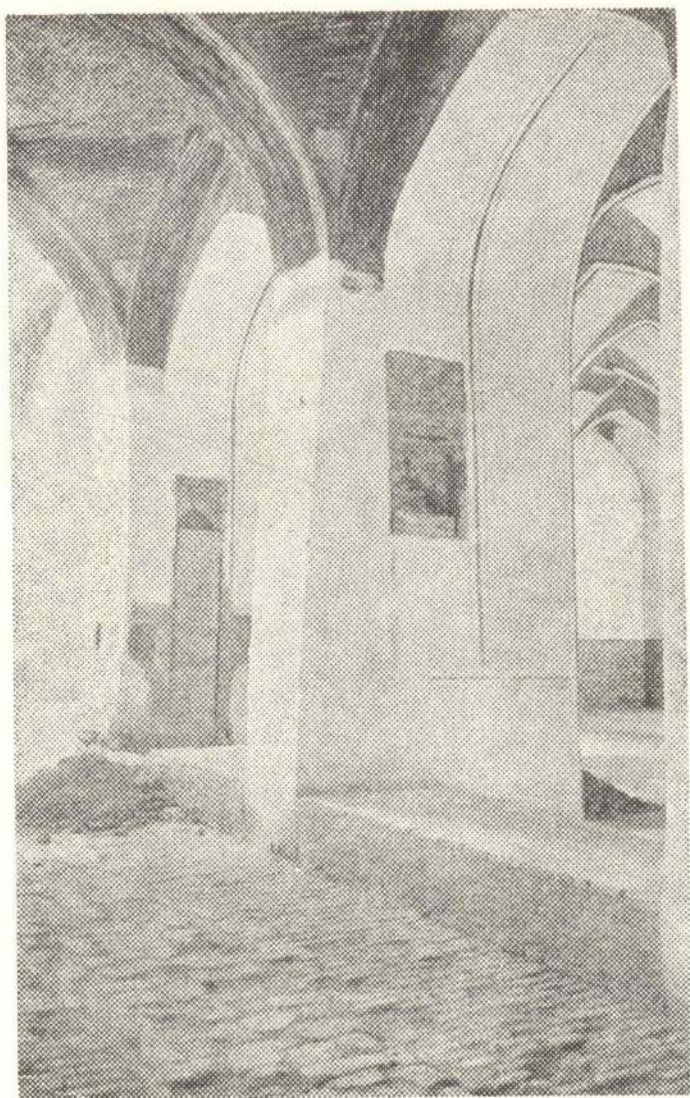




شکل ۷۴- مدخل اطاقی که محراب الجا تیودر آن قرار دارد (قسمتی که رو به جنوب است) برای بررسی خصوصیات معماری این در ورودی مجدداً لایه روی ستونی که هنگام تعمیرات سال ۱۹۳۹ توسط سدار رویت شده بود، کنار زده شد. کار نمایان کردن قسمت تحتانی ستون و بخشی از پایه آن با اشکال فراوان توأم بوده زیرا که بدبختانه این قسمت‌ها بوسیله دیوارهای جدید، الاحداث کاملاً پوشیده شده بود. بعقیده ما این ستون و نیز ستونی که بطور قرینه در طرف شمالی آن واقع شده هر دو را می‌توان بمرحله ۳ ازدوران سلجوقی متعلق دانست.



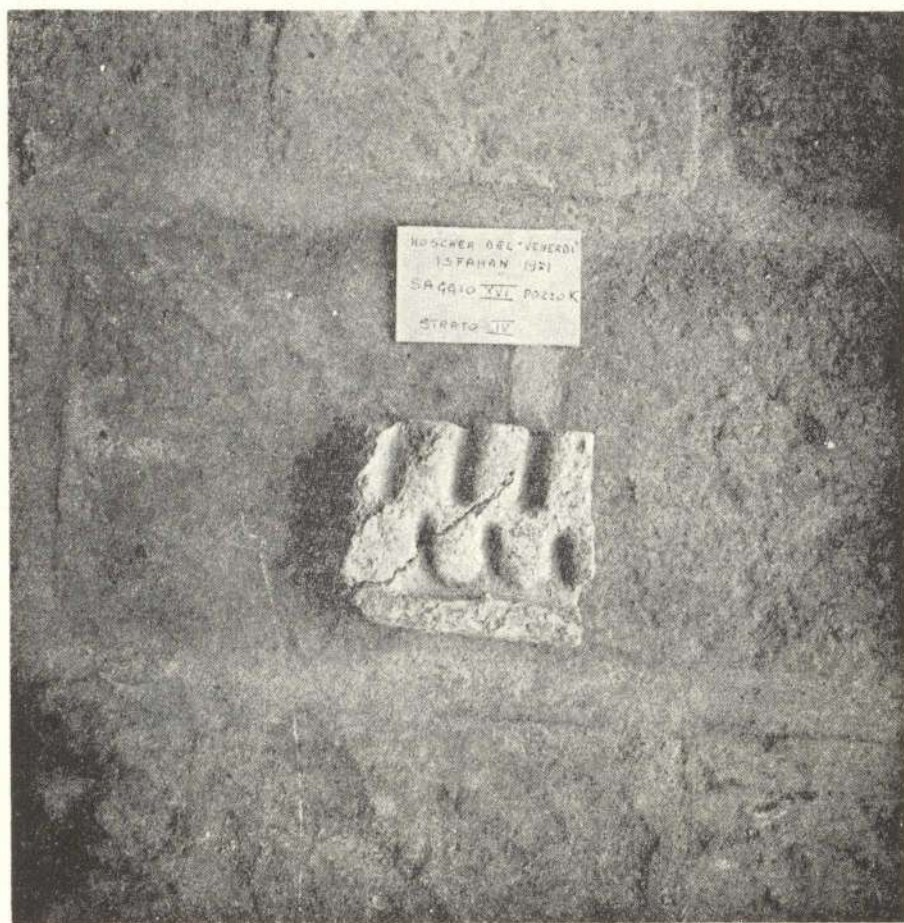
شکلهای ۷۵ تا ۷۷ — قسمت جنوب غربی . ستونهای مستطیل واقع در طول دیوار MW . روی این ستونهای مدخل که در طی کاوشها کشف شده ، نشانه هایی از تعمیرات بعدی و شکستگی حاصله در تمام بناها را میتوان مشاهده کرد . (رجوع شود به شکلهای b ۱۲ و ۱۴) .



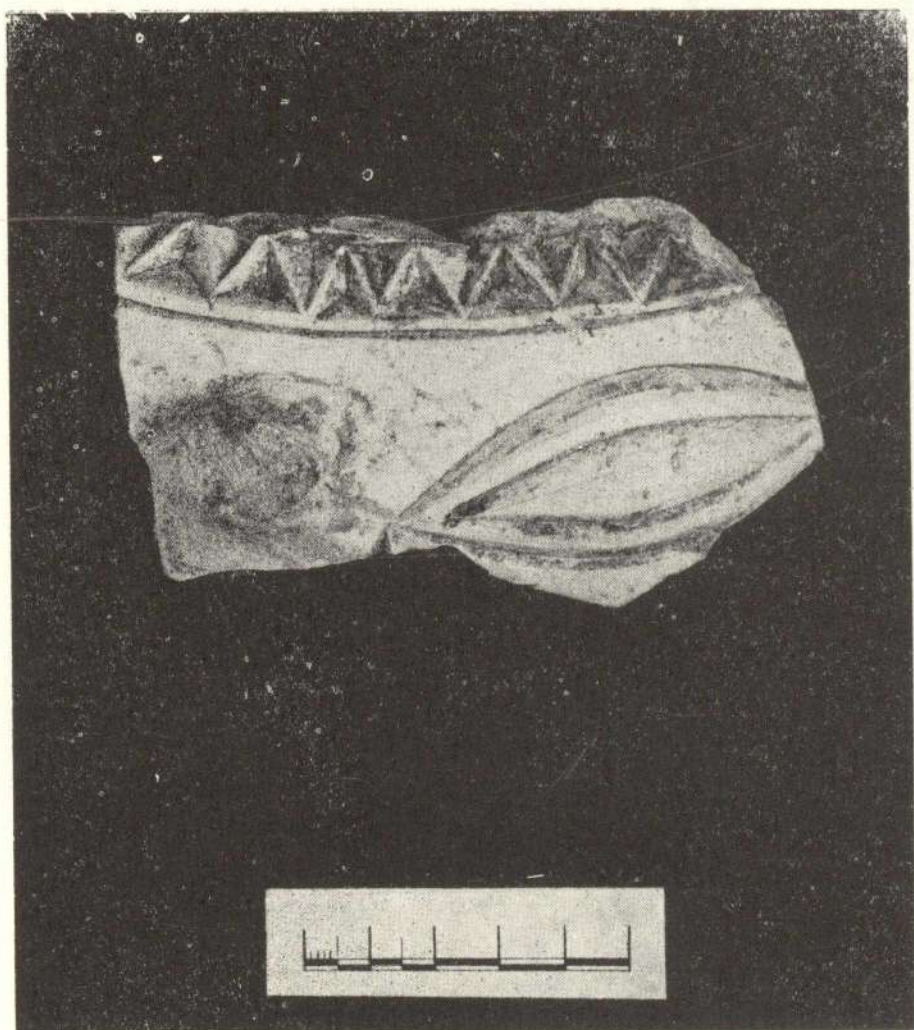


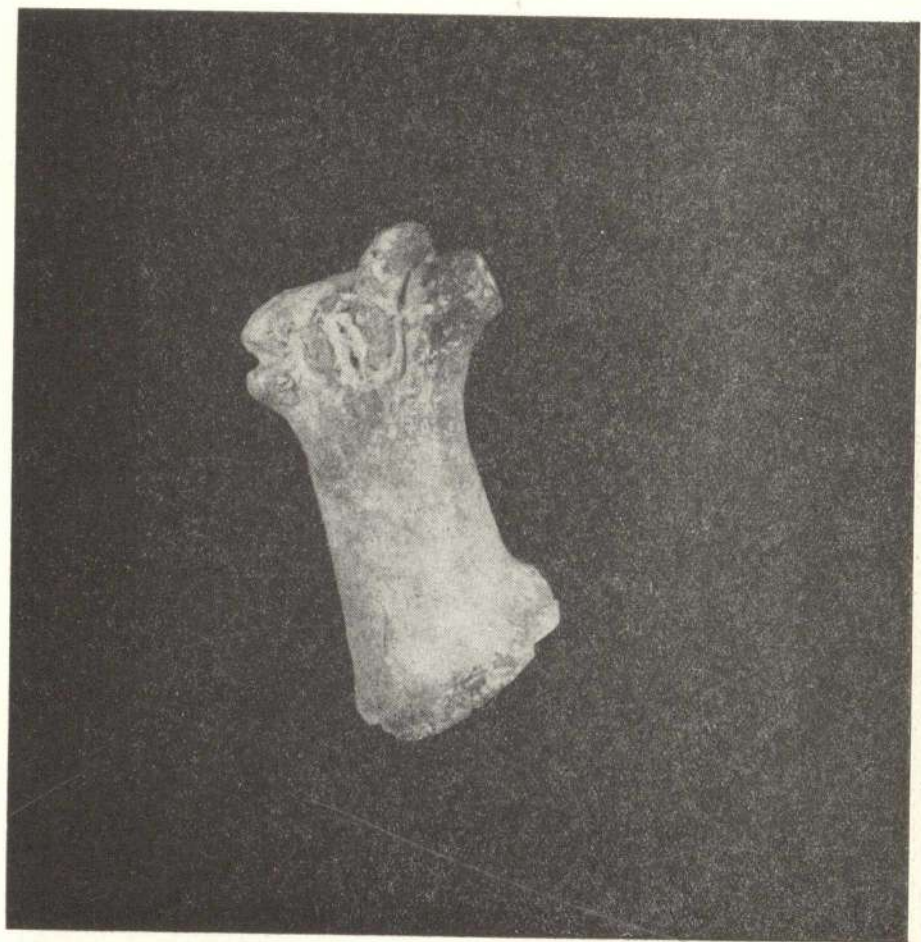


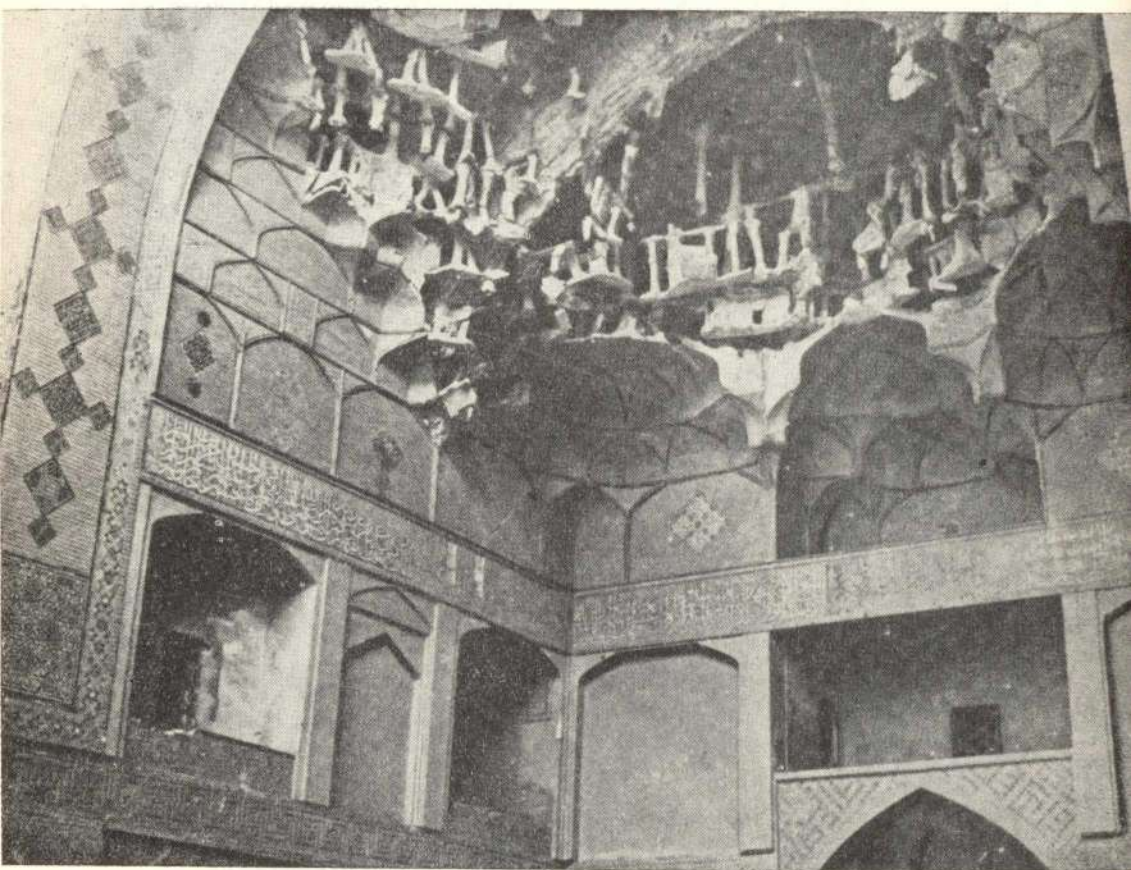
شکلهای ۸۱ و ۷۸ — ناحیه جنوب شرقی . بخش کوچکی از موادی که درون يك لوله که برای بررسیهای زمین شناسی در خاک فرو برده شده بود ، بدست آمده . در دو شکل اول چندین پاره آجر پخته دیده می شود که در عمق بین ۴۵۰ و ۶۸۰ متری بدست آمده . شکل ۸۰ قطعه ای از يك گلدان سفالی را نشان میدهد برنگ روشن که در عمق ۶۸۰ متری کشف شده است . در شکل ۸۱ قطعه کوچکی که بشکل سر قوچ بوده و در عمق ۳۹۰ متری بدست آمده ، مشاهده میشود .



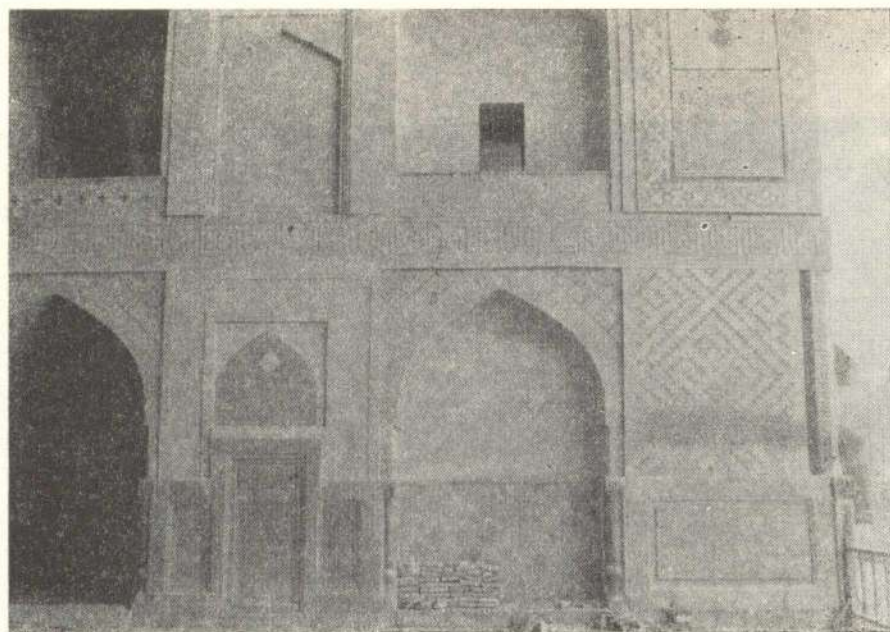
HOGHER DEL VESERO
ISFAHAN 1921
SAGGIO XVI, POZZO K
STRATO IV



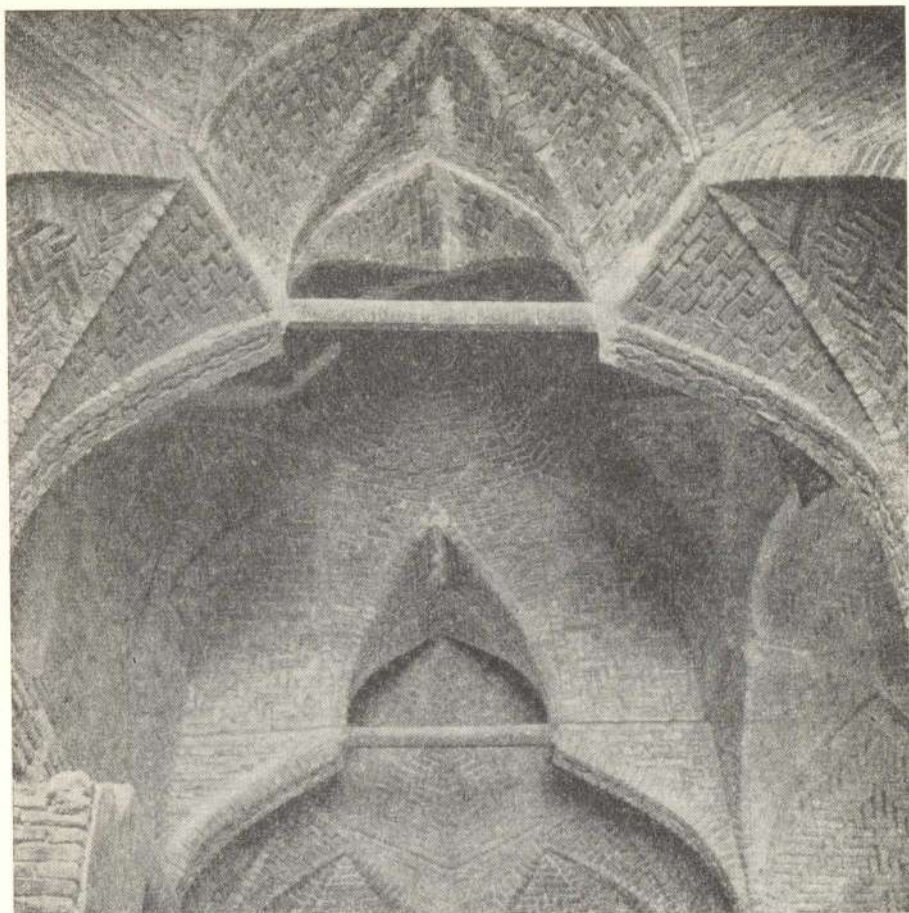




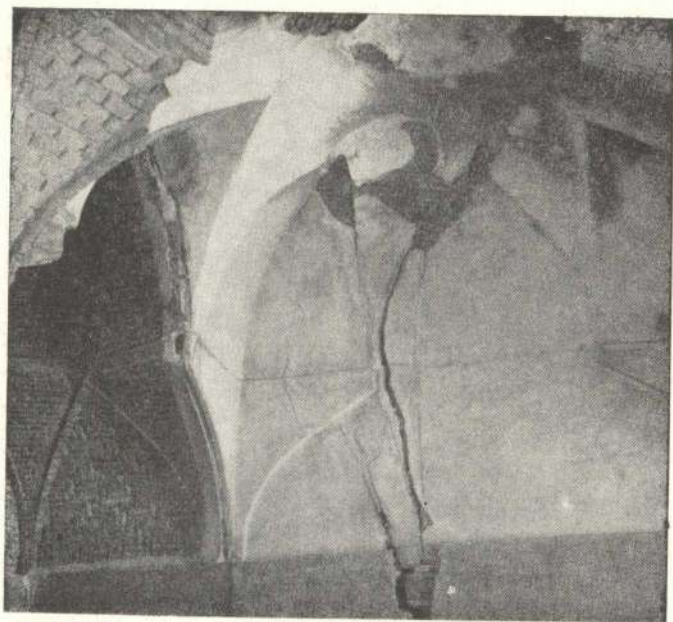
۸۲- ایوان شرقی : عکس (اخذ از مقالة الف. گابیریل بنام مسجد جمعه در نشریه هنر اسلامی جلد دو ۱۹۳۵ صفحات ۷-۴۴) وضع ایوان مخصوصاً وضع ستونها آنتوریکه در سال ۱۹۳۴ ظاهر شده نشان میدهد. در منطقه ای که تزئینات کاملاً فرو ریخته است. قسمتی از قوس حاصل را می توان دید.



شکلهای ۸۳ و ۸۴- ایوان شرقی - دو منظره که آجرکاریهای راکه تمام یا قسمتی از بناهای ساختمانی را پر کرده نشان می‌دهد. مقصود از این آجرکاری پیشگیری از حرکت ایوان یا قسمتی از آن بسمت صحن بوده است.



۸۵- منطقه برخورد بین ایوان شرقی و قسمت شمالی در ارتفاع ردیف اول. در اینجا آسیب خفیف تر است و اندودکچ انجام نگرفته بنا بر این این استخوان بندیهای بخصوص زیبا می توان دید. هر چند در اینجا نیز مراقبت شده تافضاها از دید عموم بسته باشد لذا معمولاً آنها را ابداء نمی توان دید.



شکلهای ۸۶ و ۸۷ منطقه برخورد بین ایوان شرقی و قسمت جنوبی در ارتفاع ردیف اول آسیب استخوان بندیه‌های بنا بر اثر حرکت ایوان بسمت صحن بطور وضوح دیده میشود. بدین طریق این استخوان — بندی‌های ساختمانی نه تنها توسط لایه آندودکس از نظر پنهان مانده بلکه بعلا خطر فرو ریختن دسترسی به آنها میسر نیست.

